

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

[www.karnil.com](http://www.karnil.com)

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

بنام خدا  
چکیده ای از نکته ها  
و  
گرامر زبان انگلیسی (بریتانیایی - آمریکایی)  
در  
زبان شیرین فارسی  
مؤلف: دکتر فرهاد هوشنگی  
1390-1392

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



عسلویه – طلوع خورشید  
عکس توسط نویسنده

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

#### بنام خدا

با استعانت از خداوند بزرگ ، این کتاب را به دختر نازنینم آنیثا خانم به پاس سعی و تلاش فراوان او(علیرغم سن کمتر) برای ادامه تحصیل در رشته فوق لیسانس مهندسی صنایع هدیه می نمایم .

همچنین از همسرمهربانم سرکار خانم فریبا ودیگر فرزندان عزیزم آقای مهندس آرش و آرمیتا خانم برای همراهی و پذیرش مسئولیت های خانواده سپاسگزاری نموده و از خداوند کریم آرزوی سلامتی همگی را خواهانم.

همچنین آرزو دارم که بالطف خداوند بزرگ در آینده این مجموعه کامل تر گردد تا کمکی باشد به عزیزانیکه به فراگیری زبان انگلیسی، علاقه مندند. جا دارد در همین جا برای شادروان مرحوم حیم، طلب مغفرت نمائیم.

نُه (۹) ساله بودم که در مسابقات شطرنج بین مدارس استان زادگاهم به مقام اول نائل گردیدم.بهمراه دریافت جایزه یک جلد دیکشنری زبان انگلیسی مرحوم حیم هم وجود داشت .با همان کتاب بود که من هم مانند هزاران دانش آموز دیگر به زبان انگلیسی علاقه من شدم .حال که سالیان زیادی از آن تاریخ میگذرد و جدید ترین چاپ آن دیکشنری را دیدم با خود عهد بستم که به نوعی به دانشجویان و دانش آموزان این کشور عزیز، که با زبان انگلیسی آشنایی دارند ، خدمتی بنمایم .از اینرو ضمن زحمات فراوان برای گرد آوری مطالب این کتاب آنرا آماده چاپ نمودم.

همچنین برای کلیه سرورانی که از کتا بهای آنان استفاده شده است،سلامتی و تندرستی از خداوند منان خواها نم . در ضمن از فروش این کتاب کلیه عواید سهم اینجانب، توسط ناشر وقف **سازمان بهزیستی کشور** خواهد شد .

به امید موفقیت : دکتر فرهاد هوشنگی ( ۱۳۹۲ - ۱۳۹۰ )

FARHAD\_HOOSHANGY@YAHOO.COM

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

<u>صفحه</u>	<u>مهرست</u>
۶	اسم
۸	ترتیب درست جمله
۸	فرمول کلی یک جمله انگلیسی
۱۱	مصدر
۱۶	اسم فعل (اسم مصدر)
۱۸	فعل
۲۱	افعال وجهی
۲۲	مفعول
۲۳	ضمایر
۲۸	صفات
۳۳	قید
۳۶	حروف اضافه
۳۸	حرف تعریف نا معین
۴۰	حرف تعریف معین
۴۲	معلوم و مجهول
۴۳	موارد استفاده فعل To Be
۴۵	زمانها
۶۳	زمانهای شرطی
۶۶	نقل قول مستقیم و غیر مستقیم
۷۴	صیغه سوم شخص مفرد
۷۶	قواعد جمع کلمات مفرد
۷۹	قواعد جمع کلمات مرکب
۸۰	کاربرد (so-enough-too-very)
۸۳	کاربرد (such)
۸۵	Question Tag
۸۶	تبدیل فعل به اسم

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

<u>صفحه</u>	<u>مهرست</u>
۸۸	پیشوند و پسوند
۹۶	مترادف و متضاد
۱۰۱	نکته های خاص و اصطلاحات
۲۳۷	قواعد افعال بیقاعده

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**توجه :**

برای سهولت دستیابی شما عزیزان دوست دار مطالعه زبان انگلیسی سعی شده است که نکته های کنکوری براساس فهرست **a-b-c** تنظیم گردد. براین اساس گاهی ملاحظه می شود که در یک پاراگراف چندین لغت مورد بحث قرار گرفته است. از این جهت سه حرف اول مطرح ترین لغت مانند: (**gre**) برای (**Big, Large, Great**) بکار گرفته شده و یا گاهی سه حرف اولین لغت ذکر شده است مانند: (**fem**) برای (**Female**) و (**Male**). گاهی مشاهده شده که لغتی از دو حرف تشکیل شده است. مانند (**an**) که در درج علامت اختصاری آن فقط دو حرف لغت و خط تیره ذکر شده است مانند (**an-**). گاهی لغت مورد نظر ما در بین پیشوند و پسوند قرار گرفته که سه حرف خود لغت اصلی مورد بحث ذکر شده و از درج حروف پیشوند صرف نظر شده است.

مانند اصطلاح **In collaboration with** که با سه حرف (**col**) مشخص شده است. اما توصیه ما این است که شما به این علامتها قناعت نفرمائید و با شوق فراوان همه محتویات کتاب را مطالعه فرمائید. چرا که نکات بسیار مهمی با تغییر رنگ در چاپ این کتاب آورده شده است که مطمئناً دقت شما را در فراگیری افزایش خواهد داد.

با سپاس از شما که با مطالعه سعی می نمائید، دنیای ناشناخته ها را به خود و فرزندان دلبندتان بیاموزید.

ضمناً در پایان کتاب با جمع آوری بسیاری از افعال بیقاعده سعی شده است در فراگیری این افعال و کاربرد آنها در جملات، به شما عزیزان کمک شود تا وقت خود را صرفه جویی نمائید.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## اسم Noun

اسم کلمه ایست که دلالت بر نام چیزی دارد و این نام می تواند شامل انسان، حیوان و اشیاء باشد و نیز بتواند در جایگاه اسمی بنشیند .

### ۱- اسم قابل شمارش :

اسامی که بتوان آنها را با اعداد شمرد . یعنی یکی -دو تا -سه تا و...

مانند : ( یک دانش آموز a student ) - ( سه خودرو Three cars )

### ۲- اسم غیر قابل شمارش :

اسامی که نتوان آنها را با اعداد شمرد .

مانند : ( شکر sugar ) - ( آب water )

### نکته :

اسما می قابل شمارش با اضافه نمودن s به آخرشان جمع بسته میشوند ولی اسامی غیر قابل شمارش با استفاده از سایر کلمات و یا سنجه هایی که بتوان آنها را جمع کرد شمرده میشوند چون خود غیر قابل جمع شدن هستند .

مانند : ( سه لیوان آب three glasses of water )

( داروی فراوان So many medicen )

بعضی از اسامی غیر قابل شمارش مهم عبارتند از :

light ( پول ) - money - coffee ( قهوه ) - news ( خبر ) - paper ( کاغذ ) - نور )

sugar ( دارو ) - medicine - homework ( تکالیف ) - food ( غذا ) - advice ( پند ) - شکر )

### ۳- اسم مفرد و جمع :

اسم مفرد اسمی است که به یک فرد، حیوان و یا یک چیز دلالت می کند.

مثل یک کتاب ( a book ) - و اسم جمع اسمی است که به بیش از یک فرد ، یا حیوان و یا

یک چیز اطلاق می شود . مانند : ( کتابها books ) - ( مدادها pencils )



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**۴- اسم ذات و اسم معنی :**

اسمی که قابلیت لمس کردن و یا دیده شدن را داشته باشد اسم ذات است، در غیر اینصورت اسم معنی می باشد . مانند:

{ اسم ذات ( : بشقاب late – مرد man }

{ اسم معنی ( : پند advice – مهربانی kindness ) }

**۵- اسم ساده و اسم مرکب :**

اسم ساده اسمی است که تنها از یک جزء غیر قابل تفکیک تشکیل شده باشد . در غیر اینصورت اسم مرکب نامیده می شود . مانند :

{ اسم ساده ( : میبل furniture – دختر girl }

{ ( اسم مرکب ) : ( برادر همسر brother-in-law ) – اتاق خواب ( bedroom ) }

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

### ترتیب درست جمله

(۱) فاعل (۲) فعل (۳) مفعول

#### فاعل :

معمولاً" به زبان ساده ،فاعل کسی یا چیزی است که کاری را انجام می دهد و مفعول کسی یا چیزی است که چه کار یا انجام چه کاری در چه زمانی که همان فعل نامیده می شود بر روی او بوقوع می پیوندد.

ضمایر فاعلی یا انجام دهنده کار را در فارسی به نام : **من - تو - او - ما - شما - ایشان** و در انگلیسی به نام : **I - you - She/he/it - we - they** می شناسیم .

### فرمول کلی یک جمله انگلیسی

{=Subject+aux verb+ frequency adverb+principle verb + direct object + indirect object+adverb of manner+adverb of place+ adverb of time.}

+مفعول شخصی+ فعل اصلی +قید تکراری+ فعل کمکی+ فاعل=}

{قید زمان +قید مکان +قید حالت+ مفعول غیر شخصی

چند مثال با فرمول زیر برای آشنایی بیشتر شما آورده شده است:

قید حالت + مفعول + فعل اصلی + فعل کمکی + فاعل = **مثال**

**He has learnt English well.**

قید مکان + قید حالت + مفعول غیر شخصی + فعل اصلی + فاعل=**مثال**

**They studied every lesson carefully at home.**

مفعول غیر شخصی + مفعول شخصی + فعل کمکی + فاعل=**مثال**

**I will give you an English book.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

۱- مفعول معمولاً بلافاصله بعد از فعل قرار می گیرد:  
(من انگلیسی را خیلی خوب صحبت می کنم.)

**I speak English very well.**

۲- مفعول غیر مستقیم معمولاً قبل از مفعول مستقیم که فاقد حرف اضافه باشد قرار میگیرد:  
(من پول را به او دادم.)

**I gave him the money.**

۳- قید زمان بعد از قید مکان می آید :  
(ما تمام روز را در آنجا ماندیم.)

**We stayed there all day.**

۴- قید های زمان و قید های تکرار، از قبیل **always, often, never, hardly, scarcely** قبل از فعل یا بین فعل کمکی و فعل اصلی قرار می گیرند .  
(من آن مرد را هیچوقت نمی بینم.)

**I never see that man.**

(من آن مرد را هرگز ندیده ام.)

**I have never seen that man.**

### نکته ۴ :

ولی در مورد فعل **to be** اینطور نیست و قید بعد از فعل می آید .  
(او هیچوقت تاخیر ندارد.)

**He is never late.**

۵- در جمله های پرسشی غیر مستقیم فاعل قبل از فعل می آید .  
(من می خواهم بدانم آنها کجا رفتند.)

**I want to know where they went.**

۶- وقتی فعل جمله مرکب و دارای دو فعل کمکی باشد ، **not** بعد از اولین فعل کمکی قرار میگیرد.  
(او نمی توانسته آنجا بوده باشد.)

**He could not have been there.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

۷- اگر در جمله مصدر منفی به کار رفته باشد، **not** قبل از **to** می آید .  
(من به او گفتم که آنجا نرود .)

**I told him not to go there.**

اما قبل از پرداختن به بحث فعل بهتر است با مصدر که همان ریشه فعل است آشنا شویم .

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## مصدر Infinitive

مصدر کلمه ای است که معنی انجام فعلی را بصورت آزاد و کلی بیان می کند و وابسته به هیچکدام از زمان ها نمی باشد. از همین مصدر است که افعال را در زمان های (حال - گذشته و آینده) بکار میبریم. در حقیقت میتوان گفت که مصدر ریشه فعل یا مادر فعل است. علامت مصدر در زبان فارسی (ت-ن) - (د-ن) و (یدن) می باشد. مانند:

(رفتن - نوشیدن - خوردن - فهمیدن - رقصیدن - خوابیدن - خواندن - خواستن - گفتن - شنیدن - دیدن).

همانطوریکه در زبان فارسی کلمه مصدر مثل (نوشتن) را در جمله به همین شکل بکار نمی بریم در زبان انگلیسی نیز خود کلمه مصدر (یعنی فعل و حرف اضافه to) بکار برده نمی شود. مگر بعد از بعضی افعال خاص که فقط بعد از آنها از مصدر استفاده می شود و ما این افعال را به شما معرفی می کنیم.

مثلاً" در دو جمله زیر بعد از افعال like و want بایستی از مصدر استفاده شود.

(دلم می خواهد مقداری آب خنک بنوشم.)

**I like to drink** some cold water.

(می خواهم با پدرت صحبت کنم.)

**I want to speak** with your father.

نکته:

اگر فعل like بصورت یک مفهوم کلی و عمومی بکار رود بعد از آن بایستی از اسم مصدر (فعل + ing) استفاده گردد.

(من کشیدن سیگار را دوست ندارم.)

**I don't like smoking** cigarette.

نکته:

الف- بعد از صفات مانند (glad-easy-hard-possible....) از مصدر استفاده می شود.

**It is possible to meet** him.

**A hard man to live** with.

**It is easy to speak** English.

**I am glad to see** you.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**ب-** بعد از کلمات استفهام (when-whom-which-what-where) که بعنوان **کلمه ربط** در وسط جمله بکار می روند. اگر فعل بکار رود حتما " بصورت **مصدر** است .

I don't know **where to go**.

When I got there, I didn't know **what to do**.

He can't decide **which one to buy**.

He dose not know **whom to phone to him**.

They do not know **when they should to go**.

**پ-** بعد از کلمه **how** فعل همیشه بصورت **مصدر** است .

She showed them **how to open the safe**.

**ت-** بعد از قید زمان ، قید مکان، قید حالت و **it's time** از **مصدر** استفاده میگردند.

He came here **last night to speak** with my father.

I met him at **university to discuss** some issues.

He opened the door **slowly not to awake** the baby.

I think **it's time you to go** your home.

**ث-** بعد از کلمات **the first - the second - the last** فعل بصورت **مصدر** است .

He was **the first to leave** the meeting.

He was **the second to leave** the meeting.

He was **the last to leave** the meeting.

### نکته :

چنانچه بعد از کلمات فوق از **اسم** استفاده گردد جمله فوق و نمونه های مشابه بشرح زیر تغییر می کند .

He was the **first person** that left the meeting.

در زیر با اشاره کردن به افعالی در این زمینه، برای فراگیری افعال بیشتر که بعد از آنها بایستی از **مصدر** استفاده شود، میتوان به کتابهای مرجع در این زمینه رجوع نمود .

promise ( قول دادن )

make a decision (تصمیم گرفتن)

forget ( فراموش کردن )

plan (قصد داشتن)

want ( خواستن )

determine (تصمیم گرفتن)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

like ( دوست داشتن )	undertake (بعهده گرفتن)
swear ( سوگند یادکردن)	seem (بنظر رسیدن)
agree ( موافقت کردن )	manage (اداره کردن-موفق شدن)
refuse ( امتناع کردن )	try (سعی کردن)
fail ( قصور کردن )	attempt ( کوشش کردن )
hope ( امیدوار کردن )	expect (توقع و انتظار داشتن)
hesitate ( درنگ کردن-تامل کردن )	be afraid ( ترسیدن انجام کاری )
would like ( دوست داشتن )	wish (آرزو کردن-آرزو داشتن )
pretend ( وانمود کردن )	afford (توانایی مالی داشتن)
learn ( یادگرفتن-آموختن )	permit (اجازه دادن)
decide ( تصمیم داشتن )	allow (اجازه دادن)
همچنین افعالی هستند که بعد از آنها ابتدا مفعول و سپس از مصدر استفاده می شود .	
order ( دستور دادن )	forbid (غذغن کردن)
expect ( انتظار و توقع داشتن )	teach (آمोختن – یاد دادن)
tell ( گفتن )	allow (اجازه دادن)
ask ( خواهش کردن )	persuade (ترغیب کردن)
want ( خواستن )	recommend (سفارش کردن)
advise ( نصیحت کردن )	beg (خواهش و تمنا کردن)
tempt ( اغواکردن-وسوسه کردن )	command (فرمان و دستور دادن)
( از شما می خواهم که به حرف او گوش کنید.)	
<b>I want you to listen to him.</b>	
( او از من خواهش کرد که به اینجا بیایم.)	
<b>He asked me to come here.</b>	
( من به او اجازه دادم که با شما بیاید.)	
<b>I allowed him to go with you.</b>	
( او مرا ترغیب کرد که با احمد دعوا کنم.)	
<b>He persuaded me to fight with Ahmad.</b>	

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

ضمناً" باید توجه داشت بعد از افعال فوق همانگونه که می توان از مصدر استفاده کرد ، از مصدر منفی نیز استفاده می شود .

(از تو می خواهم که به حرف او گوش نکنی .)

**I want you not to listen to him.**

(او از من خواهش کرد که اینجا نیایم.)

**He asked me not to come here.**

البته همانطوریکه که بعد از بعضی از افعال می بایستی از مصدر استفاده کنیم ، بعد از تعداد معدودی از افعال که اغلب مربوط به حواس و ادراک هستند از مصدر بدون to استفاده می شود که آنرا در انگلیسی (**bare infinitive**) گویند :

۱- افعالی هستند که بعد از آنها ابتدا مفعول و سپس یا از مصدر بدون to و یا از (**ing+فعل**) استفاده می گردد که اکثر آنها را **افعال حسی** می گویند و عبارتند از:

**see** (دیدن)

**hear** (شنیدن)

**watch** (تماشا کردن)

**feel** (احساس کردن)

**observe** (مشاهده کردن)

**know** (فهمیدن)

**notice** (ملاحظه کردن)

**I saw him go.** (دیدم که رفت)

**I saw him going.** (دیدم که او می رود.)

**I heard him come.** (شنیدم که او آمد / آمده.)

**I heard him coming.** (شنیدم که دارد می آید.)

**I felt his hand touch me.** (احساس کردم که دستش به من خورد.)

(احساس کردم دستش دارد به من می خورد.)

**I felt his hand touching me.**

(هرگز خنده/خندیدن او را نفهمیدم.)

**I have never known him laugh (laughing).**



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

۲- افعالی هستند که بعد از آنها ابتدا مفعول شخصی و سپس فقط مصدر بدون to استفاده میگردد. در زبان انگلیسی فقط چهار فعل وجود دارد که دارای این وضع هستند و عبارتند از:

**let** (اجازه دادن)

**have** (خواستن)

**make** (وادار کردن-باعث شدن)

**help** (کمک کردن)

(به او اجازه دادم که برود.)

**I let him go.**

(وادارش کردم که جواب نامه را بدهد.)

**I made him answer the letter.**

(از او خواستم که آنرا تمام کند.)

**I had him finish it.**

(کمکش کردم که از امتحان قبول شود.)

**I helped him pass the examination.**

نکته:

**الف-** بعد از فعل **help** علاوه بر مصدر بدون **to** میتوان از مصدر نیز استفاده کرد.

(او بما کمک کرد تا این خانه را بسازیم.)

**He helped us to build this house.**

**ب -** بعد از فعل **smell** که همراه با مفعول بکار می رود اکثراً از اسم مصدر **(ing + فعل)** یعنی وجه وصفی بکار می رود.

{بوی چیزی در حال سوختن را احساس میکنم! (بوی سوختن چیزی به مشام می رسد!)}  
**I smell something burning?**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## اسم فعل (اسم مصدر) Verbal Noun

در موارد زیر باید به جای مصدر از اسم مصدر (ing + فعل) استفاده گردد :

۱- پس از حروف اضافه.

(او بدون وقفه کار کرد.)

He worked **without stopping**.

(او به جای کارکردن بازی کرد.)

She played instead **of working**.

۲- پس از لغاتی که همیشه با حرف اضافه بکار می روند، مانند :

Fond of – Insist on – Tired of – Succeed in

(من از انجام دوباره آن کار خسته شده ام.)

I am **tired of doing** the work again.

(او موفق شد ببار را بکشد.)

He **succeeds in killing** the tiger.

۳- پس از برخی افعال مانند :

Avoid – enjoy – finish – stop – risk - excuse

(پسر ها از فوتبال بازی کردن لذت می برند.)

Boys **enjoy playing** football.

۴- پس از صفات busy و worth

(او سرگرم نگارش یک کتاب بود.)

He was **busy writing** a book.

(این تاریخ ارزش به خاطر سپردن را دارد.)

The date is **worth remembering**.

۵- به دنبال برخی از عبارتها مانند :

It's no use - it's no good – I can't help – would you mind – look forward to

(به نظر من دوباره امتحان کردن فایده ای ندارد.)

I think **it's no use trying** again.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(نمی توانم از احساس خشم در این مورد خودداری کنم.)

**I can't help feeling angry about it.**

۶- در ضمن به دنبال برخی از افعال مانند زیر هم میتوان از مصدر وهم از اسم مصدر استفاده کرد:

**Begin – like – dislike – hate – love – prefer**

(او شروع به صحبت کرد.)

**He began to talk.**

**He began talking.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## فعل Verb

فعل نشان دهنده این است که چه کاری در چه زمانی صورت گرفته است . مثلاً" در جمله زیر ( خوردن eat ) فعل می باشد .

{ I eat dinner. ( دارم شام می خورم . )}

### ۱- افعال کمکی :

افعالی هستند که در ساختن برخی از زمانها و نیز صورت های مجهول، منفی و سنوالی جملات به ما کمک می کند . این افعال به دو دسته تقسیم میشوند .

**الف - افعال کامل :** دارای علامت مصدری (to) می باشند و شامل :

اسم مفعول ( Past Participle) - گذشته ( Past) - حال ( Present) - مصدر ( Infinitive)

<b>to be</b>	am/is/are	was/were	been
<b>to have</b>	have/has	had	had
<b>to do</b>	do/does	did	done

**ب- افعال ناقص :** این افعال علامت مصدری ندارند و در همه زمانها هم صرف نمیشوند .

<u>مصدر ( Infinitive)</u>	<u>گذشته ( Past)</u>	<u>حال ( Present)</u>
<b>can</b>	could	_____
<b>shall</b>	should	_____
<b>will</b>	would	_____
<b>may</b>	might	_____
_____	must	_____
<b>need</b>	_____	_____
<b>dare</b>	_____	_____
<b>ought to</b>	_____	_____
_____	used to	_____

### نکته \_\_\_\_\_ :

**الف- افعال زیر** با معانی نوشته شده جزء افعال کامل بوده و طبق قواعد افعال کامل، سنوالی و منفی می شوند .

to have ( خوردن - دستور دادن - داشتن )

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

to do (انجان دادن)

to need (احتیاج داشتن – لازم داشتن )

to dare (جرات دادن – تشویق کردن)

**ب-** باید توجه کرد که افعال کامل در سوم شخص مفرد s میگیرند ولی افعال ناقص خیر. مانند:

**He speaks . : فعل کامل**

**He must go . : فعل ناقص**

**پ-** همچنین بعد از افعال کامل مصدر با علامت to بکار میرود ولی بعد از افعال ناقص خیر.

**He wants to go . : فعل کامل**

**He must go . : فعل ناقص**

**ت-** در ضمن افعال کامل با افعال کمکی did و does و do و do و doesn't و don't و نیز didn't منفی می شوند ، در حالی که افعال ناقص با کلمه not منفی می گردد. توجه نمائید که فعل **to be** یک فعل کامل است ولی استثنا" با not منفی می گردد .

**He doesn't go . : فعل کامل**

**He ought not to go . : فعل ناقص**

## ۲- افعال اصلی :

افعالی را که غیر از افعال کمکی باشند، افعال اصلی گویند .

## ۳- افعال با قاعده و بی قاعده :

به افعالی که با اضافه کردن d و یا ed به آخرشان، صورت گذشته و یا اسم مفعول فعل بدست آید با قاعده و در غیر اینصورت افعال بی قاعده گویند .

**توجه :** برای آگاهی شما در اینخصوص در پایان کتاب مثالها و تقسیمات خاصی صورت گرفته است .

## ۴- افعال لازم و متعدی :

فعلی که نیاز به مفعول داشته باشد، یعنی در جواب (چه کس را ؟) و (چه چیز را ؟) جواب معنی دار بدهد، فعل متعدی گوئیم. در غیر اینصورت فعل لازم است .

{ **فعل متعدی** : ( آرش آنیتا را دید.)- چه کسی را دید ؟- آنیتا را . Arash saw Anita }

{ **فعل لازم** : ( قطار ساعت پنج حرکت کرد.)- چه چیزی را ؟بی معنی است . The train left at five }

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

### ۵- افعال معلوم و مجهول :

اگر فعل دارای فاعلی معلوم و مشخص باشد، فعل معلوم است. و اگر دارای فاعل نباشد و یا نقش فاعل از مفعول کم اهمیت تر باشد آن فعل مجهول است مانند:  
(شیوا دیروز نامه اش را نوشت).

**Shiva wrote** her letter yesterday.

در اینجا فعل معلوم **wrote** و فاعل مشخص **Shiva** می باشد.  
ولی در جمله ( نامه نوشته شد ) در پاسخ (چه کسی؟) فاعل مشخص نیست و وجود ندارد.  
لذا در **The letter is written** فعل مجهول **is written** و مفعول **The letter** است.

### ۶- فعل امر :

با حذف علامت مصدری (to) از مصدر، فعل امر بدست می آید. مانند :  
برو **go** ► **to go** (رفتن)

### ۷- افعال دو کلمه ای :

به دودسته افعال جدا شدنی و غیر جدا شدنی تقسیم می شوند.  
**الف - (جدا شدنی) :** به صورت ( قید + فعل ) می باشند و اگر ضمیر مفعولی را بخواهیم مورد استفاده قرار دهیم در بین این ترکیب قرار می گیرد. مانند :

( قید ) **Put** ( فعل ) **your hands (them) up.**

**ب - (جدا نشدنی) :** به صورت (حروف اضافه + فعل) مورد کاربرد قرار میگیرند و ضمیر مفعولی در این صورت بعد از حروف اضافه مورد استفاده قرار می گیرند. مانند :

**Look** (فعل) **at** (حروف اضافه) **the book (it).**

### ۸- افعال حرکتی و غیر حرکتی :

افعال حرکتی افعالی هستند که بیانگر حرکتی از مکانی به مکان دیگر باشند و مفهوم آنها با مکان کامل می شود. ولی افعال غیر حرکتی مفهوم حرکت ندارند. فرمول ساخت جملاتی که دارای افعال حرکتی می باشند، همانند الگوی زیر است.

قید زمان + قید حالت + قید مکان + مفعول + فعل حرکتی + فاعل =

**My brother entered** the room quietly last night.

ساخت جملاتی که دارای افعال حرکتی نباشند، همانند ساختار معمولی جملات در زبان انگلیسی میباشند.

**The children played carefully** into street yesterday.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## افعال وجهی Modal Auxiliary

این افعال در انگلیسی عبارتند از :

**can- could- may- might- must- Ought- shall- should - will- would**

اما گاهی افعال دیگری هستند که شبیه افعال وجهی عمل میکنند. ما نند :

(مستعمل-نیمدار-کهنه **used to**)

(احتاج داشتن **need**)

(جرت کردن-مبارزه طلبیدن **dare**)

ویژگی افعال وجهی از این قرار است :

۱- صیغه سوم شخص مفرد S- نمی گیرد مثل.

He **can** speak three languages.

۲- به دنبال افعال وجهی ، مصدر بدون To می آید.

You **must** find a job.

فقط استثنائی که براین قاعده وارد است **Ought** میباشد مثل:

You **ought to stop** smoking.

۳- جمله های سنوالی بدون استفاده از فعل معین یا کمکی Do استفاده می شوند.

(باید از او عذر خواهی بکنم !)

**Should** I apologize to him?

۴- جمله های منفی با **not** یا **n't** و بدون استفاده از فعل کمکی Do ساخته می شود.

**Why** couldn't he listen to her?

یا اینکه :

We **might** not be home before midnight.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## مفعول Object

مفعول کسی یا چیزی است که فعل بر روی آن واقع گردیده است. در ساخت جمله هم مفعول بعد از فاعل و فعل قرار میگیرد. باید توجه نمود که فقط افعال متعدی دارای مفعول هستند.

### ۱- مفعول بی واسطه :

در جملاتی که دارای فعل متعدی هستند، مفعول مربوطه بنام مفعول بی واسطه نامیده می شوند. والگوی کلی این جملات بصورت زیر است.

مکمل + مفعول بی واسطه + فعل متعدی + نهاد =

=The teacher corrects our compositions everyday.

### ۲- مفعول با واسطه ( مفعول حرف اضافه ):

اگر فعل لازم باشد امکان دارد که این فعل لازم دارای حرف اضافه مخصوصی باشد که این حرف اضافه نیاز به مفعول دارد، به اینگونه مفعول ها، مفعول حرف اضافه می گویند. الگوی این جملات بصورت زیر است :

مکمل + مفعول با واسطه + حرف اضافه + فعل لازم + نهاد =

=His trip depends on weather.

### ۳- مفعول شینی و شخصی :

اگر وقوع فعل بر شخصی دلالت نماید آن مفعول شخصی (مفعول غیر مستقیم) و اگر بر شی دلالت نماید آن مفعول، مفعول شینی (مفعول مستقیم) می باشد.

### نکته :

اگر در جمله ای دو مفعول وجود داشته باشد که یکی شخصی و دیگری شینی باشند، با توجه به موقعیت استفاده آنها، فرمول ساختاری جمله متفاوت می باشد.

مفعول شینی + مفعول شخصی + فعل + فاعل = الگوی اول

=I wrote my friend (مفعول شخصی) a letter (مفعول شینی) last night.

مفعول شخصی + To/For + مفعول شینی + فعل + فاعل = الگوی دوم

=He explained something (مفعول شینی) to him (مفعول شخصی).



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## ضمایر Pronouns

ضمیر کلمه ای است که برای پرهیز از تکرار اسم و یا بدلیل نیاز نبودن به بیان اسم، جای اسم را می گیرد .

**نکته:**

چیزی یا اسمی که ضمیر جانشین آن ست بنام مرجع ضمیر شناخته می شود. و ضمیر از لحاظ مفرد و جمع یا مذکر و مونث بودن با مرجع خود هماهنگی دارد .

### ۱- ضمایر فاعلی :

به جای فاعل در جمله می نشینند و عبارتند از :

<b>I</b>	من	<b>we</b>	ما
<b>you</b>	تو	<b>you</b>	شما
<b>She/he/it</b>	او	<b>they</b>	آنها

### ۲- ضمایر مفعولی:

به جای مفعول مورد استفاده قرار گرفته و عبارتند از :

<b>me</b>	به من	<b>us</b>	ما
<b>you</b>	به تو	<b>you</b>	شما
<b>her/him/it</b>	به او	<b>them</b>	آنها

### ۳- ضمایر ملکی:

برای بیان مالکیت مورد استفاده قرار می گیرند و عبارتند از :

<b>mine</b>	مال من	<b>ours</b>	ما
<b>yours</b>	مال تو	<b>yours</b>	شما
<b>hers/his/its</b>	مال او	<b>theirs</b>	آنها

**نکته:**

باید توجه نمود که ضمایر ملکی به تنهایی بکار می روند .

**It is my book.**

**It is mine.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

#### ۴- صفات ملکی :

برای بیان مالکیت مورد استفاده قرار می گیرند و عبارتند از :

**my** من **our** ما  
**your** تو **your** شما  
**her/his/its** او **their** آنها

#### نکته :

صفات ملکی به همراه اسم بکار می روند .

**It is my book.**

#### ۵- ضمائر انعکاسی :

این ضمائر برای نشان دادن حالت یکی بودن بکار میروند ، یعنی این ضمائر بجای مفعول در جمله قرار می گیرند .

#### مفرد

#### جمع

**myself** ( خودم ) **ourselves** ( خودمان )  
**yourself** ( خودت ) **yourselves** ( خودتان )  
**himself/herself/itself** ( خودش ) **themselves** ( خودشان )

اگر این کلمات با حرف اضافه **by** آورده شوند معنی ( به تنهایی ) را خواهند داد .  
این کار را من بتنهایی خودم انجام می دهم .

**I will do this work by myself (alone).**

#### نکته :

این ضمائر فقط در جملاتی که فعل متعدی دارند مورد استفاده قرار می گیرند .

**I hurt myself.**

ضمائر انعکاسی گاهی برای تاکید بکار می روند .  
ضمائر انعکاسی می توانند در جایگاه مفعول مستقیم ، مفعول غیر مستقیم و یا پس از حروف اضافه قرار گیرند .

#### ۶- ضمائر تاکیدی :

این ضمائر برای تاکید فاعل جمله بکار میروند و از نظر شکل ظاهری همانند ضمائر انعکاسی هستند.

**I myself saw the Ali.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**نکته :**

بین ضمائر انعکاسی و تاکیدی تفاوت‌هایی بشرح زیر وجود دارد :

**الف -** ضمائر انعکاسی بجای مفعول جمله واقع می شوند ، در صورتیکه ضمائر تاکیدی

برای تاکید فاعل جمله بکار می آیند .مانند :

{سارا دست خودش را برید. (ضمیر انعکاسی)}

Sara cut **herself**.

{شویوا خودش گوشت را برید. (ضمیر تاکیدی)}

Shiva cut the meat **herself**.

**ب -** ضمائر انعکاسی همیشه پس از فاعل در جایگاه مفعولی قرار می گیرند .ولی ضمائر

تاکیدی در جمله متحرک هستند .

**پ -** ضمائر تاکیدی هیچوقت پس از حروف اضافه نمی آیند. در صورتیکه ضمائر انعکاسی

ممکن است پس از حروف اضافه بکار روند .

**نکته :**

توجه شود که عبارت **by + self** به معنای (تنها و بدون کمک دیگران ) می باشد .

**۷- ضمائر اشاره :**

این ضمائر برای اشاره به دور و یا نزدیک مورد استفاده قرار می گیرند و عبارتند از :

**مفرد**

**جمع**

**this** این                      **these** اینها

**that** آن                        **those** آنها

**۸ - ضمائر نامعین:**

این ضمائر دارای مرجع مشخصی نمی باشند و به دودسته تقسیم میشوند.

**الف - گروه منفی:** این گروه خود مفهوم منفی دارند و مهمترین آنها شامل :

بجای اسامی **غیر قابل** شمارش

بجای اسامی **قابل** شمارش

no one

nothing/none

no body

neither

none /nothing

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**ب - گروه مثبت :** این گروه خود مفهوم مثبت دارند و اگر بخواهیم جمله را منفی کنیم باید از کلمه **not** استفاده نماییم. معروفترین این ضمایر عبارتند از :

بجای اسامی غیر قابل شمارش

some

any

much

little/a little

more/less

در جای اسامی قابل شمارش

one - each

few - a few

every body/thing/one

many - all - both - either

### ۹- ضمایر موصولی یا (که- موصول) Relative Pronouns

**الف- کلمه who** بعد از فاعل برای انسان. (پس از این کلمه معمولاً " فعل می آید ) مثل :  
(پسری که می آید آرش است .)

The boy **who** is coming is Arash.

(مردی که فرار کرد یک دزد بود.)

The man, **who** ran away, was a burglar.

**ب - کلمه whom** بعد از مفعول برای انسان. (پس از این کلمه معمولاً " فاعل می آید ).  
(دختری را که می بینید آنیتا است.)

The girl, **whom** you see, is Anita.

(افرادی را که ما ملاقات می کنیم ، اغلب مشغولند .)

The people, **whom** we meet, are often busy.

**پ - کلمه which** بعد از فاعل و مفعول برای غیر انسان بکار برده می شود. مثل:  
(کتاب هایی را که روی میز می بینید مال من است .)

The books ,**which** are on the desk ,are mine

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(داستانی که او گفت خیلی جالب بود.)

The story, **which** he told, was very interesting.

بعضی اوقات با کلمه **which** حروف اضافه بکار برده می شود. مانند :

که در آن (In which)

که روی آن (on which)

که برای آن (for which)

که بوسیله آن (by which)

که در اثنای آن / که در خلال آن (during which)

ت - کلمه **whose** برای نشان دادن مالکیت بکار برده می شود .

(پسری که پدرش روانشناس بالینی است .)

The boy **whose** father is clinical psychologist.

(بانویی که نام پدرش امیر منصور بود .)

The Lady **whose** father's name was Amir Mansour.

نکته :

یکی از قواعد مجهول جملاتی که در حالت معلوم با کلمه **who** شروع می شوند، بطریق زیر به مجهول تبدیل می شوند .

فعل اصلی (اسم مفعول) + فاعل + فعل = **By whom**

**Who** opened the door? = معلوم

کی در را باز کرد؟

**By whom** was the door opened? = مجهول

دریوسيله کی باز شد؟

**Who** teaches them? = معلوم

چه کسی به آنها درس می دهد؟

**By whom** are they taught? = مجهول

بوسیله چه کسی آنها تدریس می شوند؟

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## صفات Adjectives

صفت به کلمه هایی گفته می شود که توصیف کننده اسم باشند. یا به عبارتی دیگر اسمی را وصف نمایند.

### ۱- صفات مطلق : (Simple Adjectives)

به کلمه های که به تنهایی پیش از اسم بیاید گفته می شود ، مانند :

A wise (صفت مطلق) woman (اسم).

#### نکته :

برای مقایسه دو چیز یا دو کس از الگوی زیر استفاده می شود .

1 (ضمیر فاعلی) فاعل + as + صفت مطلق + as + جمله مثبت (+) = الگوی 1

2 (ضمیر فاعلی) فاعل + as + صفت مطلق + so + جمله منفی (-) = الگوی 2

1/He is as old as she.

2/He isn't so old as she.

### ۲- صفت برتر یا تفضیلی : (Comparative degree of the adjective)

برای بیان سنجش یک صفت مشترک بین دو کس یا دو چیز بکار میرود. وقتی دو کس یا دو شی داری یک صفت باشند، با این تفاوت که یکی از این دو، آن صفت را بیشتر از دیگری دارا باشد، برای بیان این برتری از صفت تفضیلی استفاده می گردد. برای شناخت صفت تفضیلی که در فارسی با اضافه کردن (تر) به آخر صفت مطلق (ساده) شکل میگیرد، باید نکات زیر را مطالعه کرد .

1 الگوی 1 : (صفات یک سیلابی/صفات دو سیلابی مختوم به on-ow-le-er-y) : الگوی 1

2 الگوی 2 : (باقیه صفات دو سیلابی/صفات سه یا بیشتر از سه سیلاب) : more+ : الگوی 2

1/The boy is **wiser** than his sister.

2/My book is **more interesting** than yours.

**الف -** صفات یک هجایی پسوند er می گیرند .

Cold سرد

colder سردتر

warm گرم

warmer گرم تر

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**ب -** صفاتی که به y ختم می شوند، حرف y به I تبدیل شده + پسوند er می گیرند .

easy ساده **easier** ساده تر

funny خنده دار **funnier** خنده دار تر

**پ -** قبل از صفات از یک هجا بیشتر کلمه more آورده می شود .

careful دقیق **more careful** دقیق تر

beautiful زیبا **more beautiful** زیبا تر

valuable با ارزش **more valuable** با ارزش تر

**ت -** برای مقایسه بعد از صفت تفضیلی از حرف اضافه **than** استفاده می شود . مثال:  
(منزل او از منزل ما بزرگتر است .)

His house is larger **than** ours.

(او از دانش آموزان دیگر جدی تر است .)

He is more serious **than** the other pupils.

**ث -** بعضی از صفات بی قاعده هستند و باید آنها را بخاطر سپرد . مانند:

صفت مطلق

صفت تفضیلی

Good-well خوب **better** بهتر- خوبتر

Bad, ill بد **worse** بدتر

Much ,many زیاد **more** زیادتر

little کم **less** کمتر

far دور **farther** دورتر

(این کتاب از آن یکی بهتر است .)

This book is **better** than that.

(او کمتر از ما چای می نوشد .)

He drinks **less** tea than we.

نکته :

قبل از صفات تفضیلی بجای کلمه very از کلمه much استفاده می شود .

**Very cold** خیلی سرد **much colder** خیلی سردتر

**Very easy** خیلی ساده **much easier** خیلی ساده تر

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

خیلی زیاد تر **much more** خیلی زیاد **Very much**

نکته:

برای مقایسه بین دو عمل و یا ازدیاد و یا کاهش در انجام عملی و نتیجه متناسب آن از ساختار زیر استفاده می شود .

صفت تفضیلی + the + عبارت فعلی + صفت تفضیلی + the =

= **The longer** you work, **The more** you will learn.

**۳- صفت عالی یا برترین:** (Superlative degree of the adjective)

برتری موصوف را بر تمام افراد نوع خود بیان میکند . در این نوع از صفات هدف نشان دادن برتری کسی یا چیزی در صفتی نسبت به چند کس یا چیز می باشد .

برای شناخت صفت عالی که در فارسی با اضافه کردن (ترین) به آخر صفت مطلق (ساده) شکل میگیرد، باید نکات زیر را مطالعه کرد .

1 **est** + (صفات یک سیلابی/صفات دو سیلابی مختوم به **on-ow-le-er-y**) : **الگوی 1**

(بقیه صفات دو سیلابی/صفات سه یا بیشتر از سه سیلاب) + **the most** : **الگوی 2**

1/**It is the longest** river in our country.

2/**The most** comfortable chair.

**الف -** صفات یک هجایی و آنهایی که به **y** ختم می شوند، پسوند **est** میگیرند . صرفاً" توجه شود که حرف **y** به **I** تبدیل می شود . مانند :

صفت مطلق

easy ساده

Cold سرد

warm گرم

hot داغ

صفت عالی

easi**est** ساده ترین

col**dest** سردترین

warm**est** گرم ترین

hott**est** داغ ترین

**ب -** قبل از صفات از یک هجا بیشتر کلمه **most** آورده می شود .

صفت مطلق

Important مهم

Famous مشهور

صفت عالی

**most** Important مهم ترین

**most** Famous مشهور ترین



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**پ -** معمولا" اگر بعد از صفت عالی موصوف آورده شود از حرف تعریف (the) استفاده می شود .

**The most comfortable chair.** (راحت ترین صندلی)

**The shortest way .** (کوتاهترین راه )

**ت -** حرف اضافه صفت عالی of یا in می باشد .

**Tehran is the biggest city in (of) Iran.**

**ث -** بعضی از صفات بی قاعده هستند و باید آنها را بخاطر سپرد .مانند:

صفت مطلق

صفت عالی

Good-well	خوب	<b>best</b>	بهترین
Bad, ill	بد	<b>worst</b>	بدترین
Much ,many	زیاد	<b>most</b>	بیشترین
little	کم	<b>least</b>	کمترین
far	دور	<b>farthest</b>	دورترین

برای آشنایی بیشتر شما دانش پژوهان در زیر مثالهایی درج شده است تا شما در بکارگیری این صفات در جمله ها دقت بیشتری بفرمائید .

صفت یا قید ساده

شکل تفضیلی

شکل عالی

far	دور تر farther	دورترین farthest
far	بیشتر further	بیشترین furthest
up	بالا تر upper	بالا ترین upper most
good	بهتر better	بهترین best
well	بهتر better	بهترین best
many	زیاد تر more	زیاد ترین most
much	زیاد تر more	زیاد ترین most
bad	بد تر worse	بدترین worst
badly	بد تر worse	بدترین worst
ill	بد تر worse	بدترین worst
little	کمتر less	کمترین least
late	دیر تر later	دیر ترین latest

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**نکته:**

گاهی حروف اضافه of و حرف تعریف the که علامت صفت برترین است بصورت زیر در صفت برتر بکار می رود .

= فاعل + (am,is,are) + the + صفات برتر + of the two

= **He is the latter of the two.**

**نکته:**

در ضمن باید توجه نمود که قید ها هم از قواعد صفات پیروی می نمایند .

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## قید Adverb

قید کلماتی هستند که چگونگی و حالت فعل و یا صفت و یا قید دیگری را توصیف مینمایند. (به غیر از اسم). در باره قید نکات زیر باید رعایت شود .  
**الف-** با افزودن **ly** به صفت ، کلمه قید درست می شود .

<u>صفت</u>	<u>قید</u>
Quick سرعت	Quickly سرعتی
Slow آهسته	Slowly آهستگی
quit آرام	Quietly به آرامی

**ب -** قید بعد از افعال (بجز فعل **to be, to get**) قرار می گیرند. بنابراین بعد از **فعل ( to be, to get )** صفت می آید .

**Please write carefully.**

**He was careful.**

**پ -** بعضی از کلمات هم صفت هستند و هم قید .

Hard سخت	fast سریع	much زیاد
late دیر	straight مستقیم	low پست

**ت -** قید حالت در جمله بعد از مفعول قرار می گیرد .

**I have learnt my lesson well.**

**ث -** اگر فعل جمله معنی حرکت داشته باشد مثل : دویدن-آمدن - رفتن - کلمه قید بعد از مکان قرار می گیرد .

**He came home late.**

### ۱- قید تکرار :

نشان دهنده تعداد دفعات می باشند . و مکان آن در ساختار جمله قبل از فعل اصلی و بعد از فعل **to be** می باشد . این قیود بر میزان تکرار عمل دلالت می نمایند .

**He often travels by bus.**

### نکته :

بعضی از این قید ها عبارتند از :

(به ندرت rarely) - (مکررا frequently) - (همیشه always) - (معمولا usually)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(به ندرت seldom) - (هرگز never) - (گاهی اوقات sometimes)

این قیود بیشتر در زمان حال ساده بکار می روند .

### ۲- قید حالت :

نشان دهنده چگونگی و نحوه انجام عمل یا وقوع فعل است و مکان آن در ساختار جمله پس از مفعول می باشد و اگر مفعول وجود نداشته باشد بعد از فعل قرار می گیرد.

**He works hard.**

### نکته :

چگونگی ساخت این قیود بدین صورت است که **ly** را به آخر صفات اضافه می نمایند .

به آرامی **quietly** (قید)      **quiet** (صفت)=

به آسانی **easily** (قید)      **easy** (صفت)=

### نکته :

واژه **well** قید و واژه **good** صفت می باشد، ولی اگر قید **well** بصورت **(to be + well)** بکار رود، به معنای "سالم بودن" می باشد و در اینصورت صفت است .

**He is well today.**

### ۳- قید مکان :

نشاندنده جایگاه وقوع فعل می باشد ، یا به عبارت دیگر قید مکان دلالت بر محل انجام فعل دارد و مکان آن در ساختار جمله به اینصورت است که اگر جمله دارای قید زمان باشد ، قبل از آن و اگر دارای فعل حرکتی باشد بعد از فعل حرکتی و بعضی اوقات هم در ابتدای جمله می آید .

قید زمان + قید حالت + قید مکان + فعل حرکتی + نهاد = **الگوی ۱**

قید زمان + قید مکان + قید حالت + فعل غیر حرکتی + نهاد = **الگوی ۲**

**1/He is studying there until five o'clock.**

**2/they are going to come here.**

### نکته :

اسم هایی که بر محل انجام فعل دلالت دارند و همچنین اسم مکان نیز ، در حقیقت کار قید مکان را انجام می دهند .

**Anita went to shopping last night.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

#### ۴- قید زمان :

بر زمان وقوع فعل دلالت دارند و مکان آنها معمولاً " در آخر جمله می باشد .  
یکی از راههای شناسایی زمان افعال در جملات از روی قیود زمانی موجود در آن میباشد .

**Arash went to Europe on last week.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## حروف اضافه

حروف اضافه کلماتی هستند که با اسم و ضمیر همراه می باشند و نشاندهنده نسبت و رابطه بین اشیاء و اشخاص هستند. در زبان انگلیسی حروف اضافه زیادی وجود دارند و در اینجا بطور اجمالی به مطالعه مهمترین آنها می پردازیم .

### ۱- حروف اضافه زمان :

**الف- حرف اضافه in :** این حرف اضافه بیشتر در اصطلاحات زمانی بکار می رود و اگر در مورد مکان استعمال گردد به معنی " داخل " یا "در" است .

in + (سال ، ماه ، فصل) = in 1998, summer, march

in + (پوشاک - وسایل زینتی) = in short

in + (اجزاء ساعت) = in second

in + (نام زبانها) = in English

حرف اضافه In برای بیان یک دوره زمانی بکار می رود .  
(در تابستان هوا گرم است .)

**In summer the weather is warm.**

**ب- حرف اضافه on :** در موارد زیر بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد .

On + روز های هفته = on Sunday

On + روز های ماه = on 21 May

On + نام خیابان = On Hafez Street.

On + مقاطع زمانی یک روز ویژه = On morning of the first may.

حرف اضافه On برای روزها و تاریخها مورد استفاده قرار می گیرد .  
(ما روز یکشنبه به سینما می رویم.)

**On Sunday we go to cinema.**

(روز تولد من بیست و چهارم جولای ۱۹۹۵ است .)

**My birthday is on the 24<sup>th</sup> of July 1953.**

**پ- حرف اضافه At :** برای بیان زمان دقیق بکار می رود .  
(او ساعت هشت صبح آمد .)

**He came at 8 o'clock in the morning.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**۲- حرف اضافه مکان :**

**الف حرف اضافه To :** برای نشان دادن حرکت از مکانی به مکان دیگر بکار می رود .  
(من هر روز تا مدرسه پیاده می روم .)

**I walk to school every day.**

**ب - حرف اضافه At :** برای نشان دادن موقعیت یا حالت سکون بکار می رود .  
(او پشت درب منتظر است .)

**He is waiting at the door.**

**پ - حرف اضافه In :** نشان دهنده موقعیت یا حالت سکون در داخل چیزی است .  
(مداد در داخل جعبه است .)

**The pencil is in the box.**

**ت - حرف اضافه Into :** برای بیان حرکت به طرف داخل چیزی بکار می رود .  
(آنها به داخل اتاق می روند .)

**They walk into the room.**

**نکته :**

**الف-** برای وارد شدن به محلهای بزرگ از الگوی **arrive + in** استفاده می شود و برای وارد شدن به محلهای کوچک از **arrive + at** استفاده می کنیم .  
**ب-** اگر **at** قبل از مکان مورد استفاده قرار بگیرد به معنای داخل و یا محوطه های خارج از ساختمان است .

**پ-** حرف اضافه **at** در موارد زیر بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد .

**at + (night/midnight/sunset/down) =at** ساعات شبانه روز + **at**

**at +home= Armita is at home** (آرمیتا در خانه است)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

### حرف تعریف نامعین

این حروف شامل a و an می باشد. فقط باید توجه داشت که اگر حروف اول صدا دار باشد (a, u, e, i, o) به جای حرف تعریف a از an استفاده می شود. مثل:

hour - honour honest - apple - umbrella - orange - impression - error -

حرف تعریف نامعین در موارد زیر هم به کار می رود:

۱ - قبل از همه اسمهای عام مفرد، در صورتی که قبل از آن the با کلماتی مانند: His - my - that - this به کار نرفته باشد.

I bought **a** new car.    لذا این جمله را بکار **نبرید**.

I bought **a** new car.    چون این جمله بهتر است.

۲ - قبل از کلمات hundred - thousand و مانند: (یکصد سرباز در اردو گاه بودند.)

**A** hundred soldiers were in the camp.

۳ - بعد از فعل to be هنگامیکه یک اسم عام مفرد به دنبال آن آمده باشد مانند: (پدر مری وکیل است.)

Mary's father **is a** lawyer.

۴ - در برخی از عبارتها مانند:

To make a noise - To make a mistake - To make a fortune -

To make an impression - to have a pain - To have a headache -

To have a cold - To have a cough .

حال باید توجه داشت که حرف تعریف نامعین در موارد زیر به کار نمی رود. مانند:

۱ - قبل از اسمهای مفردی که شکل جمع ندارند، مانند:

Advice - information - Work - furniture - bread  
(او نصایح خوبی به من کرد.)

He gave good **advice**.

۲ - پس از عبارتهای kind of - sort of مانند: (چه نوع قلمی می خواهید؟)

What **kind of** pen do you want?



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**نکته :**

باید توجه داشت که در بسیاری از زبانها عدد یک ( One ) به جای حرف تعریف نا معین ( A یا An ) بکار می رود ولی در زبان انگلیسی اینگونه نیست و بجای اینکه بگوئیم :

**One man went into one shop.**

باید اینطور بگوئیم :

**One man went into a shop.**

کلمه **One** فقط در جایی بکار می رود که روی خود عدد تاکید می شود مانند :  
( با یک چلچله تابستان نمی شود . )

**One swallow dose not makes a summer.**

( با یک گل بهار نمی شود . )

**One flower dose not makes a spring.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

### حرف تعریف معین

در زبان انگلیسی اسمها وقتی در معنای عام خود بکار می روند نیازی به حرف تعریف ندارند، ولی اگر برای اشاره به مورد خاصی بکار روند، نیاز به حرف تعریف دارند. در مثالهای زیر به تفاوت جمله ها از نظر استفاده از حرف تعریف توجه کنید:

#### ۱- به همراه اسمهای جمع:

(اسبها حیوانات نیرومندی هستند.)

Horses are strong animals.

(اسبهای داخل مزرعه به کشاورز تعلق دارند.)

**The horses** in the field belong to the farmer.

#### ۲- به همراه اسمهای معنی:

(خرد فضیلت بزرگی است.)

Wisdom is a great virtue.

(خرد سلیمان زبانزد بود.)

**The wisdom** of Solomon was famous.

#### ۳- همراه با نام مواد:

(آب برای حیات ضروری است.)

Water is necessary to life.

(آب داخل آشپزخانه داغ است.)

**The water** in the kitchen is hot.

#### ۴- به همراه اسامی روزها - ماهها و فصلها:

(تابستان فصل گرمی است.)

Summer is a hot season.

(تابستان سال گذشته هوا خیلی گرم بود.)

**The summer** of the last year was very hot.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**۵- به همراه اسامی زبانهها :**

(زبان انگلیسی در سراسر دنیا تکلم می شود .)

**English is spoken all over the world.**

(انگلیسی که او صحبت می کند درست نیست .)

**The English** spoken by him is not correct.

**۶- به همراه اسامی وعده های غذا :**

(صبحانه ساعت هشت صرف می شود .)

**Breakfast is at eight o'clock.**

(صبحانه ای که امروز صبح خوردم سنگین بود .)

**The breakfast** I had this morning was heavy.

**۷- به همراه اسامی رنگها :**

(آبی رنگ مورد علاقه من است .)

**Blue is my favorite color.**

(رنگ آبی آن تصویر کم رنگ شده است .)

**The blue** in that picture has faded.

همچنین بطور کلی می توان گفت که در جلو اسمهای **مفرد و جمع** مانند : **the book-**

**the books** و در جلو اسمهای قابل و غیر قابل شمارش : **The teacher- The milk**

و قبل از اسامی که فقط یکی از آنها وجود دارد .مانند :

**The sun** rises in the east and sets in the west.

و قبل از اسامی دریا ها - رودخانه ها - سلسله کوهها - اقیانوسها - خلیجها و اسامی

**جمع** کشورها (کشورهای مشترک المنافع - کشور های اسکاندیناوی ) .

**نکته :**

فقط باید توجه داشت که قبل از اسامی کشورها (ایران - انگلستان - آمریکا) -

قاره ها و شهر و خیابانها بکار **نمی رود** .

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## معلوم و مجهول

در جملات معلوم فاعل یا نهاد مشخصی وجود دارد و فعل به فاعل نسبت داده می شود. ولی در جملات مجهول کننده کار مشخص نیست و فعل به مفعول نسبت داده می شود.

نکته:

۳- برای آوردن فاعل در جمله مجهول ، آنرا بصورت ( فاعل + by ) در آخر

جمله

می آوریم. و اگر فاعل بصورت ضمیر فاعلی بود ، بصورت (ضمیر مفعولی + by ) آورده می شود .

۲- اگر در جمله مجهول دو (۲) مفعول وجود داشت ، ارجح است که مفعول شخصی را اول قرار دهیم .

۳- مجهول جملات امری بصورت الگوی زیر ساخته می شوند .

فعل (اسم مفعول یا قسمت سوم فعل be+(P.P + مفعول + Let =

=Let him be talking.

لازم به توضیح است که بحث معلوم و مجهول در بخش زمانها توضیح داده شده است.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## موارد استفاده فعل To Be

**فعل اصلی: Main Verb**

**To Be (بودن)**

**(زمان حال ساده):**

هستم - هستی - هست - هستیم - هستید - هستند .

**I am – you are – (he-she-it) is- { we – you – they } are**

**(زمان حال کامل یا ماضی نقلی):**

بوده ام - بوده ای - بوده است - بوده ایم - بوده اید - بوده اند .

**(I- you ) have been –(he- she it ) has been –{we-you they }have been**

**(زمان گذشته یا ماضی):**

بودم - بودی - بود - بودیم - بودید - بودند .

**I was – you were – (he – she –it ) was –{we – you – they } were**

**\*\* (زمان گذشته کامل یا ماضی بعید):**

بوده بودم - بوده بودی - بوده بود - بوده بودیم - بوده بودید - بوده بودند

**{I-you -(he-she –it)} had been- { we -you –they} had been**

**(زمان آینده ساده):**

خواهم بود - خواهی بود - خواهد بود - خواهیم بود - خواهید بود - خواهند بود .

**I shall be –{ you ,(he-she-it ) } will be-we shall be-(you –they ) will be**

**\*\* زمان آینده کامل:**

بوده بودم باشم - بوده بودی باشی - بوده بوده باشی - بوده بودیم باشیم - بوده بودید باشیم - بوده باشند

باشید - بوده باشند .

**I shall have been-{you –(he-she –it)}will have been-**

**we shall have been -{you –they}will have been**

**نکته:**

**\*\* این صیغه ها از افعال To Be معمولاً در فارسی معادلی برای آنان متصور نمی باشد و امروزه هم به ندرت در زبان انگلیسی رایج، کاربرد دارند. لذا صرفاً ترجمه تحت اللفظی این واژه ها ترجمه و صرف شده است .**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**نکته :**

**فعل To Be** همچنین در موارد زیر بکار می رود :

**الف-** همراه با اسم فاعل برای ساختن زمانهای استمراری.

**To be + اسم فاعل**

(خورشید در آسمان می درخشد.)

**The sun was shining in the sky.**

**ب-** همراه با اسم مفعول برای ساختن وجه مجهول.

**To be + اسم مفعول**

(نامه توسط جان نوشته شد.)

**The letter was written by John.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## زمانها Tenses

زمان فعل نشاندهنده وقت صورت گرفتن فعل بوده و در قالب فعل بیان می گردد . در انگلیسی چهار زمان اصلی وجود دارد . زمان: گذشته- حال- آینده و آینده در گذشته.

### گذشته Past

#### ۱- گذشته ساده Past simple tense

برای بیان عملی در گذشته مشخص و یا بصورت عادی در گذشته بکار می رود .  
یا برای عملی که در گذشته برای مدتی انجام می شده ولی بصورت عادت نبوده است و مدت انجام عمل هم مشخص می باشد . یا با عبارت used to بیان می شود مانند :  
(من سال گذشته هر هفته به سینما می رفتم .)

**I went** (used to go) to the cinema every week last year.

گذشته فعل + فاعل = گذشته ساده

فعل (مصدر بدون to) + didn't + فاعل = منفی کردن

فعل (مصدر بدون to) + did + فاعل = سنوالی کردن

فعل (مصدر بدون to) + Didn't + فاعل = منفی سنوالی

**You ate my appel.**

**You didn't eat my appel.**

**Did You eat my appel?**

**Didn't You eat my appel?**

{آیا او در تهران زندگی میکند؟ (یعنی ممکن است هنوز در تهران باشد) }؟

**Did he live** in Tehran?

از این واژه ها در گذشته ساده استفاده می شود . (when, before, after) و ago

**I ate my food an heure ago.**

#### ۲- گذشته استمراری Past continuous tense

برای بیان عملی در گذشته که بصورت استمرار انجام میدهند وهم اکنون قطع گردیده است.  
همچنین برای بیان عملی که ضمن انجام یا اتفاق عمل دیگری در حال انجام شدن می باشد .

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

توجه نمائید که ماضی استمراری (I was going) برای بیان عادت در زمان گذشته بکار نمیروند بلکه برای دلالت بر کاری که در زمان گذشته هنگام وقوع کار دیگری در حال انجام شدن بوده است مورد استفاده قرار می گیرد ،مانند :

(من در حال رفتن به سینما بودم که به او برخوردم.)

**I was going to the cinema when I met him.**

فعل (با ing) + was / were + فاعل = زمان گذشته استمراری

فعل (با ing) + wasn't / weren't + فاعل = منفی کردن

فعل (با ing) + فاعل + were/was = سنوالی کردن

فعل (با ing) + فاعل + weren't/Wasn't = منفی سنوالی

He was writing.

He wasn't writing.

Was he writing?

Wasn't he writing?

I was teaching when they arrived. = زمان گذشته استمراری

I wasn't teaching when they arrived. = منفی کردن

Was I teaching when they arrived? = سنوالی کردن

Wasn't I teaching when they arrived? = منفی سنوالی

**نکته :**

بر طبق الگو های زیر نیز از این زمان استفاده می شود .

گذشته ساده + گذشته استمراری + when =

**When** we were playing Volleyball ,he arrived.

گذشته استمراری + while, as + گذشته ساده =

He arrived, **while** we were playing Volleyball.

He arrived, **as** we were playing Volleyball.

گذشته ساده + when + گذشته استمراری =

We were playing Volleyball , **When** he arrived.



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**نکته :**

برای تبدیل یک **جمله معلوم به مجهول (Passive)** از فرمول زیر در زمان گذشته استفاده مینماییم .

فعل (اسم مفعول) + was/were + مفعول (بجای فاعل) = **جمله مجهول**

**معلوم** = We finished the book yesterday.

**مجهول** = The book was finished yesterday.

**۳ - گذشته کامل یا ماضی بعید Past perfect tense**

این زمان برای عملی است که قبل از عمل دیگر در گذشته انجام شده است ، یا به عبارتی در گذشته بسیار دور اتفاق افتاده است .

فعل (اسم مفعول P.P) + had + فاعل = **گذشته کامل**

فعل (اسم مفعول) + hadn't + فاعل = **منفی کردن**

فعل (اسم مفعول) + فاعل + Had = **سنوالی کردن**

فعل (اسم مفعول) + فاعل + Had + not = **سنوالی منفی**

He had gone home early.

He hadn't gone home early.

Had he gone home early?

Hadn't he gone home early?

She had gone when I come.

**نکته :**

همچنین با توجه به فرمولهای زیر ماضی بعید (گذشته کامل) قابل کار برد است .

**گذشته کامل + گذشته ساده** + (when, before, as soon as, by the time) =

**When** I came , He had gone home early.

**Before** I saw him I had done my homework.

**گذشته کامل + (yet, already) + گذشته ساده** = when +

**When** I came , **yet** he hadn,t gone home.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**الف- معمولاً** در یک قسمت از جمله از کلمه همراه (before بمعنی قبل از) با زمان گذشته ساده استفاده می شود .

(قبل از اینکه او را ببینم ، تکالیفم را انجام داده بودم .)

**I had done my homework before I saw him.**

**ب-** در این زمان از کلمه **after** بطریق زیر استفاده می شود .

ماضی ساده + ماضی بعید + **After** =

(بعد از اینکه او تکالیف روزانه اش را شروع کرده بود ، من وارد اتاقش شدم .)

**After he had begun his daily work I entered his room.**

**پ-** کلمه **hardly** همراه با **when** در فرمول زیر بیانگر این است که عملی هنوز کامل نشده که واقعه دیگری رخ می دهد . این فرمول اکثراً در این ماضی (بعید) بکار می رود .

زمان گذشته ساده + **when** + اسم مفعول ( قسمت سوم فعل) + **had + hardly** + فاعل =

(آنها هنوز پل را نساخته بودند که سیل آنرا خراب کرد .)

**They had hardly built the bridge when the flood destroyed it.**

اسم مفعول

زمان گذشته ساده

**ت-** همچنین فرمول **no sooner.....than** زمانی بکار می رود که ، عملی تازه انجام شده باشد که عمل دیگری بلافاصله بعد از آن رخ دهد . این فرمول هم اکثراً در جملات ماضی بعید بشکل زیر دیده می شود .

(هنوز به منزل نرسیده بود که بلافاصله از او خواهش کردند که مراجعت نماید .)

**1/He had no sooner arrived home than he was asked to return.**

**2/No sooner had he arrived home than he was asked to return?**

#### ۴- گذشته کامل استمراری **Past perfect continues tense**

برای بیان عملی که در گذشته کامل انجام شده و بخواهیم بر روی استمرار آن تکیه کنیم .

فعل (ing) + **had been** + فاعل = **گذشته کامل استمراری**

فعل (ing) + **hadn't been** + فاعل = **منفی کردن**

فعل (ing) + **been** + فاعل + **Had** = **سنوالی کردن**

فعل (ing) + **been** + فاعل + **Had + not** = **سنوالی منفی**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**He had been going....**

**He hadn't been going ...**

**Had he been going...?**

**Hadn't he been going...?**

**نکته:**

الگو های زیر در امر شناختن این زمان در جملات به ما کمک می نمایند .

**= (before, when) + گذشته ساده + for + گذشته کامل استمراری + گذشته ساده**

**Before he arrived, I had done my homework for one week.**

**= after + گذشته ساده + طول زمان + for + گذشته کامل استمراری**

**After I had done my homework for one week, he arrived.**

**نکته:**

برای تبدیل یک جمله معلوم به مجهول از فرمول زیر در زمان گذشته کامل استمراری استفاده می نمایم .

**فعل(اسم مفعول) + had been + مفعول (بجای فاعل)=**

(آنها نامهای ما را فراموش کرده بودند) .

**معلوم=They had forgotten our names.**

(نامهای ما فراموش شده بود) .

**مجهول =Our names had been forgotten.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## حال Present

### ۱- حال ساده Simple Present Tense

زمان حال ساده برای بیان کارهای همیشگی و عادت‌های بکار می‌رود. در حالی که زمان حال کامل برای بیان کاری که هم اکنون در حال انجام شدن است استفاده می‌شود.

بطور کلی زمان حال ساده برای موارد زیر بکار می‌رود:

**الف** - زمان حال ساده برای بیان عادات

**ب** - بجای زمان آینده با قید زمان

**پ** - برای بیان حقایق و واقعیتها

**ت** - در جملات شرطی نوع اول پس از If

**نکته:**

در سوم شخص های مفرد در فرم حال ساده مثبت به آخر فعل حرف **s** و یا اگر فعل به یکی از حروف **x,sh,ch,s,o** ختم شود، به آخر آن **es** اضافه می‌گردد.

**نکته:**

**Does** برای سوم شخص مفرد و **do** برای سایر اشخاص در اشکال سنوالی و منفی بکار می‌روند.

فعل (مصدر بدون to) + فاعل = زمان حال ساده

فعل (مصدر بدون to) + **doesn't** یا **don't** + فاعل = منفی کردن

فعل (مصدر بدون to) + فاعل + **do** یا **does** = سنوالی کردن

فعل (مصدر بدون to) + فاعل + **doesn't** یا **don't** = منفی سنوالی

**He goes home everyday.**

**He doesn't go home everyday.**

**Does he go home everyday?**

**Doesn't he go home everyday?**

(من هرروز روزنامه می‌خوانم.)

**I read the newspaper every day.**

(من الان در حال خواندن زبان انگلیسی هستم.)

**I am reading English now.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**نکته ۴:**

حقایق مسلم را با زمان حال ساده بیان می کنند .  
(خورشید در مشرق طلوع می کند.)

**The sun rises in the east.**

(زمین دور خورشید می چرخد .)

**The earth goes round the sun.**

**نکته ۴:**

زمان حال ساده هنگام صحبت از یک زمان یا تاریخ معین بکار می رود در صورتیکه زمان حال کامل(ماضی نقلی ) وقتی که زمان خاصی ذکر نشود بکار می رود .  
(من تمرینم را شب گذشته نوشتم.)

**I wrote my exercise last night.**

(من تمرینم را نوشته ام .)

**I have written my exercise.**

**نکته ۴:**

کلمه **when** با زمان حال ساده بشکل زیر بکار می رود .

**I will be sitting here when they arrive.**

**نکته ۴:**

دفعات در زمان معین ،مثل: ( هفته ای یکدفعه **Once a week** ) و همچنین (سالی دودفعه **Twice a year**) با زمان حال ساده بکار می روند.  
توجه نمائید که اصطلاح زیر :

**from time to time= once in a while**

به معنی (گاهگاهی) اکثرا" با زمان حال ساده بکار می روند .  
(او گاهگاهی پیاده به مدرسه می رود .)

**1/Once in a while she goes to school on foot.**

**2/From time to time she goes to school on foot.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**نکته:**

بعد از افعال آگاه کننده نیز حال ساده می آید . بعضی از افعال آگاه کننده عبارتند از :

**Mind , look , be careful , help**

فاعل اسمی + حال ساده + قید مکان + فعل آگاه کننده =

**Look , This school clean by workers.**

**نکته:**

برای تبدیل یک جمله معلوم به مجهول از فرمول زیر در زمان حال ساده استفاده مینماییم .

{فعل(اسم مفعول = قسمت سوم فعل) + {am,is,are + مفعول (بجای فاعل) = جمله مجهول

(من هر روز آنها را در مدرسه می بینم.)

**I see them at school every day = معلوم**

(آنها هر روز در مدرسه دیده می شوند.)

**They are seen at school every day = مجهول**

**۲ - حال استمراری Present Continues Tense**

الف - بیان کاری که هم اکنون در حال انجام است.

**I am writing.**

ب- استمرار انجام عمل در زمان حال بصورت موقت.

**Shiva is staying in a hotel.**

پ - بیان کاری که در آینده نزدیک صورت می گیرد (با قید زمان).

**He is leaving Tehran to night.**

فعل(ing) + (am,is,are) + فاعل = حال استمراری

فعل(ing) + not + (am,is,are) + فاعل = منفی کردن

فعل(ing) + فاعل + (am,is,are) = سنوالی کردن

فعل(ing) + فاعل + not + (am,is,are) = سنوالی منفی

**He is going home now.**

**He isn't going home now.**

**Is he going home now?**

**Is not he going home now?**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**نکته:**

طبق فرمول زیر، نیز مورد استفاده قرار می گیرد.

حال استمراری + فاعل + فعل آگاه کننده =

**Be careful , she is sleeping at home now.**

**نکته:**

قیود زیر در زمان حال کامل استمراری بکار می رود.

this(week,year,century)-next week-today-tomorrow-just now-right now-now.

He is leaving Tehran **just now**.

**۳- حال کامل یا ماضی نقلی Present perfect tense**

اگر کاری در زمان گذشته آغاز شده و تا زمان حال نیز ادامه دارد، تنها زمان مناسب برای آن کار، زمان حال کامل (ماضی نقلی) است. این زمان از پر استفاده ترین زمانها در زبان انگلیسی است.

فعل (اسم مفعول)+has یا have+فاعل = حال کامل یا ماضی نقلی

فعل (اسم مفعول)+hasn't یا haven't+فاعل = منفی کردن

فعل (اسم مفعول) + فاعل + has یا have = سنوالی کردن

فعل (اسم مفعول) + فاعل + has not یا have not = منفی سنوالی

He has gone.

He hasn't gone.

Has he gone?

Hasn't he gone?

**نکته:**

کلمه **Just** (بمعنی الان) در ماضی نقلی بین Have/Has و اسم مفعول می آید.

(هوایما همین الان باند فرودگاه را ترک کرد.)

The plan has **just** taken off the runway.

(الان منزل را ترک کرد.)

He has **just** left the house.

(آنها الان درس را شروع کردند.)

They have **just** begun the lesson.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**نکته:**

کلمه **Since** در ماضی نقلی یا قبل از قید زمان می آید

**I haven't seen him since last night.**

و یا قبل از جمله ای که دارای زمان گذشته ساده می باشد مانند .

**He hasn't phoned since they came.**

**نکته:**

دفعات مثل **Once** (یکدفعه) و **Twice** (دودفعه) و **Three times** (سه دفعه) در ماضی نقلی بکار برده می شود .  
(این کتاب را دوبار خوانده است.)

**He has read this book twice.**

**نکته:**

واژه **Has** فقط با سوم شخص مفرد بکار می رود .

**نکته:**

طبق فرمول زیر ، نیز مورد استفاده قرار می گیرد .

حال کامل + فاعل + (after, if, when, as soon as) + آینده ساده یا مفهوم آینده =

**They want to talk to you when you have just begun the lesson.**

**نکته:**

این زمان همچنین با قیود روبرو بکار می رود :

twice-once-for-since-before-never-yet-already

**نکته:**

برای تبدیل یک جمله معلوم به مجهول از فرمول زیر در زمان ماضی نقلی استفاده مینمائیم.

فعل (اسم مفعول) + **have** یا **Has** + مفعول (بجای فاعل) = جمله مجهول

(آنها الان درس را شروع کردند.)

**They have just begun the lesson.** = معلوم

(درس الان شروع شده .)

**The lesson have just begun.** = مجهول



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

#### ۴- حال کامل استمراری Present perfect Continues tense

همان کاربرد ماضی نقلی است، فقط روی استمرار عمل تا زمان حال کامل تاکید می شود .  
یعنی عبارتی برای بیان کاریست که در گذشته شروع شده و تا حال ادامه دارد .

فعل (با ing) + has been یا have been + فاعل = حال کامل استمراری

فعل (با ing) + hasn't been یا haven't been + فاعل = منفی کردن

فعل (با ing) + been + فاعل + has یا have = سنوالی کردن

فعل (با ing) + been + فاعل + has + not یا have = منفی سنوالی

He has been studying since eight o'clock.

He has not been studying....

Has he been studying...?

Hasn't he been studying...?

نکته:

بعضی از علائم شناسایی این زمان عبارتند از :

for-since-for...now-for + طول زمان (today, now)

{دو ساعت است که دارم کار می کنم. (یعنی هنوز مشغول کار هستم)}

I have been working for **two hours**.

(من دو ماه است که در این کلاس هستم .)

I have been in this class for **two months**.

نکته:

برای تبدیل یک جمله معلوم به مجهول از فرمول زیر در زمان حال کامل استمراری استفاده مینمائیم.

فعل (اسم مفعول) + have been یا Has been + مفعول (بجای فاعل) = جمله مجهول

(من بمدت دو ماه است که در این کلاس هستم .)

I have been in this class for two months. = معلوم

(بمدت دو ماه است که در این کلاس هست .)

In this class for two months has been. = مجهول

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## آینده future

### ۱- زمان آینده ساده Simple future tense

برای بیان کاریست که قرار است در آینده انجام شود، ولی هنوز انجام نشده است. اما باید توجه داشت که برای اول شخص مفرد و جمع معمولاً "از واژه shall و برای سایر ضمائر از واژه will می توان استفاده نمود. اگر چه در بسیاری از کتابها برای ضمائر اول شخص مفرد و جمع هم از واژه will استفاده نموده اند، چون قوی تر از واژه shall میباشد.

فعل (مصدر بدون to) + shall / will + فاعل = زمان آینده ساده

فعل (مصدر بدون to) + shan't / won't + فاعل = منفی کردن

فعل (مصدر بدون to) + فاعل + (shall/will) / کلمه سنوال = سنوالی کردن

فعل (مصدر بدون to) + فاعل + not + (shall/will) / کلمه سنوال = منفی سنوالی

He will go home tomorrow.

He will not/won't go home tomorrow.

Will he go home tomorrow?

Won't he go home tomorrow?

#### نکته:

زمان آینده ساده باقیده هایی مثل: فردا-پس فردا-هفته آینده و سه روز دیگر و غیره میآید.

زمان آینده ساده = I shall finish this work **next week**.

منفی کردن = I shall not finish this work **next week**.

سنوالی کردن = Shall I finish this work **next week**?

منفی سنوالی = Shall not I finish this work **next week**?

#### نکته:

در جملات آینده ساده قبل از طول زمان از حرف اضافه in استفاده می شود که می توان از معادل آن یعنی (from now + طول زمان) نیز استفاده کرد. مثال:

(من ده روز دیگر/زمان ده روز دیگر/از حالا تا ده روز دیگر/برخواهم گشت.)

1/ I shall come back in **ten days**.

2/I shall come back in **ten day's time**.

3/ I shall come back **ten days from now**.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**نکته :**

قید های آینده و نیز الگو های زیر مشخصه زمان آینده می باشد .

= **by the time** + حال ساده + آینده ساده

**By the time** he read newspaper without he will finish his homeworke.

= **in** + طول زمان

**In one day** he read newspaper without he will finish his homeworke.

**نکته :**

برای تبدیل یک جمله معلوم به مجهول از فرمول زیر در زمان آینده ساده استفاده مینماییم.

فعل(مصدر بدون to) + **shall / will** + مفعول (بجای فاعل)=

(او این کتاب را فردا تمام می کند .)

**He will finish this book tomorrow.** = معلوم

(این کتاب فردا تمام می شود.)

**This book will finish tomorrow.** = مجهول

**۲ - آینده استمراری Future Continuous**

بیان عملی که در زمان معین و یا تا زمان معینی در آینده استمرار خواهد داشت . در اینصورت با قید هایی مانند : **next** و **tomorrow** همراه خواهد بود .

فعل(ing)+ **be+ will / shall** + فاعل = زمان آینده ساده

فعل(ing)+ **be+ won't / shan't** + فاعل = منفی کردن

فعل(ing)+ **be+ will / shall** + فاعل / کلمه سنوال = سنوالی کردن

فعل(ing)+ **be+ will / shall** + not + فاعل / کلمه سنوال = منفی سنوالی

**He will be running tomorrow.**

**He will not running tomorrow.**

**Will he running tomorrow?**

**Won't he running tomorrow?**

**نکته :**

**الف- کلمه all** با قید زمان آینده بشکل زیر بکار می رود .

**I shall be working all next summer.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**You will be working all next summer.**

**He/She /It/ will be working all next summer.**

**We shall be working all next summer.**

**You/They / will be working all next summer.**

**ب- کلمه When** با زمان حال ساده مانند:

(موقعیکه آنها برسند می خواهم اینجا بنشینم.)

**I will be sitting here when they arrive.**

**نکته:**

فرمول زیر نیز مشخصه این زمان می باشد.

حال ساده + **if, when, by the time, before** + آینده استمراری

**نکته:**

برای تبدیل یک جمله معلوم به مجهول از فرمول زیر در زمان آینده استمراری استفاده مینماییم.

فعل(ing) + **will be / shall be** + مفعول (بجای فاعل) =

(او این کتاب را فردا تمام خواهد کرد.)

**معلوم = He will be finishing this book tomorrow.**

(این کتاب فردا تمام خواهد شد.)

**مجهول = This book will be finishing tomorrow.**

### ۳- زمان آینده کامل Future Perfect Tense

زمان آینده کامل زمانی آینده ایست که انجام کاری را پیش از وقت معینی پیش بینی میکند.

یعنی برای بیان عملی که در آینده قبل از عمل دیگر یا زمان دیگر انجام شود بکار میرود.

در اینصورت از قید **by next** استفاده می شود.

فعل (اسم مفعول) + **have + will / shall** + فاعل = زمان آینده کامل

فعل (اسم مفعول) + **have + won't / shan't** + فاعل = منفی کردن

فعل (اسم مفعول) + **have + (will/shall)** / کلمه سنوال = سنوالی کردن

فعل (اسم مفعول) + **have + not + (will/shall)** / کلمه سنوال = منفی سنوالی

**He will have taken this book by tomorrow.**

**He will have not taken this book by tomorrow.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Will he have taken this book by tomorrow?**

**Won't he have taken this book by tomorrow?**

**نکته:**

چون این زمان برای بیان کاریست که تا وقت معینی در آینده انجام میگردد ، بنابراین از کلمه **by** بمعنی (تا) با قید زمان آینده در این زمان استفاده میشود.  
(من تا فردا این کار را انجام خواهم داد .)

**I shall have done this work by tomorrow.**

(ما تا فردا این کار را انجام خواهیم داد .)

**We shall have done this work by tomorrow.**

(او تا آخر هفته امتحانش را خواهد داد .)

**He will have taken his exam by the end of the week.**

(آنها تا آخر هفته امتحانشان را خواهند داد .)

**He will have taken their exam by the end of the week.**

**نکته:**

عبارات زیر عامل شناسایی این زمان می باشند .

=within + طول زمان + from now

=within + طول زمان

=in + طول زمان

**Within this week from now** We shall have done this work.

#### **۴-زمان آینده کامل استمراری Future Perfect continues Tense**

این زمان، ادامه داشتن یک عمل را تا رسیدن زمان دیگر یا هنگام عمل دیگر در آینده تاکید می کند .

به عبارت دیگر می خواهد ادامه عملی را تا هنگام وقوع عمل دیگر یا فرا رسیدن زمان دیگر نشان بدهد . مثل:

( امروز تا هنگام ورود شما به مدت دو ساعت مشغول مطالعه خواهم بود .)

**Today when you arrived I will have been studing for two hours.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

متمم+فعل(ing)+have been+ shall / will + فاعل = زمان آینده کامل استمراری

متمم+فعل(ing)+have been+ shan't / won't + فاعل = منفی کردن

متمم+فعل(ing)+have been+ فاعل +(shall/will) / کلمه سنوال = سنوالی کردن

متمم+فعل(ing)+have been+ فاعل + not +(shall/will) / کلمه سنوال = منفی سنوالی

**He will have been teaching for two hours by four o'clock.**

**He will not/won't have been teaching for two hours by four o'clock?**

**Will have been teaching for two hours by four o'clock?**

**Won't have been teaching for two hours by four o'clock.**

**نکته:**

سایر علایم شناسایی این زمان عبارتست از :

عبارت قیدی + for + ..... + حال ساده(ماضی نقلی) + when, before =

عبارت قیدی + for + ..... + حال ساده = by the time

**When I ate my lunch, you have been teaching for two hours .**

**نکته:**

اصطلاح to be going to به جای will و shall غالبا" در جملاتی که شرطی نباشند بکار می روند و معنی قصد و تصمیم انجام کاری را می دهد .

(کی قصد حرکت دارید ؟)

**When are you going to travel?**

(فردا قصد داریم که حرکت کنیم.)

**I am going to leave tomorrow.**

**نکته:**

برای تبدیل یک جمله معلوم به مجهول از فرمول زیر در زمان آینده کامل استمراری استفاده مینماییم.

فعل(ing) + will have been + مفعول (بجای فاعل) =

من تا آخر هفته کلیه امتحاناتم انجام خواهد گردید .

**I shall have been taking all my exams by the end of the week.** = معلوم

کلیه امتحانات تا آخر هفته انجام خواهد گردید .

**All exams shall have been taking by the end of the week.** = مجهول

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

### ۵- آینده در گذشته ساده Future in the Past Simple

برای بیان عملی که قبلاً" در گذشته، فعل مورد نظر مربوط به آینده بوده و حالا که در باره آن صحبت می شود، با توجه به اینکه مرور زمان شامل آن فعل شده، زمان آن فعل در حال حاضر گذشته محسوب می گردد .

متمم + فعل (مصدر بدون to) + would /should + فاعل = آینده در گذشته ساده

متمم + فعل (مصدر بدون to) + not + would /should + فاعل = منفی کردن

متمم + فعل (مصدر بدون to) + فاعل + would /should / کلمه سنوال = سنوالی کردن

متمم + فعل (مصدر بدون to) + فاعل + not + would /should / کلمه سنوال = منفی سنوالی

I would see you at the cinema.

I wouldn't see at the cinema.

Would you see at the cinema?

Wouldn't you see at the cinema?

### ۶- آینده در گذشته استمراری Future in the Past Continues

برای بیان عملی که در گذشته آینده بوده و همچنین تداوم نیز داشته است. برای روشن شدن این موضوع مثال زیر آورده شده است .

(فکرش را هم نمی کردم که هنگام ورود شما مشغول نامه نوشتن خواهم بود .)

I had not idea that I would be writing the letter when you arrived.

متمم + فعل (ing) + would be + فاعل = آینده در گذشته استمراری

متمم + فعل (ing) + not + be + would + فاعل = منفی کردن

متمم + فعل (ing) + be + فاعل + would = سنوالی کردن

متمم + فعل (ing) + be + فاعل + not + would = منفی سنوالی

You would be teaching.

You wouldn't be teaching.

Would you be teaching?

Wouldn't you be teaching?

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**توجه :** این دو زمان زیر بیشتر در نقل قولها و جملات شرطی مورد استفاده قرار میگیرند .

### ۷- آینده در گذشته کامل Future in the Past Perfect

متمم + فعل (اسم مفعول) + have + would + فاعل = زمان آینده در گذشته کامل

متمم + فعل (اسم مفعول) + have + not + would + فاعل = منفی کردن

متمم + فعل (اسم مفعول) + have + فاعل + would / کلمه سنوال = سنوالی کردن

متمم + فعل (اسم مفعول) + have + فاعل + not + would / کلمه سنوال = منفی سنوالی

I would have swum in the river.

I would not swum in the river.

Would I have swum in the river?

Would not I have swum in the river?

### ۸- آینده در گذشته کامل استمراری Future in the Past Perfect Continues

متمم + فعل (ing) + been + have + would + فاعل = زمان آینده در گذشته کامل

متمم + فعل (ing) + been + have + not + would + فاعل = منفی کردن

متمم + فعل (ing) + been + have + فاعل + would / کلمه سنوال = سنوالی کردن

متمم + فعل (ing) + been + have + فاعل + not + would / کلمه سنوال = منفی سنوالی

I would have been swimming in the river.

I would not have been swimming in the river.

Would I have been swimming in the river?

Would not I have been swimming in the river?



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## زمان های شرطی

جملات شرطی جملاتی هستند که دارای دو قسمت میباشند ، قسمت اول ( پیرو و یا جمله شرطی ) و قسمت دوم ( پایه و یا نتیجه شرط ) میباشند.  
در زبان انگلیسی سه ( ۳ ) نوع جمله شرطی داریم که عبارتند از:

### ۱- جملات شرطی زمان آینده ممکن :

در این حالت از فرمول زیر استفاده می کنیم

فعل(مصدر بدون to) + will+ فاعل+فعل(مصدر بدون to) + فاعل+If=

=If I go there, I **will** meet them.

If we make effort, we **will** succeed. = We **will** succeed, if we make effort.

جمله شرط IF	▶	جواب شرط
حال ساده		آینده ساده
حال استمراری		آینده ساده
حال کامل		امر

If you study, you **will** learn.

If you **are going**, you **will** see him.

If you **see** him, **tell** him anything about it.

نکته :

**الف-** مکان انجام عمل در آینده در این نوع جملات زیاد است .

**ب-** گاهی جمله شرطی با **should** آغاز می گردد و حالت تاکید دارد ، در اینصورت فرم قسمت اول جمله سنوالی می شود . ولی علامت سنووال در آخر جمله قرار نمی گیرد .

**Should** you work hard, you will finish it.

### ۲- جملات شرطی زمان حال فرضی:

در این حالت قسمت شرط جمله زمان گذشته ساده است و در جواب **would** با ریشه فعل ترکیب می شود .

فعل(مصدر بدون to) + would+ فاعل+فعل(گذشته ساده) + فاعل+If=

=If you came early, you **would** see him.

If you asked, I **would** do this. = I **would** do this, if you asked.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**جواب شرط**      **IF جمله شرط**

آینده درگذشته ساده	گذشته ساده
آینده درگذشته ساده	گذشته استمراری

If you went home now, you **would see** him.

If you were going home now, you **would see** him.

**نکته:**

امکان انجام عمل در این نوع جملات در حال حاضر وجود ندارد. لذا چون امکان عمل شرط وجود ندارد بنابراین به جای **would** میتوان از **might, could, should** نیز استفاده کرد.

**۳- جملات شرطی زمان گذشته فرضی:**

در این حالت قسمت شرط جمله ماضی بعید می باشد و در قسمت جواب **would have** با اسم مفعول (قسمت سوم فعل) ترکیب می شود.

فعل(اسم مفعول) + **would have** + فاعل + فعل(اسم مفعول) + **had** + فاعل + **=If**

**=If you had helped him, he would have succeeded.**

**I would have** forgotten all these words; if I had not read them last week.

If I had not read them last week; **I would have** forgotten all these words.

**جواب شرط**      **IF جمله شرط**

آینده درگذشته کامل	ماضی بعید
آینده درگذشته کامل	ماضی بعید استمراری
آینده درگذشته کامل	(شکل مجهول) <b>had + been + P.P</b>

**If you had studied, you would have** learned.

در شرطی نوع سوم می توان فعل کمکی را به جای **If** آورد.

**Had you price of gone** down; **I would have** bought a bigger car.

**نکته:**

در این نوع از جملات شرطی منظور گوینده این است که عمل شرط در گذشته انجام نشده و بالطبع جواب شرط هم صورت نگرفته است.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**نکته :**

در یک جمله تبعی زمانی یا شرطی ، اگر فعل اصلی جمله در زمان آینده باشد ، فعل جمله تبعی با زمان حال ساده بیان می شود .  
(اگر به آتن بروم از معبد پارتنتون دیدن خواهم کرد .)

**I shall visit the Parthenon Sanctuary when I go /if I go/ to Athens.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## نقل قول مستقیم و غیر مستقیم

گفتار مستقیم نوعی از نقل قول است، که ما در گفته ها هیچگونه دخل تصرف انجام نمی دهیم و برای نگارش اینگونه جملات آنها را داخل گیومه ("....") قرار می دهیم. ولی در گفتار مستقیم ما عین سخن و کلمات را بکار نبرده، بلکه مفهوم آنها را می رسانیم و بنا بر مقتضیات زمان و مکان در آن دخل تصرف می نمایم. در نگارش اینگونه جملات از گیومه استفاده نمی شود.

### ۱- مراحل تبدیل نقل قول مستقیم به غیر مستقیم در جملات خبری :

#### الف - نوع اول:

فعل خارج گیومه یکی از زمانهای **حال ساده**، **حال کامل**، و یا **آینده ساده** می باشد.

**مرحله اول:** فعل داخل گیومه تغییر نمی یابد.

**مرحله دوم:** ("گیومه") و (**ویرگول**،) حذف می گردد و بجای آن **that** قرار می گیرد.

**مرحله سوم:** ضمائر فاعلی - مفعولی و تاکیدی و صفات ملکی طبق جدول زیر تغییر کرده و فعل بعد از آن متناسب با ضمائر تغییر کرده و بکار می روند.

**اول شخص مفرد به سوم شخص مفرد** تبدیل می شود.

**اول شخص جمع به سوم شخص جمع** تبدیل می شود.

**دوم شخص مفرد به اول شخص مفرد** تبدیل می شود.

**دوم شخص جمع به اول شخص جمع** تبدیل می شود.

**سوم شخص مفرد و جمع بدون تغییر** می مانند.

**مستقیم:** He has told me, "**I am** very sorry."

**غیر مستقیم:** He has told me **that he is** very sorry.

#### ب - نوع دوم:

فعل خارج گیومه دارای زمان گذشته ساده یا کامل باشد. باید فعل داخل گیومه را به یک زمان عقبتر ببریم. بقیه مراحل تبدیل ضمائر مثل بالا صورت می گیرد.

#### مرحله اول:

فعل داخل گیومه مطابق جدول زیر تغییر می نماید.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

<b>Direct (مستقیم)</b>	<b>Indirect (غیر مستقیم)</b>
حال ساده	گذشته ساده
حال استمراری	گذشته استمراری
حال کامل	گذشته کامل
حال کامل استمراری	گذشته کامل استمراری
گذشته ساده	گذشته کامل
گذشته استمراری	گذشته کامل استمراری
گذشته کامل	بدون تغییر
گذشته کامل استمراری	بدون تغییر
آینده	آینده در گذشته
فعل کمکی	گذشته فعل کمکی

**مرحله دوم: حذف ("گیومه") و (؛) و آوردن that**

**مرحله سوم: ضمائر طبق جدول زیر تبدیل و بکار می روند.**

**اول شخص مفرد به سوم شخص مفرد تبدیل می شود.**

**اول شخص جمع به سوم شخص جمع تبدیل می شود.**

**دوم شخص مفرد به اول شخص مفرد تبدیل می شود.**

**دوم شخص جمع به اول شخص جمع تبدیل می شود.**

**سوم شخص مفرد و جمع به بدون تغییر.**

**مرحله چهارم: تبدیل قید های زمان و مکان با تغییر فعل.**

**مستقیم: He said, "I will answer the phone tomorrow."**

**غیر مستقیم: He said that he would answer the phone next day.**

**۲- مراحل تبدیل نقل قول مستقیم به غیر مستقیم در جملات سنوالی:**

**الف - جملاتی که با افعال کمکی سنوالی می شوند.**

**مرحله اول: ("گیومه") و (؛) حذف می گردد و بجای آنها از if و یا whether استفاده می نمائیم.**

**مرحله دو م: تغییر ضمائر و صفات همانند قبل می باشد.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**مستقیم :** He asked me, "which book are **you** reading?"

**غیر مستقیم :** He asked me which book **I** was reading.

**نکته :**

کلمات Yes و No در جملات غیر مستقیم حذف می گردند .

**۳- مراحل تبدیل نقل قول مستقیم به غیر مستقیم در جملات امری :**

برای این تبدیل مراحل زیر باید صورت گیرد .

**مرحله اول :** ("گیومه ") و (،) حذف کرده و بعد فعل فعل داخل گیومه را بصورت مصدر بیان می نمائیم .

**مرحله دو م:** تغییر ضمائر و صفات همانند قبل می باشد .

**مستقیم :** He advised, "Don't close the windows."

**غیر مستقیم :** He advised us not to close the windows.

**نکته :**

**الف -** کلماتی چون please, could you در گفتار مستقیم یا حذف شده و یا به واژه های مثل politely . یا kindly تبدیل می شوند .

**ب -** بعضی از تغییرات مهم قید ها در نقل قول عبارتند از :

Next week **به** the day after تبدیل می شود.

Now **به** then تبدیل می شود.

Here **به** there تبدیل می شود.

This **به** that تبدیل می شود.

These **به** those تبدیل می شود.

Thus **به** so تبدیل می شود.

**نکته :**

برای آشنایی بیشتر شما در این مبحث با ذکر جملاتی از گفتار مستقیم به غیر مستقیم در کلیه زمانها آورده شده تا کاملاً کاربرد آن برای شما آسانتر گردد.

برای نقل کردن گفته یک شخص می توانیم منظور خود را بدو طریق بیان کنیم :

**الف-آر ش** گفت "انگلیسی خوب میدانم" .

**ب-آر ش** گفت که انگلیسی خوب میداند .

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

جمله اول گفته آرش را تغییر نداده ایم، بنابراین جمله مستقیم است و جمله دوم غیر مستقیم میباشد.

### نکته ه :

برای تبدیل جمله مستقیم به غیر مستقیم نکات زیر رعایت می شود :

**الف-** از فعل Say (said) بعنوان فعل مقدمه جمله استفاده می کنیم .

**ب-** اگر فعل مقدمه جمله مفعول داشته باشد بجای Say (Said) از Tell (told) استفاده می شود. (او گفت He said) یا ( He tolled me ) .

**پ-** بعد از فعل مقدماتی از کلمه That بمعنی (که) استفاده می کنیم .

(او گفت که He said that) یا اینکه (او بمن گفت که He told me that) .

**ت-** زمان ها در صورتیکه فعل مقدماتی دارای زمان گذشته باشد بترتیب زیر تغییر میکنند:

۱- زمان حال ساده به گذشته ساده تبدیل می شود .

مستقیم = He said, "live in Abadan."

غیر مستقیم = He said that he lived in Abadan .

۲- زمان حال استمراری به زمان گذشته استمراری تبدیل می شود .

مستقیم = He said to me, "I am writing now."

غیر مستقیم = He told me that he was writing then.

۳- زمان گذشته ساده و ماضی نقلی به ماضی بعید تبدیل میشود .

مستقیم = She said, "I was at home yesterday."

غیر مستقیم = She said that she had been at home the day before.

مستقیم = He said, "I have finished this lesson."

غیر مستقیم = He said that he had finished that lesson.

۴- زمان گذشته استمراری و ماضی نقلی استمراری به ماضی بعید استمراری تبدیل میشود .

مستقیم = She said to me, " I was writing a letter."

غیر مستقیم = She told me that she had been writing a letter.

۵- در زمان آینده بجای Shall یا Will از لغت would استفاده می شود .

مستقیم = They said, "We will do this tomorrow."

غیر مستقیم = They tolled that they would do that the next day .

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

ث- در تبدیل جمله مستقیم به غیر مستقیم بعضی از کلمات نیز تغییر میکنند. مثل :

مستقیم	▶	غیر مستقیم
Now		Then
This		That
These		Those
Tomorrow		The next day
Yesterday		The day before
Ago		before
Last		Previous
Here		There

ج- اگر جمله مستقیم استفهامی (سنوالی) می باشد آن را با فرمول زیر، بغير مستقیم تبدیل می کنیم .

فعل ( باتغییر زمان) + فاعل + (اگر کلمه سنوال نباشد بجای آن if) یا کلمه سنوال + مفعول + asked + فاعل =

مستقیم = He said to me, "where do **you** live?"

غیر مستقیم = He asked me where **I** live ?

مستقیم = Do **you** know her?

غیر مستقیم = He asked me if **I** knew her?

مستقیم = She said to me, "Did **you** mail my letter?"

غیر مستقیم = She asked me if **I** had mailed her letter.

ج- اگر جملات مستقیم امری باشند، آنها را بطریق زیر به غیر مستقیم تبدیل می کنیم .

مستقیم = "Leave here ." (بمان اینجا) = غیر مستقیم

بصورت مصدر(فعل) + مفعول + فعل + فاعل (told-ordered-asked) = غیر مستقیم

مستقیم = "Leave here ." (بمان اینجا) = غیر مستقیم

غیر مستقیم = Arash **told** me to leave there

مستقیم = She said to them, "Open your books"

غیر مستقیم = She **ordered** them to open their books.

مستقیم = I said to him, "Write your name please"

غیر مستقیم = I **asked** him to write his name.



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

### منفی نمودن جملات:

برای منفی نمودن جملات انگلیسی به دو صورت باید عمل نمایم ::

۱- با قرار دادن **not** بعد از فعل. از این روش فقط در مورد بیست و یک فعل استفاده می شود که عبارتند از :

**Am - is - are - was - were - have - has - had - shall - should - will - would - can - could - may - might - must - need - dare - ought - used -**

(من آماده نیستم .)

**I am not ready.**

(شما نباید آن کار را بکنید .)

**You must not do that.**

(او نمی تواند خوب بنویسد .)

**He can not write well.**

(او نباید برود .)

**He ought not to go.**

۲- با استفاده از **do - dose - did** همراه با **not** و مصدر بدون **to** که این روش در مورد تمام افعال غیر از بیست و یک فعل فوق بکار می رود .  
لذا در این حالت باید ترتیب زیر را به خاطر سپرد .

مصدر بدون **to + not + (do - did) + نهاد =**

(من زیاد به آنجا نمی روم .)

**I do not go there very often.**

(او انگلیسی تدریس نمی کند .)

**He dose not teach English.**

(آنها بازی را ندیدند .)

**They did not see the game.**

هنگام گفتگو غالباً از فرم کوتاه شده **n't** استفاده می کنیم . بنا براین به جای **do not**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

از don't به جای dose not از doesn't به جای did not از didn't به جای had not  
از hadn't به جای would not از wouldn't به جای shall not از shan't به  
جای will not از won't به جای can not از can't استفاده می کنیم .

همچنین می توان از سایر کلماتی که مفهوم منفی دارند برای ساختن حالت منفی جملات  
استفاده کنیم . مانند دو جمله زیر که معنی آن یکی است .

**They know nothing.**

**They do not (don't) know anything.**

### سنوالی نمودن جملات:

جمله های سنوالی به سه طریق ساخته می شوند .

۱- با قرار دادن فعل قبل از فاعل . از این روش فقط در مورد بیست و یک فعل استفاده  
می شود . فهرست این افعال بدین شرح می باشد .

**(Am - is - are) - (was - were) - (have - has - had)**

**(shall - should - Will - would) - (can - could) - (may - might)**

**(must - need - dare - ought - used)**

(آیا شما آماده اید ؟)

**Are you ready?**

(آیا می توانید بخوبی بنویسید ؟)

**Can you write well?**

(آیا او فردا خواهد آمد ؟)

**Will he comes tomorrow?**

(اجازه می دهید الان بروم ؟)

**May I go now?**

۲- با استفاده از do , dose , did و بدنبال آن فاعل و سپس مصدر بدون to .

از این روش برای همه فعلها به استثنای بیست و یک فعل فوق استفاده  
میشود . ترتیب جمله به صورت زیر است :

مصدر بدون to + فاعل + **Do (dose - did)**

(آیا شما هرروز به اینجا می آید ؟)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Do you come here every day?**

(آیا آن پسر انگلیسی می آموزد؟)

**Does the boy learn English?**

(آیا آنها به تئاتر رفتند؟)

**Did they go to the theatre?**

۳- با استفاده از کلمات پرسشی . کلمه پرسشی همیشه در ابتدای جمله قرار می گیرد، ولی فعل جمله قبل از فاعل می آید .

(چرا دیر کردی؟)

**Why are you late?**

(شما چه وقت می آید؟)

**When did you come?**

(کجاست .)

**Where is it?**

(شما چه کسی را دیدید؟)

**Whom did you see?**

(کدام کتاب را می خواهید؟)

**Which book do you want?**

نکته ۴:

اگر کلمه پرسشی فاعل جمله باشد ، فعل بعد از فاعل قرار می گیرد . مانند :

(چه کسی نامه را نوشت؟)

**Who wrote the letter?**

(سگ چه کسی ، آن مرد را گاز گرفت؟)

**Whose dog bit the men?**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## صیغه سوم شخص مفرد

۱- در زمان حال ساده هنگامی که نهاد، ضمیر سوم شخص مفرد ( he - she - it ) یا اسم مفرد باشد، پسوند 's یا 'es' به انتهای فعل افزوده می شود .

He works. ( او کار می کند .)

She sings. ( او آواز می خواند .)

It stops. ( آن متوقف می شود .)

The sun rises. ( خورشید طلوع می کند .)

۲- وقتی فعل به -x -sh -s -ch یا o ختم میشود، پسوند es به سوم شخص مفرد فعل افزوده میشود.

I watch            He watches

I finish            He finishes

I fix                He fixes

I go                 He goes

۳- وقتی فعل به y- ختم می شود و قبل از آن حرف بی صدا قرار دارد، در سوم شخص مفرد حرف y- به ies- تبدیل می شود .

I carry            He carries

I study            He studies

I fly                He flies

I sleepy           He sleepest

### نکته :

اگر قبل از حرف y- حرف با صدا ( a-e-i-o-u ) قرار داشته باشد، در سوم شخص فقط حرف s- اضافه می کنیم مانند :

he plays-he enjoys – he obeys

۴- شکل سوم شخص برخی از افعال، بی قاعده است مانند:

I am                He is

I have             He has

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**I do**                      **He does**

**I say**                      **He says**

۵- فعلهای زیر در سوم شخص مفرد تغییر نمی کنند :

**Shall – will – can – may – must – ought -**

**I shall**                      **He shall**

**I will**                      **He will**

**I can**                      **He can**

**I may**                      **He may**

**I must**                      **He must**

پس به یاد داشته باشید که صیغه سوم شخص مفرد در زمان حال ساده مانند جمع اسمها حرف **s- یا es-** می گیرد .

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## قواعد جمع کلمات مفرد

۱- کلماتیکه در مفرد به f یا fe ختم می شوند در جمع به ves تبدیل می شوند :

**مفرد** → **جمع**

A wife (همسر)	wives(ها)
A wolf (گرگ)	wolves(گرگها)
A leaf(برگ)	leaves(برگها)
A knife(چاقو)	knives(چاقوها)

۲- کلماتیکه به x و z ختم می شوند در جمع es می گیرند. مانند :

**مفرد** → **جمع**

A box (جعبه)	boxes(ها)
A fez(کلاه ترکی)	fezzes(کلاه های ترک)

**نکته:**

کلمه ox از این قاعده مستثنی است و en می گیرد.

Ox (گاو نر)	Oxen(گاو های نر)
-------------	------------------

۳- کلماتیکه در مفرد به O ختم می شوند در جمع es می گیرند :

Hero (قهرمان)	Heroes(قهرمانان)
---------------	------------------

**نکته:**

کلمات زیر از این قاعده مستثنی می باشند. و در جمع فقط S می گیرند. لذا کلماتیکه هم به OO ختم می شوند، همان S را می گیرند.

**مفرد** → **جمع**

Radio (رادیو)	Radios(رادیوها)
Piano(پیانو)	Pianos(پیانوها)
Studio(استودیو)	Studios(استودیوها)
Photo (عکس)	Photos(عکس ها)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

Dynamo(دینام)

Dynamos(دینام ها)

Zoo(باغ وحش)

Zoos(باغ وحش ها)

۴- بعضی از کلمات با تغییر یک یا دو حرف صدا دار از مفرد به جمع تبدیل می شوند .

مفرد



جمع

A man (مرد)

men(مرد ها)

A woman(زن)

women(زن ها)

A foot (پا)

feet(پا ها)

A tooth(دندان)

teeth(دندان ها)

A goose (غاز)

geese(غاز ها)

A mouse(موش)

mice(موش ها)

A louse(شپش)

lice(شپش ها)

A child(بچه)

children(بچه ها)

A ox(گاو نر)

oxen(گاو های نر)

نکته:

استثناء: کلمات زیر در جمع فقط S می گیرند .

belief(عقیده)

beliefs(عقیده ها)

safe(صندوق آهنی)

safes(صندوق آهنی ها)

roof(بام)

roofs(بام ها)

cliff(صخره)

cliffs(صخره ها)

dwarf(کوتوله)

dwarfs(کوتوله ها)

proof(دلیل)

proofs(دلیل ها)

chief(رئیس)

chiefs(رئیس ها)

handkerchief(دستمال)

handkerchiefs(دستمال ها)

۵ - بعضی از اسمها شکل جمع ندارند :

advice(نصیحت - توصیه)

information(اطلاعات)

knowledge(دانش، آگاهی)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**news**(خبر - اخبار)

**progress**(پیشرفت)

**work**(کار)

**money**(پول)

**luggage**(اثاثیه - بار و بانه)

**furniture**(اثاثیه - لوازم منزل)

**scenery**(مناظر - چشم انداز)

**machinery**(ماشین آلات)

**نکته ۴:**

اگر بخواهیم هریک از کلمات فوق را به صورت مفرد بکار ببریم، از عبارت **Piece of ...** استفاده می کنیم.

۶- بعضی از اسمها شکل **مفرد ندارند**.

**people**(مردم-افراد)

**riches**(ثروت)

**wages**(دستمزد)

**trousers**(شلوار)

**scissors**(قیچی)

**spectacles**(عینک)

**نکته ۵:**

اسامی اشیائی که از دو قسمت قرینه تشکیل شده اند، غالباً " همراه با کلمه **Pair of ...** بکار می روند. مانند:

**A pair of trousers** (یکدست شلوار)

۷- شکل جمع و مفرد برخی از اسمها یکسان است مانند:

**sheep**(گوسفند)

**deer**(آهو - گوزن)

**salmon**( ماهی سالمون)



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## قواعد جمع کلمات مرکب

۱ - اگر دو کلمه به یکدیگر چسبیده باشند قسمت آخر کلمه جمع بسته می شود .

**A roommate** ( هم اطاقی )      **roommates**(ها) (هم اطاقی ها)

**A classroom** ( کلاس درس )      **classrooms**(ها) (کلاس درس ها)

**A landlady** ( صاحبخانه {زن} )      **landladies**{ {زن} } (صاحبخانه ها {زن})

۲ - اگر بین دو کلمه "-" (hyphen) باشد کلمه اول جمع بسته می شود .

**A brother - in - law** ( برادرزن )      **brothers - in - law** (برادرزن ها)

**A passer - by** ( عابر )      **passers - by** (عابر ها)

۳- اگر **man** یا **woman** با کلمه دیگری تشکیل کلمه مرکب بدهند ، هر دو قسمت کلمه جمع بسته می شوند .

**A man - servant** ( مردخدمتگزار )      **mans - servants** ( مردهای خدمتگزار)

**A man - teacher** ( مرد معلم )      **mans - teachers** (معلم های مرد)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## کاربرد (So – enough – too – very)

۱- کلمه **very** قید است و قبل از صفت و یا قید دیگری بکار می رود. این کلمه به صفت و یا قید جنبه مثبت می دهد یعنی میزان آنرا بالا می برد. (او خیلی با هوش است).

He is **very clever**.

صفت

(او خیلی با دقت رانندگی می کند).

He drives **very carefully**.

قید

۲- کلمه **too** مقدم بر یک صفت است ولی بعد از صفت از مصدر استفاده می شود. این کلمه مفهوم منفی دارد و ترجمه مصدر را منفی می کند. به فرمول زیر توجه کنید:

مصدر + صفت + **too** =

{قهوه خیلی داغ است که بتوان آنرا نوشید. (یعنی آنقدر داغ است که نمیتوان آنرا نوشید)}

1/ The coffee are **too** hot to drink.

2/ The coffee is **too** hot (for me) to drink.

بجای جمله فوق می توان از کلمه **so** همراه با **that** استفاده کرد.

(قهوه بقدری داغ است که نمی توانم آنرا بنوشم.)

The coffee is **so** hot **that** I can't drink it.

(او خیلی کوچک است که حالا به مدرسه برود.)

She is **too** young to go to school now.

او بقدری کوچک است که نمی تواند به مدرسه برود.

She is **so** young **that** she can't go to school.

نکته:

بنابراین باید توجه داشت که درتستهای چهار جوابی اگر **too** قبل از صفت مشاهده شود بدنبال آن مصدر بکار می رود.

و اگر **so** را با صفت مشاهده کردید بدنبالآن بلافاصله کلمه **that** بکار می رود که با یک

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

جمله (که اکثرا " منفی است ) همراه می باشد .

### نکته :

اگر بعد از صفت از کلمه ربط **and** و فاعل و فعل استفاده گردد ، کاربرد **too, so** و یا **enough** غلط است و باید از قید **very** یا **quite** استفاده گردد .

**She is.....and knows what to do.**

1-too old      2-so old      3-old enough      4-**very old=quite old**

۳- بعد از کلمه **enough** که در فارسی معادل (به اندازه کافی) میباشد . مصدر بکار میرود .  
به فرمول زیر توجه کنید .

**مصدر + enough + صفت =**

( او به اندازه کافی بزرگ شده که به مدرسه برود . )

**She is old enough to go to school now.**

( او به اندازه کافی با هوش است که درک کند ما چه می گوئیم . )

**She is clever enough to realize what we say.**

( قهوه به اندازه کافی خنک شده که بتوان آنرا نوشید . )

**The coffee is cold enough to drink.**

( به اندازه کافی سریع به آنجا رسیدیم که به آنها کمک کنیم . )

**We got there quickly enough to help them.**

توجه نمانید که (قید حالت قبل از **enough**) است .

نتیجه اینکه کلمه **enough** همیشه بعد از صفت یا قید حالت بکار می رود .

### نکته :

از جملات فوق نتیجه میگیریم که کلمه **too** جنبه منفی و کلمه **enough** جنبه مثبت دارد .  
یعنی وقتی که از **too** استفاده میشود انجام (مصدر بکار برده شده در جمله) مشکل بوده ،  
در حالیکه وقتی از **enough** استفاده می شود، انجام (مصدر بکار برده شده در جمله) ساده و آسان میگردد .

در حقیقت آنها بر عکس یکدیگر بکار می روند .

( هوا بقدری سرد بود که نمی توانستیم بیرون برویم . )

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**1/It was too cold to go out.**

**2/It was so cold that we couldn't go out.**

(به اندازه کافی هوا گرم شده که بیرون برویم.)

**It was warm enough to go out.**

بعد از کلمه **enough** می توان از اسم نیز استفاده کرد در این حالت نیز بعد از اسم شکل فعل بصورت مصدر است.

(من وقت کافی ندارم که آن را کامل انجام دهم.)

**I have not enough time to do it properly.**

مصدر اسم

**نکته:**

بعد از حرف اضافه **as** در فرمول زیر از مصدر استفاده می شود.

**=So+ مصدر + as + صفت (یا قید)**

(او بقدری احمق بود که بچه هارا کتک زد.)

**He was so foolish as to hit the children.**

مصدر صفت

(او بقدری بی ادبانه صحبت کرد که همه را ناراحت کرد.)

**He spoke so impolitely as to annoy everybody.**

مصدر قید

همچنین گاهی می توان از مصدر بجای فاعل یا (مسندالیه) در جمله استفاده کرد.  
(صحبت کردن انگلیسی احتیاج به تمرین دارد.)

**To speak English needs practice.**

(اطاعت از قوانین وظیفه هر فردی است.)

**To obey the laws is very one's duty.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## کاربرد Such

کلمه such به معنی (چنین) صفت است و همیشه قبل از اسم یا اسم همراه با صفت بکار می رود.

(such بدون اسم کاربردی ندارد.)

Such a با اسم مفرد و یا با اسم مفرد همراه با صفت بکار می رود، در حالیکه such با اسم جمع و یا با اسم جمع همراه با صفت بکار می رود.

=Such a + اسم مفرد

=such a + صفت + اسم مفرد

=Such + اسم غیر قابل شمارش یا اسم قابل شمارش جمع + صفت

=Such + اسم غیر قابل شمارش یا اسم قابل شمارش جمع

(من تا کنون چنین بچه ای ندیده ام.)

I have never seen **such a child**.

اسم مفرد

(من تا کنون چنین منظره زیبایی ندیده ام.)

I have never seen **such a beautiful view**.

اسم صفت

(من تحمل شنیدن چنین چیزها را ندارم.)

I can not stand hearing **such things**.

اسم جمع

(او تا کنون چنین گلهای زیبایی نخریده است.)

He has never bought **such beautiful flower**.

اسم جمع صفت

(چنین روزی بود که بسختی می توانم آنرا فراموش کنم.)

It was **such a day** that I can **hardly forget it**.

اسم جمع صفت

### نکته:

Such as در معنی (از قبیل - مثل) در دو شکل زیر بکار می رود.

(مردمانی اینچنین - افرادی مثل اینها - افرادی از قبیل اینها.)

**People such as these = Such people as these**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

اسم

اسم

**نکته:**

بعد از **such as** اگر فعل قرار گیرد بصورت مصدر است .  
(بیماریش آنطور نیست که نگرانی و دلواپسی ایجاد کند.)

**His illness is not such as to cause anxiety.**

مصدر

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## Question Tag

Question Tag سئوالی است که دنباله جمله قرار می گیرد.

سئوال (منفی) , جمله (مثبت) + فاعل =

(او دارد مینویسد، اینطور نیست؟)

**He is writing, isn't he?**

(او خوب می تواند بخواند، اینطور نیست؟)

**He can read well, can't he?**

(آنها کلیه این لغات را فراموش کرده اند، اینطور نیست؟)

**They have forgotten all these words, haven't they?**

(آنها دارند می آیند اینجا، اینطور نیست؟)

**They are coming here, aren't they?**

(او به کودکانستان می رود ، اینطور نیست؟)

**He goes to a kindergarten, doesn't he?**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## تبدیل فعل به اسم

بعضی از افعال با گرفتن پسوند **ion** تبدیل به اسم می شوند .

فعل	▶	اسم
revise	تجدید نظر کردن	revision تجدید نظر
object	اعتراض کردن	objection اعتراض
correct	تصحیح کردن	correction تصحیح
express	بیان کردن	expression بیان
invent	اختراع کردن	invention اختراع
connect	ارتباط دادن	connection ارتباط
attend to	توجه کردن	attention توجه
permit	اجازه دادن	permission اجازه
congratulate	تبریک گفتن	congratulation تبریک
divide	تقسیم کردن	division تقسیم
provide	فراهم کردن	provision فراهم
destroy	نابود کردن	destruction نابود
describe	توصیف کردن	description توصیف
elect	انتخاب کردن	election انتخاب
select	انتخاب کردن	selection انتخاب
protect	محافظت کردن	protection محافظت
introduce	معرفی کردن	introduction معرفی
suggest	پیشنهاد کردن	suggestion پیشنهاد
act	عمل کردن	action عمل
omit	حذف کردن	omission حذف
produce	بوجود آوردن	production وجود
educate	تعلیم دادن	education تعلیم



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

direct	دستور دادن	direction	دستور
imitate	تقلید کردن	imitation	تقلید
suspect	به گمان شدن	suspicion	گمان
decide	تصمیم گرفتن	decision	تصمیم
explode	منفجر شدن	explosion	انفجار

تعداد کمی از افعال **ition** میگیرند و به اسم تبدیل می شوند و بعضی با **ation** تبدیل میشوند

فعل		اسم	
add	افزودن	addition	افزون
compose	درست کردن	composition	درست
compete	رقابت کردن	competition	رقیب
oppose	مخالفت کردن	opposition	مخالف
inform	اطلاع دادن	information	اطلاع
explain	توضیح دادن	explanation	توضیح
prepare	تهیه کردن	preparation	تهیه
satisfy	راضی کردن	satisfaction	راضی
admire	تحسین کردن	admiration	تحسین
organize	تشکیل دادن	organization	تشکیل
civilize	تمدن دادن	civilization	تمدن
converse	مکالمه کردن	conversation	مکالمه
pronounce	تلفظ کردن	pronunciation	تلفظ
combine	ترکیب کردن	combination	ترکیب
imagine	تصور کردن	imagination	تصور
invite	دعوت کردن	invitation	دعوت

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## پیشوند و پسوند PREFIX and SUFFIX

پیشوند و پسوند کلماتی هستند که به اول یا آخر لغات اضافه شده و تغییراتی در معانی آن ایجاد می کند که به ترتیب مهمترین آنها را که در زبان انگلیسی کار برد دارند تشریح میگردد .

### الف - پیشوند ها :

پیشوند کلمه ایست که به اول لغتی اضافه شده و معنی آنرا تغییر می دهد . مهمترین پیشوند ها که موارد استفاده آنها بیشتر است عبارتند از :

#### ۱ - پیشوند هایی که کلمات را به فعل تبدیل می کنند .

این پیشوند ها عبارتند از em-en که برای هر کدام چند نمونه آورده می شود .

#### (en ► پیشوند)

Chain	زنجیر	enchain	زنجیر کردن
courage	جرات آموزی-دلیری	encourage	تشویق کردن-جرات دادن
large	بزرگ	enlarge	بزرگ کردن
able	قادر	enable	قادر ساختن

#### (em ► پیشوند)

boss	رئیس	emboss	برجسته کردن
power	نیرو-قدرت جرات	empower	نیرو دادن-اختیار کردن
brace	بند-بست	embrace	در آغوش کشیدن-بغل کردن

#### ۲ - پیشوند هایی که کلمات را منفی می کنند یا پیشوند های منفی ساز

این پیشوند ها کلمات را منفی می کنند که مهمترین آنها عبارتند از :

il -ir -im -mis -un- dis که برای هر کدام چند نمونه آورده می شود.

appear	ظاهر شدن -نمیان شدن	disappear	ناپدید شدن
honest	درست -با شرف	dishonest	نادرست -بی شرف
agree	موافق بودن	disagree	مخالف -عدم توافق
agreement	موافقت -توافق	disagreement	مخالفت -عدم توافق
arm	مسلح کردن	disarm	خلع سلاح کردن

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

obey	اطاعت کردن	disobey	سر پیچی کردن
<b>(پیشوند (un</b>			
believable	باور کردنی	unbelievable	باور نکردنی
kind	مهربان	unkind	نا مهربان
known	شناخته مشهور	unknown	نا شناخته گمنام
lucky	خوشبخت خوش شانس	unlucky	بد بخت بد شانس
fortunately	خوشبختانه	unfortunately	بد بختانه
acceptable	قابل قبول	unacceptable	غیر قابل قبول
comfortable	راحت	uncomfortable	نا راحت
<b>(پیشوند (mis</b>			
guide	راهنمایی کردن	misguide	منحرف کردن گمراه کردن
understand	فهمیدن درست فهمیدن	misunderstand	سوء تفاهم
manage	اداره کردن	mismanage	بد اداره کردن
trustful	مطمئن	mistrustful	بد گمان - ظنین
lead	هدایت کردن	mislead	گمراه کردن
<b>(پیشوند (in</b>			
accurate	صحیح - درست	inaccurate	غلط - نا درست
capable	قادر - توانا - لایق	incapable	نا توان - نا لایق
sufficient	کافی - بس	insufficient	ناقص - غیر کافی
complete	کامل	incomplete	ناقص
dependent	وابسته	independent	مستقل
<b>(پیشوند (im</b>			
possible	ممکن	impossible	غیر ممکن
mortal	فنا پذیر - فانی	immortal	فنا ناپذیر - جاوید
perfect	کامل	imperfect	ناقص
patient	صبوری - بردبار	impatient	بی صبر - بی قرار

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**(ir) ► (پیشوند)**

relevant	مناسب-مربوط	irrelevant	نا مناسب - نا مربوط
regular	مرتب - با قاعده	irregular	نا مرتب - بی قاعده
responsible	مسئول	irresponsible	غیر مسئول - بی مسئولیت

**(il) ► (پیشوند)**

legal	قانونی - مشروع	illegal	غیر قانونی - نا مشروع
literate	با سواد	illiterate	بی سواد
licit	مجاز - مشروع	illicit	غیر مجاز - ممنوع - قاچاق

**ب- پسوند:**

پسوند مجموعه ای از چند حرف است که بعد از کلمه ای قرار گرفته و معنی آن کلمه را به کلی تغییر می دهد که انواع مهمترین آنها مورد مطالعه قرار می گیرند .

۱- پسوند هایی که به آخر فعل اضافه می شوند و اسم را تشکیل می دهند .

مهمترین این پسوند ها عبارتند از: y- ing- al- ence-ance- tion- ation- ment-

**(ment) ► (پسوند)**

**فعل ► اسم**

state	بیان کردن - اظهار کردن	statement	بیان - اظهار
arrange	مرتب کردن - ترتیب دادن	arrangement	ترتیب
arrest	دستگیر کردن - بازداشت کردن	arrestment	دستگیری - بازداشت
invest	سرمایه گذاری کردن	investment	سرمایه گذاری
improve	اصلاح کردن - آباد کردن	improvement	اصلاح - آبادی
move	حرکت کردن	movement	حرکت - جنبش

**(ation) ► (پسوند)**

examine	امتحان کردن - آزمایش کردن	examination	امتحان - آزمایش
conceder	ملاحظه کردن - بررسی کردن	consideration	ملاحظه - بررسی
inform	اطلاع دادن	information	اطلاعات

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**( tion ) ▶ (یسوند)**

invent کردن	اختراع	invention	اختراع
protect محافظت کردن	محافظت	protection	حفاظت
translate ترجمه کردن	ترجمه	transplantation	ترجمه
describe ترجمه کردن	ترجمه	description	توضیح-تشریح-شرح

**( ance ) ▶ (یسوند)**

connive کردن-چشم پوشی کردن	اغماض-چشم پوشی	connivance	اغماض-چشم پوشی
appear ظاهر شدن-نمایان شدن	ظاهر-ظهور	appearance	ظاهر-ظهور
assure اطمینان دادن	اطمینان	assurance	اطمینان

**( ence ) ▶ (یسوند)**

exist وجود داشتن	وجود-هستی	existence	وجود-هستی
refer رجوع کردن-مراجعه کردن	رجوع-مرجع	reference	رجوع-مرجع
differ فرق داشتن	فرق-اختلاف	difference	فرق-اختلاف
insist اصرار کردن-پافشاری کردن	اصرار-پافشاری	insistence	اصرار-پافشاری

**( al ) ▶ (یسوند)**

array به صف کردن-آراستن	صف آرائی	arrayal	صف آرائی
arrive وارد شدن-رسیدن	ورود	arrival	ورود
propose پیشنهاد کردن	پیشنهاد	proposal	پیشنهاد
approve موافقت کردن-تصویب کردن	موافقت-تصویب	approval	موافقت-تصویب

**( ing ) ▶ (یسوند)**

build ساختن	ساختن	building	ساختن
begin شروع کردن-آغاز کردن	شروع-آغاز-ابتدا	beginning	شروع-آغاز-ابتدا
fasten بستن-محکم کردن	چفت و بست	fastening	چفت و بست
Happen اتفاق افتادن	اتفاق	happening	اتفاق

**( y ) ▶ (یسوند)**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

متحد کردن - متحد شدن	unity	اتحاد - همبستگی
discover کردن	discovery	کشف - اکتشاف

۲- پسوند هایی که صفت را تبدیل به اسم می نمایند .  
مهمترین این پسوند ها عبارتند از: dom-ity-hood-ship-ness که نمونه ای چند از آنها را فرا می گیرید .

صفت	▶	اسم
blind کور بی بصیرت		blindness کوری بی بصیرتی
faint ضعیف ناتوان		faintness ضعف ناتوانی
white سفید		whiteness سفیدی
fat چاق		fatness چاقی فر بهی - تصویب
hard سخت		hardship سختی - مشقت
false مصنوعی - تقلبی دروغی		falsehood کذب - دروغ
maiden باکره - دوشیزه		maidenhood بکارت - دوشیزگی
Timid ترسو - کمرو		timidity ترسوئی - کمروئی
scarce کمیاب - نادر		scarcity کمیابی - کمبود
torpid سست بی حس		torpidity سستی بی حس
free آزادها		freedom آزادی - رهایی
wise عاقل		wisdom عقل

۳- پسوند هایی که ریشه آن اسم است و اسم را تبدیل به اسم دیگری می کنند که اکثراً " اسم عامل را تبدیل به اسم معنی می کنند .

مهمترین آنها عبارتند از: ist-dom-ship-hood: که برای هر کدام مثالی زده شده است .

اسم	▶	اسم جدید
neighbor همسایه		neighborhood همسایگی
child بچه		childhood بچگی
man مرد		manhood مردی - مردانگی
member عضو		membershhip عضویت
leader رهبر پیشوا		leadership رهبری

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

citizen تابع شهروند	citizenship تابعیت- شهروندی
friend دوست	friendship دوستی
king پادشاه	kingdom پادشاهی
botany گیاه شناسی	botanist گیاه شناس
geology زمین شناسی	geologist زمین شناس
biology زیست شناسی	biologist زیست شناس
psychology روان شناسی	psychologist روان شناس

۴-پسوند هایی که اسم را تبدیل به صفت می نمایند .

مهمترین این پسوند ها عبارتند از: able-ful-like-ish-some-less که برای هر کدام مثالی آورده می شود .

اسم	صفت
faith وفا- اعتقاد	faithless بی وفا- بی دین
care توجه- دقت	careless بی توجه- بی دقت
hope امید	hopeless نا امید
sense حس	senseless بی حس
child بچه- فرزند	childless بی بچه- بی فرزند
trouble زحمت- در دسر	troublesome پر زحمت- مزاحم
child بچه	childish بچگانه
fool احمق- نادان	foolish احمق- نادان
sense حس	sensible حساس- محسوس
man مرد	manlike مردانه
law قانون	lawful قانونی
care توجه- دقت	careful با دقت
doubt شک- تردید	doubtful مشکوک- مردد
faith وفا- اعتقاد	faithful با وفا- وفا دار- معتقد
comfort راحتی- آسودگی	comfortable راحت- آسوده

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**۵- پسوند هایی که فعل را تبدیل به صفت می کنند .**

مهمترین آنها عبارتند از : **ive – able –less** که مثالی برای هر کدام آورده شده است .

<u>فعل</u>	▶	<u>صفت</u>
rest استراحت کرنن – آرام گرفتن		restless بی قرار – بی تاب
tire خسته کردن – خسته شدن		tireless خستگی نا پذیر
fear ترسیدن		fearless شجاع – ترس
amend اصلاح کردن		amendable اصلاح پذیر
read خواندن		readable خواندنی – قابل توجه
change عوض کردن – تغییر دادن		changeable تغییر پذیر – قابل تغییر
eat خوردن		eatable قابل خوردن – خوردنی
aggress تجاوز و تعرض کردن		aggressive تجاوز کار – متجاوز
except استثناء کردن – مستثنی کردن		exceptive استثنائی
act عمل کردن		active فعال

**۶- پسوند هایی که فعل را تبدیل به اسم فاعل می کنند .**

مهمترین این پسوند ها عبارتند از : **or –er** که برای هر کدام چند مثال آورده شده است .

<u>فعل</u>	▶	<u>اسم فاعل</u>
play بازی کردن		player بازیکن
vanquish غلبه کردن – پیروز شدن		vanquisher غالب پیروز
lecture سخنرانی کردن		lecturer سخنران – ناطق
torture شکنجه دادن		torturer شکنجه گر – شکنجه دهنده
violate تجاوز کردن – غصب کردن		violator متجاوز – غاصب
translate ترجمه کردن		translator مترجم
ventilate تهویه کردن		ventilator هواکش – دستگاه تهویه
valuate ارزیابی کردن – قیمت گذاری کردن		valuator ارزیاب – قیمت گذار



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**۷- پسوند هایی که صفت را تبدیل به فعل می نمایند .**

مهمترین این پسوند ها عبارتند از: **ify-en-ize** که برای هر کدام مثالی آورده شده است .

<u>صفت</u>	▶	<u>فعل</u>
legal قانونی-مشروع		legalize قانونی کردن-مشروع کردن
familiar آشنا		familiarize آشنا کردن
rational عقلانی-منطقی		rationalize با منطق تعبیر کردن
short کوتاه		shorten کوتاه کردن
loose شل-گشاد		loosen شل کردن-گشاد کردن
fast تند-محکم-سفت		fasten بستن-محکم کردن
less کمتر		lessen کمتر کردن-کمتر شدن
tight سفت-محکم		tighten سفت کردن-محکم کردن
intense شدید		intensify شدید کردن-تشدید کردن

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

## **مترادف- متضاد SYNONYM and ANTONYM**

### **کلمات مترادف :**

کلماتی هستند که از لحاظ شکل با یکدیگر متفاوت بوده ولی از نظر معنی با یکدیگر برابر و شبیه هستند .

### **کلمات متضاد :**

کلماتی هستند که از نظر معنی و مفهوم ضد و مخالف یکدیگر هستند .

از آنجا که در سئوالات زبانی انگلیسی کنکور بطور معمول چند سوال در مورد لغات مترادف و متضاد مطرح می گردد تعدادی از مهمترین کلمات که کاربرد آنها در زبان انگلیسی بیشتر بوده و اکثرا" مورد سوال واقع می گردند ،انتخاب شده که بترتیب حروف الفباء از نظرتان می گذرد .

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

معنی	متضاد	معنی	مترادف	لغت
زیر	below	بالای	over	Above
حاضر	present	غایب	away	absent
نا توان	unable	قادر - توانا	capable	able
متوجه - حواس جمع	attentive	فراموشکار - حواس پرت	forgetful	absent-minded
کم - ناچیز - کمیاب	scarce=rare	فراوان - زیاد	plentiful	abundant
-	-	بر طبق - طبق	accordance with	according to
مصنوعی - مجازی	virtual=unreal (untrue=artificial)	واقعی حقیقی	real=true	actual
-	-	تقریباً	nearly	almost
مرده - بی جان	dead	زنده - جاندار	living	alive
عذغن کردن	forbid=prohibit	اجازه دادن	let=permit	allow
با هم - با یکدیگر	together	تنها - بی کس	lonely	alone
-	-	سرگرم کردن	entertain	amuse
کسل کننده	tedious=boring	سرگرم کننده	entertaining	amusing
خسته کننده	tiresome=tiring	سرگرم کننده	entertaining	amusing
جدید - نو	new, modern	کهنه - باستانی - قدیمی	old, historical	ancient
سئوال کردن - سئوال	ask, question	پاسخ دادن - جواب دادن - جواب	reply	answer
قبول نکردن - رد کردن	reject=refuse	تائید و تصویب کردن	confirm	approve
امتناع کردن - نپذیرفتن	-	تقریباً	nearly=almost	approximately
-	-	بحث - تبادل نظر	discussion	argument
مرخص کردن - رها کردن	release	دستگیر کردن - گرفتن	catch, capture	arrest
واقعی - حقیقی	real - true - actual	مصنوعی - غیر واقعی	unreal	artificial
-	-	کمک کردن - مساعدت کردن	help, aid	assist
خوب	good	بد - شرور	wicked, evil	bad
صلح	peace	جنگ	war	battle
زشت	ugly	زیبا - قشنگ	pretty, nice	beautiful
پایان یافتن - خاتمه دادن	end	شروع کردن - شروع شدن	start	begin
ضرر زیان	lose	سود - فایده - استفاده	profit, interest	benefit
کوچک	small	بزرگ	large	big
ترسو	timid	شجاع	brave	bold
آزاد	free	گرفتار - مشغول	engaged	busy
فروختن	sell	خریدن	purchase	buy
بی دقت	careless	مراقب - با دقت	watchful	careful

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

<b>captivate</b>	<b>fascinate</b>	شگفتن - مجذوب کردن	<b>repulse</b>	دفع کردن
<b>cheap</b>	<b>inexpensive</b>	ارزان	<b>expensive=dear</b>	گران
	<b>معنی</b>	<b>متضاد</b>	<b>معنی</b>	<b>لغت</b>
<b>cheat</b>	<b>deceive</b>	گول زدن - تقلب کردن	<b>guide</b>	راهنمایی کردن
<b>compulsory</b>	<b>obligatory</b>	اجباری	<b>voluntary</b>	اختیاری
<b>conquer</b>	<b>overcome</b>	غلبه کردن - پیروز شدن	<b>surrender</b>	تسلیم شدن
<b>correct</b>	<b>accurate</b>	صحیح - درست	<b>wrong =inaccurate</b>	غلط - نا درست
<b>crazy</b>	<b>mad</b>	دیوانه	<b>sane -wise</b>	سالم - عاقل
<b>curious(1)</b>	<b>inquisitive</b>	کنجکاو	<b>indifferent</b>	بی تفاوت
<b>curious(2)</b>	<b>odd, unusual</b>	عجیب - غیر عادی	<b>common</b>	عادی - معمولی
<b>dark</b>	<b>black</b>	تاریک	<b>light</b>	روشن
<b>decide</b>	<b>make a decision</b>	تصمیم گرفتن	-	-
<b>desperate</b>	<b>disappointed</b>	نا امید - مایوس	<b>hopeful</b>	امیدوار
<b>destroy</b>	<b>demolish</b>	ویران کردن - نابود کردن	<b>create, build</b>	ساختن - ایجاد کردن
<b>difficult</b>	<b>hard</b>	مشکل - سخت	<b>easy</b>	آسان
<b>dirty</b>	<b>filthy</b>	کثیف	<b>clean</b>	تمیز
<b>disappear</b>	<b>vanish</b>	نا پدید شدن	<b>appear</b>	ظاهر شدن
<b>dislike</b>	<b>hate</b>	تنفر داشتن - متنفر بودن	<b>like, love</b>	دوست داشتن
<b>district</b>	<b>area, region</b>	منطقه	-	-
<b>educated</b>	<b>literate</b>	با سواد	<b>illiterate-uneducated</b>	بی سواد
<b>elect</b>	<b>choose=pick out</b>	انتخاب کردن	-	-
<b>enemy</b>	<b>foe</b>	دشمن	<b>friend, ally</b>	دوست
<b>enormous</b>	<b>huge, immense</b>	زیاد - فراوان - بزرگ	<b>insufficient</b>	غیر کافی - کم
<b>error</b>	<b>mistake</b>	اشتباه - غلط	<b>right, truth, correct</b>	صحیح - حقیقت
<b>expert</b>	<b>specialist-experienced</b>	متخصص - ماهر	<b>inexperienced</b>	بی تجربه - ناوارد
<b>fable</b>	<b>myth, tale</b>	افسانه - داستان	<b>fact</b>	درست - راست - حقیقت
<b>fertile</b>	<b>fecund</b>	حاصلخیز - پر برکت	<b>barren</b>	لم بزرع
<b>fair</b>	<b>just</b>	عادل - منصف	<b>unjust-cruel</b>	غیر عادلانه - بی عدالت - ظالم
<b>famous</b>	<b>known, famed</b>	مشهور - نامی	<b>unknown</b>	ناشناخته - گمنام
<b>fresh</b>	<b>new</b>	تازه	<b>old</b>	کهنه - قدیمی
<b>gain</b>	<b>get, obtain</b>	بدست آوردن	<b>lose, miss</b>	از دست دادن
<b>glad</b>	<b>happy, cheerful</b>	مسرور - خوشحال	<b>sad, sorry</b>	غمگین - ناراحت
<b>harmful</b>	<b>hurtful</b>	مضر - زیان آور	<b>useful</b>	مفید - بی ضرر
<b>have</b>	<b>own, posses</b>	داشتن - مالک بودن	<b>need</b>	احتیاج داشتن
<b>healthy</b>	<b>sound</b>	سالم - تندرست	<b>ill, sick</b>	مریض - بیمار

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

معنی	متضاد	معنی	مترادف	لغت
سرما - پروت	cold	گرما - حرارت	warmth	heat
سبک	light	سنگین	weighty	heavy
خشک	dry	مرطوب - نم دار	wet-moist	humid
با ادب	polite- gentle	بی ادب	rude	impolite
صحیح	correct - accurate	غلط - نا صحیح	wrong	inaccurate
پائین آمدن - کم شدن	decrease	افزایش یافتن	enlarge	increase
خنگ - کودن	dull, stupid	با هوش - تیز هوش	discerning- smart	intelligent
کند	blunt	تیز - تند	sharp	keen
نا مهربان	unkind	مهربان - رئوف	affectionate	kind
اولین	first	آخرین	final	last
زرنگ - ساعی - کوشا	industrious	تنبلی	sluggish	lazy
مانع شدن - باز داشتن	stop , prevent	اجازه دادن	allow - permit	let
تاریک	dark	روشن - پر نور	bright	light
پیدا کردن	find	گم کردن - از دست دادن	miss	lose
بد بخت - بد شانس	unfortunate	خوشبخت - خوش شانس	fortunate	lucky
طلاق گرفتن	divorce	ازدواج کردن	wed	marry
سخاوتمند - بخشنده	generous	خسیس - لئیم - کنس	stingy	mean
شقاوت - بی رحمی	harshness	رحم - ترحم	pity	mercy
جدا کردن	separate	مخلوط کردن	mingle	mix
کمتر	less	بیشتر - زیاد تر	further	more
با لباس - پوشیده	clothed	برهنه - لخت	bare	naked
غیر لازم	not needed	لازم - ملزوم - ضروری	essential	necessary
کثیف	dirty	پاکیزه - پاک	clean	neat
سر پیچی و نا فرمانی کردن	disobey	اطاعت کردن	comply	obey
میهم	obscure	واضح - روشن	apparent , clear	obvious
برزخ - جهنم	hell	بهشت	heaven	paradise
عمومی - کلی	general	مخصوص - خاص	special	particular
شهری - اهل شهر	townsman - citizen	روستایی - دهاتی	villager	peasant
درد - رنج - ناراحتی	pain	لذت - شادی	enjoyment = joy	pleasure
ضعف - سستی	weakness	نیرو - قدرت	strength , force	power
بی ارزش - بی قیمت	worthless	با ارزش - قیمتی	valuable	precious
قطعا - مسلما	certainly	احتمالا	likely	probably
متواضع - فروتن	humble	مغرور - متکبر	arrogant	proud
خصوصی - شخصی	private	عمومی	general	public
عادی	ordinary	عجیب - غریب	strange	queer

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

rapidly	<b>quickly , fast</b>	تند - با سرعت - سریع	<b>slowly</b>	اهسته - باهستگی
raw	<b>uncooked</b>	خام - نپخته	<b>cooked</b>	پخته
refuse	<b>reject , decline</b>	قبول نکردن - امتناع کردن	<b>accept</b>	قبول کردن - پذیرفتن
	<b>لغت</b>	<b>معنی</b>	<b>متضاد</b>	<b>معنی</b>
remain	<b>stay</b>	ماندن - باقی ماندن	<b>leave</b>	ترک کردن
remember	<b>recollect, recall</b>	بخاطر آوردن	<b>forget</b>	فراموش کردن
revenge	<b>avenge</b>	انتقام گرفتن	<b>forgive</b>	عفو کردن - بخشیدن
revolve	<b>go round - circle</b>	چرخیدن	<b>fix</b>	ثابت ماندن
reward	<b>prize</b>	جایزه	-	-
reveal	<b>disclose</b>	افشا کردن - فاش کردن	<b>conceal , hide</b>	مخفی کردن
rival	<b>competitor</b>	رقیب	<b>friend - ally</b>	دوست
same	<b>similar</b>	شبيهه - مثل هم	<b>different</b>	مختلف - متفاوت
shade	<b>shadow</b>	سایه	<b>light</b>	روشن - نور
silent	<b>quiet , still</b>	ساکت - آرام	<b>noisy</b>	شلوغ - پر سرو صدا
sorrow	<b>grief</b>	غم - غصه	<b>joy</b>	شادی - شغف - نشاط
suit	<b>match , fit</b>	مناسب بودن	<b>misfit</b>	مناسب نبودن - نخوردن
talkative	<b>garrulous</b>	پر حرف - حراف	<b>taciturn</b>	کم حرف
teacher	<b>instructor</b>	معلم - مربی	<b>student , pupil</b>	دانشجو - محصل
terrible	<b>dreadful=awful</b>	وحشتناک - خیلی بد	<b>ordinary</b>	عادی - معمولی - خوب
testimony	<b>witness , evidence</b>	گواهی - شهادت - مدرک	-	-
thick	<b>condensed</b>	ضخیم - کلفت	<b>thin</b>	باریک - کم قطر
tight	<b>firm</b>	سفت - محکم	<b>loose</b>	شل
timid	<b>cowardly , shy</b>	ترسو	<b>bold , brave</b>	شجاع - نترس
tiresome	<b>t tedious - tiring</b>	خسته کننده - کسل کننده	<b>pleasant , interesting</b>	جالب
top	<b>summit , peak</b>	قله - نوک - بالای	<b>bottom</b>	ته - پائین
travel	<b>take a trip</b>	سفر کردن - مسافرت کردن	<b>settle</b>	ساکن شدن
trust	<b>have confidence in</b>	اعتماد کردن به	<b>distrust</b>	اعتماد نکردن به
vale	<b>valley</b>	دره	<b>hill</b>	تپه
vast	<b>wide</b>	عریض - پهن	<b>narrow</b>	باریک
victory	<b>conquest</b>	پیروزی	<b>defeat</b>	شکست
walk	<b>take a walk</b>	قدم زدن	<b>run</b>	دویدن
weak	<b>faint</b>	ضعیف	<b>strong</b>	قوی
willing	<b>eager</b>	مایل - علاقه مند	<b>loath</b>	بی علاقه - بی میل
young	<b>youthful</b>	جوان	<b>old</b>	پیر

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

نکته های خاص و اصطلاحات

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

A  
A



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **abr** \*\*\*\*\*

قبل از کلمه **abroad** (خارج - برون مرز) هرگز از حرف اضافه استفاده نمی گردد .  
(او سال گذشته به خارج رفت .)

He went **abroad** last year.

(دوستم در خارج است(در خارج از کشور است .)

My friend is **abroad**.

\*\*\*\*\* **ach** \*\*\*\*\*

Ache (درد) در ترکیب فقط با کلمات: **Belly- Ear- Heart- Tooth -Face**  
**Head- Stomach** بکار میرود. در موارد دیگر از کلمه (درد) **Pain** استفاده میشود.

I suffer from **headaches**.

I feel a **pain** in my leg.

\*\*\*\*\* **adv** \*\*\*\*\*

AD صورت کوتاه شده **Advertisement** (تبلیغات) است و بیشتر در گفتار و نوشتار  
برای این کلمه بصورت اختصار **AD** می آید.

\*\*\*\*\* **aff** \*\*\*\*\*

به واژه های **advice-advise-effect-affect** خوب توجه نمایید .  
**Affect** و **advise** هر دو فعل هستند و به ترتیب معنی (تاثیر کردن) و (نصیحت کردن) را  
می دهند. در حالیکه **effect** و **advice** هر دو اسم هستند و بترتیب معنی (اثر- تاثیر) و  
(پند و نصیحت) را می دهند.  
{دارو فوراً روی او تاثیر گذاشت (تاثیر کرد) } .

The medicine **affected** him quickly.

(او بزودی تاثیر دارو را احساس کرد .)

He soon felt the **effect** of the medicine.

(او مرا نصیحت کرد که آنگونه رفتار نکنم .)

He **advised** me not to behave like that.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(نصیحت تو باعث شد که من از امتحان قبول شوم .)

**Your advice made me pass the examination.**

\*\*\*\*\* **afr** \*\*\*\*\*

Afraid (ترس) را نمی توان به صورت صفت قبل از اسم بکار برد ، پس : **غلط** است بگوئیم :

(ترسید دختر. **The Afraid Girl**)

لذاباید گفت: { دختر ترسیده است . (یا) دختر وحشت کرده . }

**The girl is afraid.** (یا) **The frightened girl.**

\*\*\*\*\* **agr** \*\*\*\*\*

وقتی کسی با دیگری موافق (agree) است میگوید:

**I agree with you.** یا **I agree.**

ولی هیچوقت **نمی گوید** :

**I am agree with you.**

همچنین اگر کسی با دیگری موافق **نباشد** می گوید :

**I don't agree with you**

**I disagree with you.**

ولی **نمی گوید**:

**I am not agree with you .**

\*\*\*\*\* **ali** \*\*\*\*\*

Alive (زنده بودن) را **نمی توان** به صورت صفت قبل از اسم بکار برد ، بنابراین

**The alive fish.** **غلط** است بگوئیم:

**The fish is alive.** بلکه باید گفت:

\*\*\*\*\* **all** \*\*\*\*\*

All و Every (همه - هر) هم معنا هستند. ولی **all** با صورت جمع اسم بکار می رود.

(همه شهر ها دفتر پست دارند .)

**All towns have post office.**

every با صورت مفرد اسم بکار می رود .

( دفتر پست در هر شهر هست . )

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Every town has post office.**

همچنین در جملات منفی **Not all** با صورت جمع اسم بکار میرود.  
(همه دهکده ها بیمارستان ندارند.)

**Not all villages have hospital.**

و **not every** با صورت مفرد اسم بکار می رود.  
(بیمارستان در هر دهکده نیست.)

**Not every village has hospital.**

\*\*\*\*\* **all** \*\*\*\*\*

در بعضی جاها میتوان گفت **all the = the whole**

**All** هم صفت است و هم ضمیر. یعنی هم قبل از اسم بکار می رود و هم به عنوان فاعل جمله بکار می رود. مثال:

(تمام پول ها خرج شده.) در اینجا **all** در نقش **صفت** است.

**All the money is spent.**

(همه آنها به اینجا آمدند.) در اینجا **all** در نقش **ضمیر** است.

**All of them came here.**

**The whole** اشاره به تمام یک چیز می کند و در نقش صفت و اسم بکار می رود.  
(ما تمام شهر را دنبال بچه گم شده گشتیم.)

We searched **the whole** city for the lose child.

**صفت**

(تمام دیوار ها کثیف است.)

**The whole** wall was dirty.

**اسم**

ولی باید توجه داشت که **On the whole** معنی (رویهرفته) را می دهد.

(رویهرفته تصمیم خوبی گرفته.)

**On the whole**, he has made a good decision.

\*\*\*\*\* **als** \*\*\*\*\*

**Also** و **too** معنی (همچنین) در جملات مثبت بکار برده می شوند. اولی آخر جمله و دومی وسط جمله می آید.

(او خیلی مشغول است.)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**He is busy too.**

**He is also busy.**

اما too بمعنی (خیلی) قبل از صفاتی قرار می گیرد که بعد از آن صفات یک مصدر باشد و مفهوم این مصدر منفی است .  
(هوا خیلی گرم است نمیتوان بیرون رفت.)

**It is too hot to go out.**

(او خیلی کوچک است نمی تواند مدرسه را هنوز شروع کند.)

**He is too small to begin the school.**

بنابراین بجای جمله شماریک زیر می توانیم از جمله شماره دو استفاده کنیم .

**1/I am very tired. I can't run.**

**2/I am too tired to run.**

اما توجه نمایند که کلمه Either بمعنی (هریک - یکی از دو تا - هرگز - نه...نه - اصلاً نه - همچنین) در آخر جمله منفی می آید .  
(هرگز /همچنین/اصلاً نه /به هیچ وجه /نه...نه / او آنجا نمی رود .)

**He won't go there either.**

\*\*\*\*\* amo \*\*\*\*\*

معادل های فارسی Among و Between (بین- مابین) یکسانند .  
ولی در انگلیسی among موقعی بکار می رود که بیش از دو نفر یا دو چیز باشند.  
( او کیک را بین چهار تا بچه تقسیم کرد .)

**She divided the cake among the four children.**

در حالیکه between موقعی بکار می رود که فقط دو نفر یا دو چیز باشند.  
( او کیک را بین دو تا بچه تقسیم کرد .)

**She divided the cake between the two children.**

\*\*\*\*\* an-\*\*\*\*\*

An قبل از کلماتی می آید که با U'O'I'E'A و H (اگر غیر ملفوظ باشد). اما با بقیه حروف و نیز قبل از U (اگر /ju تلفظ شود) A می آید .

**An Apple, An hour- A university**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **and** \*\*\*\*\*

در خواندن اعداد پس از ۱۰۰ کلمه **and** اضافه می شود. مثلاً عدد ۱۲۵۵ خوانده میشود.

**One thousand two hundred and fifty five.**

همچنین دقت شود که هنگام گفتن وقت ساعت ، بین اعداد آن ازواژه **and** استفاده **نگردد** .

{لطفاً "ساعت چند است؟" (ساعت هفت و سی دقیقه است) .}

**What is the time please?"(The time is seven thirty.)"**

بنابراین اگر گفته شود (seven **and** thirty) **غلط** است .

\*\*\*\*\* **any** \*\*\*\*\*

کلمه **any** و ترکیبات مثل آن مثل **anybody, anything, anyone**, و غیره در جملات منفی و استفهامی (سئوالی) بکار برده می شوند. مانند :

(من کسی را ندیدم .)

**I didn't see anyone.**

( آیا کسی را اینجا می شناسید؟)

**Do you know anybody here?**

(در باره موسیقی چیزی می دانید؟)

**Do you know anything about music?**

\*\*\*\*\* **arr** \*\*\*\*\*

فعل **To arrive** (رسیدن - وارد شدن - آمدن - متولد شدن) دو حرف اضافه دارد .

**In** برای شهر و مکان های خیلی بزرگ و **At** برای مکان های محدود و کوچک.

{او به/ لندن /تهران /نیورک /رسید (وارد شد) .}

**He arrived in / London/Tehran/New York.**

{آنها به /سینما /مدرسه /کتابخانه/ خواهند آمد ( وارد خواهند شد) .}

**They will arrive at the/ cinema/school/Library.**

وقتی به شهری وارد می شوند می گویند : **arrive in** (رسیدن).

(هواپیما ساعت چهار به تهران رسید .)

**The plan arrives in Tehran at 4 o'clock.**

ولی وقتی به جای کوچکی وارد می شوند می گویند: **arrive at** .

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(بعد از اینکه همسرش آنجا را ترک کرده بود ،او به هتل رسید.)

**She arrived at the hotel** after her husband had left.

\*\*\*\*\* **awa** \*\*\*\*\*

**Awake** (بیدار شدن) را **نمی توان** به صورت صفت قبل از اسم بکار برد بنابراین **غلط**

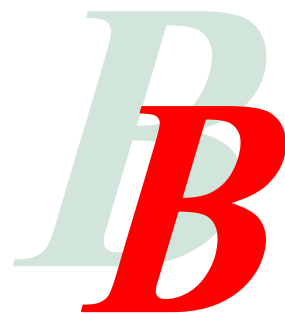
است بگوئیم:

**The awake baby** (بیدار شد بچه).

بلکه باید گفت :

**The baby is awake**. ( بچه بیدار شده است . )

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* bac \*\*\*\*\*

با توجه به اینکه bacteria (باکتری) خود صورت جمع bacterium است نمی توان آن را دوباره جمع بست وگفت: Bacterias همچنین این bacteria یا a bacteria غلط است و صورت صحیح آن: These bacteria یا a bacterium یا this bacterium است.

\*\*\*\*\* bea \*\*\*\*\*

وقتی در باره زیبایی زنان صحبت میکنند معمولا" از واژه های Beautiful و Pretty استفاده میکنند.  
(او دختر بسیار قشنگی است.)

She is very pretty girl.

(او یک خانم بسیار زیبایی است.)

She is a very beautiful woman.

وقتی در باره زیبایی مردان صحبت می کنند معمولا" واژه های: Handsome و Good-looking را بکار می برند.

He was tall, dark and handsome. (او بلند قد، مشکی و خوش تیپ بود.)

(او به او توجه داشت، زیرا او خیلی خوش سیما بود.)

She noticed him because he was very good-looking.

\*\*\*\*\* bee \*\*\*\*\*

در جمله زیر been به صورت اسم مفعول فعل to be (بودن) بکار رفته است.  
(او هرگز بیمارستان بستری نشده است.)

He has never been hospitalized.

گاهی نیز در معنای gone می توان از اسم مفعول (قسمت سوم فعل) فعل to go نیز استفاده کرد.

{من هرگز پاریس نبوده ام. (یعنی من هرگز پاریس نرفته ام.)}

I have never been to Paris.

\*\*\*\*\* bet \*\*\*\*\*



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

بدنیال **between** (بین - مابین) صورت مفعولی ضمیر **us - them - him- her-me**

می آید بنابراین : **Between you and I** غلط است و صورت صحیح آن

این است: **Between you and me.**

\*\*\*\*\* **bil** \*\*\*\*\*

**Billion** در معنای دوم یعنی یک میلیون میلیون امروز بکار می رود و معنای رایج آن همان معنای اول یعنی هزار میلیون است که فارسی به آن میلیارد می گویند.

\*\*\*\*\* **bit** \*\*\*\*\*

کلمه **Bit** (کمی - قدری - لختی) علاوه بر اینکه گذشته واژه **Bite** میباشد، معادل واژه **Piece** به معنی (تیکه، قطعه) هم می باشد. این کلمه بخودی خود معنی های فراوانی دارد.

مانند: (کمی - قدری - لختی - نه کم - دهنه اسب - واحدی در کامپیوتر)

( آیا نمی توانی / قدری / کمی / بمانی ) .

**Can't you stay for a bit?**

( کمی / قدری / لختی / دیرآمدی ! )

**You were a bit late.**

\*\*\*\*\* **bit** \*\*\*\*\*

**Bite** به معنی (گاز گرفتن) است. گذشته آن **Bit** و اسم مفعول (قسمت سوم فعل) آن **Bitten** می باشد. مثال:

( آن سگ دیروز برادرم را گاز گرفت . )

**That dog bit my brother yesterday.**

\*\*\*\*\* **bor** \*\*\*\*\*

وقتی بخواهیم بگوئیم کسی در جایی یا در تاریخی به دنیا آمده است از صورت مجهول

**To be born** استفاده می کنیم.

( من متولد سال ۱۹۵۴ هستم . )

**I was born in 195۴.**

( پدر و مادرم در آمریکا متولد شدند . )

**My parents were born in USA.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

در این کار برد صیغه گذشته فعل **to be** بکار می رود. بنابراین جملات زیر **غلط** هستند.

**I am born in 1952.**

**My parents are born in USA.**

\*\*\*\*\* **bot** \*\*\*\*\*

**Both** (هر دو-دوتا) با فعل جمع بکار می رود.

**Both children go to school.** (هر دو بچه ها به مدرسه می روند).

ولی **neither** {از دوتا(هیچکدام)- هیچیک(از دوتا)} با فعل مفرد بکار می رود.

(از دو بچه هیچکدام به مدرسه نمی رود).

**Neither child goes to school.**

\*\*\*\*\* **bre** \*\*\*\*\*

در زبان انگلیسی بعضی از اسم ها قابل شمارش نیستند و به آن ها شمار ناپذیر (uncountable) می گویند. این اسم ها را **نمی توان** جمع بست و با **a** یا **an** نیز بکار نمی روند.

از جمله این اسمها (نان) **bread** است. بنابراین **bread** و **a bread** واژه های **غلط** هستند و صورت صحیح آن:

**Some bread - A loaf of bread- A piece of bread – A slice of bread** است.

\*\*\*\*\* **bur** \*\*\*\*\*

**Burnt** و **Burned** هر دو صورت ماضی و اسم مفعول فعل **burn** (سوختن – آتش زدن) هستند و میتوانند به جای هم بکار روند.

(هیزم کاملاً در آتش سوخته بود.)

**The wood had burned completely.**

**The wood had burnt completely.**

ولی فقط **burnt** می تواند به عنوان صفت بکار رود مثلاً " در این جمله:

(این بوی سوخته نان است.)

**This is the smell of burnt toast.**

\*\*\*\*\* **by-** \*\*\*\*\*

وقتی با اتومبیل به جایی می روند می گویند: **by car** (بوسیله ماشین) مثلاً:

**I go to work by car.**

بنابراین **with car** یا **by a car** **غلط** است و باید گفت:

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**By plan - By bicycle - By buss - By boat- By train - By car -**

اما اگر پیاده به جایی می رویم باید بگوئیم (on foot) مثلا":

(من پیاده به منزل رفتم.)

I went home **on foot**.

همچنین اگر وسائط نقلیه صفت بگیرند مثل a bus یا his car از حرف اضافه in استفاده می شود مانند:

**in a train- in a taxi - in her car** ( در یک تاکسی - در ماشین او )

در بعضی از موارد هم از حرف اضافه on استفاده می شود . مانند :

**On a bicycle – On foot – On a donkey – On horseback-On a horse**

( با یک دوچرخه – با پا – با یک الاغ - بر پشت اسب – با یک اسب )

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* cal \*\*\*\*\*

**Call** (بلند صحبت کردن - صدا زدن - بانگ زدن - ندا در دادن - احضار کردن - نامیدن - فریاد زدن) وقتی با **مفعول** بکار می رود به معنی (تلفن کردن) است. همچنین گاهی به معنی (سر زدن) نیز هست. بنا براین در جمله زیر :  
(آنیتا زمانی که شما بیرون بودید، بلند صحبت می کرد.)

Anita **called** while you were out.

در این جمله مفعول مشخص نیست، لذا تشخیص مبهم است و معلوم نیست آنیتا تلفن کرده یا به آنجا سرزده است ممکن است شنونده بپرسد!  
منظور شما اینه که او/آمده اینجا / سرزده اینجا/ یا تلفن کرده ؟

**You mean she came round or she phoned?**

آنگاه باید مجدداً پاسخ داد و معنی آنرا روشن کرد. امادر جمله زیر دقیقاً "فعل تلفن کردن روشن است.  
{لطفاً امشب به من زنگ بزن (تلفن بزن).}

Please **call me** tonight.

\*\*\*\*\* cat \*\*\*\*\*

بعضی از اسمها بدون آنکه علامت جمع داشته باشند معنای جمع دارند و به آنها (اسم جمع) می گویند. **cattle** (چهار پا - گاو - گوسفند - گله - رمه - گاوها - گوسفندها) یکی از آنهاست و باید با فعل جمع بکار رود :  
(گله گاو/ رمه در حال چریدن هستند.)

The **cattle are grazing.**

نکته دیگر اینکه می توان گفت:

**Many cattle, a few cattle** ولی **نمی توان** قبل از **cattle** عدد بکار برد.  
بنا براین **three cattle غلط** است و باید گفت:

**Three head of cattle.** (سه رأس گاو)

\*\*\*\*\* cat \*\*\*\*\*

**Catch cold** دقیقاً "با **have a cold** به معنی (سرما خوردن) برابر است.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

{(من امروز سرما خورده ام.) = (من امروز سرما خوردگی دارم.)}

**I have caught cold today. = I have a cold today.**

\*\*\*\*\* cer \*\*\*\*\*

**Certain** (مطمئن - مسلم - حتمی - بدون چون و چرا) و **sure** (امن و امان - قابل اطمینان - اعتماد پذیر - اتکا پذیر - بی گمان) در بعضی از کار بردها می توانند به جای هم بکار روند.  
(من مطمئنم / اطمینان دارم / او خواهد آمد.)

**I am certain she'll come.**

**I'm sure she'll come.**

تفاوت این دو جمله در این است که **certain قطعیت** بیشتری را می رساند. اما در بعضی از کاربردها این دو کلمه نمی توانند بجای همدیگر بکار روند. مثلاً "می توان گفت :  
(مسلم / حتمی / است تعداد زیادی از مردم مُردند.)

**It is certain that many people died.**

ولی نمی توان گفت:

(قابل اطمینان / اعتماد / است تعداد زیادی از مردم مُردند.)

**It is sure that many people died.**

\*\*\*\*\* cha \*\*\*\*\*

**Chance** (بخت - اقبال - شانس - احتمال) به معنای (امکان) باشد با حرف اضافه **of** و صورت فعل **-ing** بکار می رود.  
(آیا امکان این هست که او برنده شود؟)

**Dose he has any chance of wining?**

اما وقتی **chance** به معنای (فرصت) باشد با حرف اضافه **for** بکار می رود.  
(من در انتظار فرصتی هستم تا با رئیس صحبت کنم.)

**I'm waiting for a chance to speak to the manager.**

\*\*\*\*\* cha \*\*\*\*\*

وقتی در باره تغییر دادن یا عوض کردن یک چیز با چیز دیگر صحبت می شود می توان از فعل **change** و اسم جمع استفاده کرد:  
(در فکر عوض کردن شغلم هستم.)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**I'm thinking of **changing** my job.**

(جاهایمان را عوض کردیم.)

**We **changed** place.**

\*\*\*\*\* clo \*\*\*\*\*

اعدادی که با کلمه **O'clock** برای نشان دادن وقت و ساعت بکار می روند، می توانند بعنوان صفت قبل از اسم نیز دیده شوند. مثال :

(قطار ساعت ۱۱ .)

**The eleven o'clock train.**

اسم صفت

\*\*\*\*\* clo \*\*\*\*\*

A.M. معمولاً " وقت دقیق را بیان می کند و جانشین **O'clock** می شود.

**I get up at 6 a.m. every day.**

**I get up at 6 o'clock every day.**

\*\*\*\*\* clo \*\*\*\*\*

**Shut** و **Close** (بستن) تقریباً هم معنا هستند و می توانند به جای هم بکار روند:

**Close your eyes.** یا **Shut your eyes.**

**shut** و **Close** به عنوان صفت با فعل **to be** یکسان بکار میروند.

(دفتر پست در شنبه بعد از ظهر تعطیل است .)

**The post office is closed on Saturday afternoon.**

**The post office is shut on Saturday afternoon.**

اما باید توجه داشت که فقط **closed** به عنوان صفت قبل از اسم قرار می گیرد بنابراین باید گفت :

**A closed door** (درب بسته) -- **closed eyes** (چشم بسته)

بدین ترتیب اصطلاحات : **Shut eyes** و **A shut door** غلط هستند .

\*\*\*\*\* col \*\*\*\*\*

وقتی بخواهند بگویند کاری ( با مشارکت یا همکاری) دیگری انجام شده است می توان از اصطلاح **In collaboration with** استفاده کرد.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(آرمیتا کتاب را با همکاری خواهرش نوشت.)

Armita wrote the book **in collaboration with** her sister.

ولی اگر گفته شود:

Armita wrote the book **with the collaboration of** her sister.

**غلط** است زیرا اصطلاح **with the collaboration of** ترجمه جزء به جزء اصطلاح فارسی (با کمک از - با همکاری از) است و در انگلیسی بکار نمی‌رود.

\*\*\*\*\* **com** \*\*\*\*\*

وقتی **compare** به معنی (تشبیه کردن) بکار می‌رود حرف اضافه ای که به دنبال آن می‌آید **To** است.

(شعرا خواب را به مرگ تشبیه کرده اند).

Poets have **compared** sleep **to** death.

وقتی **compare** به معنی (مقایسه کردن) بکار می‌رود معمولاً "حرف اضافه ای که به دنبال آن می‌آید حرف **with** است.

(همیشه درآمد خودش را با درآمد من مقایسه میکند.)

He always **compares** his income **with** mine.

\*\*\*\*\* **con** \*\*\*\*\*

**Congress** به معنی (کنگره) معمولاً "بدون **the** بکار می‌رود.

(او به عنوان نماینده کنگره انتخاب شده است.)

He has been elected **to congress**.

\*\*\*\*\* **con** \*\*\*\*\*

**Continual** (دائمی) و **continues** هر دو بمعنی (تداوم و استمرار) دارند با این تفاوت که

**continual** به عملی اشاره می‌کند که تکرار می‌شود.

(لطفاً از این سنوالات مکرر دست بردارید.)

Please stop these **continual** questions.

ولی **continues** برای عملی بکار می‌رود که بی وقفه جریان دارد مانند :

(یادگیری فرایندی دائمی است)

Learning is a **continues** process.



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **dad** \*\*\*\*\*

Daddy و Dad در خطاب هم به همین صورت نوشته می شوند.

(بیا اینجا، پدر، و کتاب مرا نگاه کن.)

Come over here, **Dad**, and look at my book.

(پدر، اجازه خواهی داد من یک سگ داشته باشم؟)

Will you let me have a dog, **Daddy**?

\*\*\*\*\* **dat** \*\*\*\*\*

Data (مفروضات- دانسته ها) صورت جمع datum است و قاعد تا" باید با فعل جمع

بکار برده شود.

(مفروضات/اطلاعات /هنوز در حال تجزیه و تحلیل هستند.)

The **data** are still being analyzed.

ولی امروزه معمولاً آنرا مفرد تلقی می کنند و با فعل مفرد بکار میبرند.

The **data** is still being analyzed.

\*\*\*\*\* **dat** \*\*\*\*\*

تاریخ یا Date را ممکن است به یک شکل بنویسند و به شکل دیگر بخوانند مثلاً:

**April 5** را باید به یکی از سه صورت زیر خواند:

**April the five** , **April fifth** , **The fifth of April**

\*\*\*\*\* **day** \*\*\*\*\*

The other day دقیقاً" برابر است با a few days ago (چند روز قبل).

(او چند روز قبل فرزند گم شده اش را دید.)

He Saw his lost child **the other day/ (a few days ago)**.

\*\*\*\*\* **dep** \*\*\*\*\*

کاربرد: height-length – width – depth

Depth به معنی (عمق – قعر) و width به معنی (عرض – پهنا) و length به

معنی (طول- درازا) و height به معنی (ارتفاع- بلندی) می باشند، و به ترتیب اسم

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

صفات **deep** (عمیق) و **wide** ( عریض - پهن ) و **long** (طویل - دراز ) و همچنین **high** (مرتفع-بلند) هستند و کاربرد آنها بشرح زیر است :

{ عمق این دریا ۵۰۰ پا می باشد . ( این دریا ۵۰۰ پا عمق دارد . ) }

**The depth of this sea is 500 feet = This sea is 500 feet deep.**

{ عرض این خیابان ۲۰ متر است . ( این خیابان ۲۰ متر عرض دارد . ) }

**The width of this street is 20 meters. = This street is 20 meters wide.**

{ طول این کشتی ۴۰۰ یارد است . ( این کشتی ۴۰۰ یارد طول دارد . ) }

**The length of this ship is 400 yards. = This ship is 400 yards long.**

{ ارتفاع این برج ۳۵۰ متر است . ( این برج ۳۵۰ متر ارتفاع دارد . ) }

**The height of this tower is 350 meters. = This tower is 350 meters high.**

\*\*\*\*\* dif \*\*\*\*\*

در انگلیسی بریتانیایی حرف اضافه ای که بدنبال **different** ( متفاوت ) می آید معمولاً "from" است.

(چشیدن آنها ، متفاوت از من است .)

**Their tastes are different from mine.**

گاهی نیز به جای **from** حرف اضافه **To** بکار می برند که کمتر مورد قبول است.

(چشیدن آنها ، با من فرق دارد.)

**Their tastes are different to mine.**

در انگلیسی آمریکایی حرف اضافه **than** و **from** هر دو بکار می برند .

( او خیلی متفاوت با آن چیزی که مورد توقع من است ، نگاه میکند.)

**She looked very different than / (from) what I'd expected.**

\*\*\*\*\* din \*\*\*\*\*

واژه های **supper- lunch- dinner** در کشور های مختلف انگلیسی زبان بکار میروند.

در بریتانیا نیز کاربری آن متفاوت است . به غذایی که ظهر صرف میشود معمولاً "**lunch**" میگویند. در انگلیسی بریتانیایی **dinner** را بجای **lunch** هم بکار میبرند. به غذایی که شب صرف می شود ممکن است **dinner** بگویند.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Supper** معمولاً "شام غیر رسمی است که در منزل صرف شود.

(بعد از تاتر شام سریعی خوردیم و به بستر رفتیم.)

After the theater we had a quick **supper** and went to bed.

\*\*\*\*\* **dis** \*\*\*\*\*

اگر بخواهیم جمله فارسی (من راجع مشکلات با او صحبت کردم/بحث کردم) را به انگلیسی ترجمه کنیم می توانیم چنین بگوئیم:

I **discussed** the problems with him.

بنا براین **غلط** است اگر بگوئیم :

I **discussed about** the problem with him.

زیرا فعل **discussed** با مفعول مستقیم بکار می رود و نباید بدنبال آن حرف اضافه **about** استفاده کنیم لذا باید اینطور بگوئیم:

We **had a discussed about** the problems.

\*\*\*\*\* **dol** \*\*\*\*\*

این علامت دلار (\$) است و همیشه قبل از عدد بکار می رود.

This book costs **\$20**. (این کتاب بیست دلار می ارزد.)

می توان از علامت \$ استفاده نکرد و آن را با حرف یا عدد نوشت :

This book costs twenty **dollars**.

This book costs 20 **dollars**.

ولی وقتی صحبت از ارزش یک **اسکناس** میشود آن را به یکی از این دو صورت زیر مینویسند.  
(او یک بیست دلاری به من داد.)

He gave me a 20 **-dollars bill**.

(او به من یک اسکناس بیست دلاری داد.)

He gave me a **\$20 bill**.

\*\*\*\*\* **dow** \*\*\*\*\*

قبل از **downstairs** (طبقه پایین) و **upstairs** (طبقه بالا) هرگز از حرف اضافه استفاده نمی شود.

He is **downstairs**. (او در طبقه پایین است.)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**He went upstairs.** (او به طبقه بالا رفت .)

\*\*\*\*\* **doz** \*\*\*\*\*

**Dozen** (دوازده عدد- دوجین) صورت جمع ندارد مثلاً:"

(من سه دوجین تخم مرغ می خواهم .)

**I want three dozen eggs.**

البته برای آن یک **استثناء** وجود دارد و آن **Dozens of** است که به معنی (خیلی زیاد - چندین و چند بار- مکرراً) است.

(مدتها / زمانهای زیادی/ اوقات فراوانی به او گفته ام).

**I've told him dozens of times.**

\*\*\*\*\* **due** \*\*\*\*\*

بعضی از انگلیسی زبانان **due to** را فقط به دنبال فعل **to be** بکار میبرند.

(تاخیر رسیدن ما بخاطر ترافیک سنگین بود .)

**Our late arrival was due to the heavy traffic.**

اما بیشتر آنها **Due to** و **Owing to** (بخاطر - بدلیل- به واسطه) را یکسان بکار میبرند.

(بخاطر/بدلیل/در نتیجه/ ترافیک سنگین ما دیر رسیدیم .)

**Due to /owing to the heavy traffic, we were late.**

اما باید توجه داشت که **due to** بلافاصله بعد از اسم بکار میرود و در فارسی میتوان آنرا (ناشی از) ترجمه کرد .

(تصادفات، ناشی از رانندگی در حال مستی، در ایام عید کریسمس افزایش می یابد).

**Accident due to drinking and driving increased over Christmas.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* eac \*\*\*\*\*

Each (هرکدام) موقی بکار می رود که در باره فرد فرد یک گروه صحبت می شود.  
Each با فعل مفرد بکار می رود.  
(هرکدام بچه ها دفتر یادداشت دارند.)

**Each child has a notebook.**

ضمیری که بدنبال each می آید می تواند مفرد یا جمع باشد.  
(هرکدام از دانش آموزان آنچه را که دوست داشتند، نوشتند.)

**Each student wrote what he/she liked best.**

**Each student wrote what they liked best .** یا گفت :

همچنین Each می تواند بدنبال فاعل جمع بیاید لذا فعل هم باید بصورت جمع بیاید.  
{ما هرکدام دید گاه (مختلف/ متفاوت) داریم.}

**We each have a different point of view.**

{ما هرکدام دید گاه (مختلفی/ متفاوتی) داریم.}

**We each have different point of view.**

ترکیبات each of و each one of با فعل مفرد بکار می روند.  
(هر کدام از خانه ها به وضوح با هم متفاوت هستند.)

**Each of /each one of the houses is slightly different.**

\*\*\*\*\* ear \*\*\*\*\*

واژه های , floor, earth , ground , land و soil همه را می توان در فارسی (زمین) ترجمه کرد ولی معنی این کلمات با هم تفاوت دارد.  
earth , the earth , to earth بمعنی (کره زمین) هستند :  
(کره زمین از فضا بسیار زیباست.)

**Earth looks very beautiful from space.**

(زمین تقریبا " ۳۶۵ و یکچهارم روز بدور خورشید می چرخد.)

**The earth takes approximately 365 <sup>1</sup>/<sub>4</sub> days to go round the sun.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(فضا نورد آتلانتیک به سلامت به کره زمین باز گشت .)

**The space Shuttle Atlantis returned safely to earth.**

( ماه به دور کره زمین می چرخد .)

**The moon goes round the earth.**

همه صورتهای املائی بالا درست هستند.

Earth گاهی بمعنی (زمین) در تقابل با Sky (آسمان) بکار می رود.

( شهاب سنگ به آرامی بسوی زمین آمد .)

**The parachute gently down to earth.**

Land گاهی هم بمعنی (ملک) است یعنی قطعه زمینی که مردم می خردند تا در آن ساختمان

بسازند یا کشاورزی کنند.

( قطعه زمینی خرید و ساختمانش را در آن ساخت .)

**The bought some land and built there own house.**

Land گاهی هم بمعنی (خشکی) در تقابل با Water است.

( پس از ۲۱ روز در دریا بالاخره به خشکی رسیدیم .)

**After 21 days at sea we finally reached land.**

The ground (غیر از داخل ساختمانها که واژه ای دیگر دارد) سطح سختی است از

زمین که همه جا زیر پای ما قرار دارد.

(من در باران بودم و زمین کاملاً خیس بود .)

**It had been raining and the ground was wet.**

The floor به کف ساختمان ها اعم از اتاق و غیره گفته می شود.

(او کف زمین نشسته بود و تلویزیون نگاه می کرد.)

**He was sitting the floor, watching T.V.**

Soil و earth بمعنی ( خاک ) هستند:

( او دانه ها را با خاک پوشاند .)

**He covered the seeds with earth.**

(این خاک برای پرورش گل رُز بسیار مرغوب است .)

**This soil is very good for growing Rose.**



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

چنانچه گفته شد همه این کلمات را میتوان به (زمین) ترجمه کرد مشروط به این که متوجه معانی مختلف زمین باشیم.

\*\*\*\*\* eld \*\*\*\*\*

وقتی صحبت از مقایسه سن افراد یک خانواده باشد **elder** (بزرگتر) و **eldest** (بزرگترین) هم معنا هستند و می توانند بجای هم بکار روند. در این کاربرد فقط به عنوان صفت و قبل از اسم می آیند.

**My elder /older brother has just got married.**

( برادر بزرگتر / مسن تر / من در شرف ازدواج است .)

**My eldest /oldest daughter is an engineering student.**

( بزرگترین/مسن ترین / دختر من دانشجوی مهندسی است )

ولی در کاربرد های دیگر فقط از **older** و **oldest** استفاده میشود. مثال:  
(برادرم سه سال از من بزرگتر است .)

**My brother is three years older than me.**

بنابراین **غلط** است اگر بگوئیم :

**My brother is three years elder than me.**

\*\*\*\*\* els \*\*\*\*\*

کلمه **else** در نقش قید بعد از مشتقات **every-no-any-some** بکار می رود .

**someone else** ( کسی دیگر )      **everything else** ( هر چیز دیگر)

**no one else** ( هیچکس دیگر )      **every one else** ( هرکس دیگری)

**anybody else** ( هرکس دیگر )      **nowhere else** ( هیچ جای دیگری)

( آیا دیروز چیز دیگری خریدید ؟ )

**Did you buy anything else yesterday?**

( از شخص دیگری خواهش کن که به تو کمک کند .)

**Ask someone else to help you.**

\*\*\*\*\* emi \*\*\*\*\*

واژه های **Immigrant** و **Emigrant** هر دو را میتوان در فارسی ( مهاجر ) ترجمه کرد.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

ولی معنی آنها در انگلیسی با هم تفاوت دارد . **Emigrant** کسی است که به کشور خود را ترک می کند یعنی تابعیت یک کشور دیگر را می پذیرد . مثال :

( هر سال تعداد هندی هایی که تابعیت انگلستان را می پذیرند افزایش می یابد . )

**The number of emigrants from Indian to Europe increasing.**

ولی **Immigrant** به کسی می گویند که به کشور دیگری غیر از کشور خودش رفته تا مدتی در آنجا اقامت گزیند.

( نیو یورک تعداد زیادی مهاجر دارد . )

**New York has a large number of immigrants.**

بنا بر این بهتر است **emigrant** را در فارسی ( برون کوچ ) و **immigrant** را ( درون کوچ ) ترجمه کنیم .

\*\*\*\*\* enj \*\*\*\*\*

بعد از **enjoy** هرگز از حرف اضافه استفاده نمیشود. در حقیقت این فعل معنی ( لذت بردن ) را میدهد.

**I enjoy this class.** ( من از این کلاس لذت بردم ) .

**I enjoy teaching English.** ( من از تدریس زبان انگلیسی لذت می برم . )

**I enjoy this view.** ( من از این منظره لذت می برم . )

چنانچه بعد از **enjoy** از ضمیر انعکاسی استفاده گردد ، معادل **Have a good time** معنی می دهد .

( دیشب در مهمانی به من خوش گذشت ) .

**I enjoyed myself at the celebration last night.**

**I had a good time at the celebration last night.**

\*\*\*\*\* eno \*\*\*\*\*

کلمه **enough** بمعنی ( کافی ) قبل از اسم و بعد از صفت بکار برده می شود .

**Time** در اینجا **اسم** است . لذا باید گفت : **enough time** ( وقت کافی )

**Cold** در اینجا **صفت** است . لذا باید گفت : **cold enough** بقدر کافی سرد

\*\*\*\*\* ent \*\*\*\*\*

بعد از فعل گذشته **Enter** هرگز از حرف اضافه **in** یا **into** استفاده نکنید . در حقیقت

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

این فعل معنی (وارد شدن به) را می دهد .

(هنگامیکه معلم وارد کلاس شد ، همه دانش آموزان از جا برخاستند .)

When the teacher **entered** the classroom, all the students rose.

\*\*\*\*\* equ \*\*\*\*\*

Equals در حساب به معنای (مساوی است با) معنی میکنند.

مثلا "  $2+4=6$  را چنین میخوانند .

Two and four **equals** six

یا مثلا "  $10-2=8$  را چنین می خوانند.

Two from ten **equals** eight.

یا مثلا "  $20:4=5$  را چنین می خوانند .

Twenty divided four **equals** five.

یا مثلا "  $4=20$  . ۵ را میخوانند.

Five multiply four **equals** twenty.

\*\*\*\*\* esp \*\*\*\*\*

Especially و Specially (بویژه- مخصوصا"- بخصوص) هر دو می توانند در یک معنا

به جای هم بکار روند و برابر های فارسی آنها نیز یکسان است.

(او لباس بخصوصی برای پارتی دوخت .)

She made the dress **especially /specially** for the party.

(او آهنگی را مخصوص دخترش ساخته است .)

He wrote the song **especially /specially** for his daughters.

ولی در انگلیسی روزمره کاربرد **specially** از **especially** بیشتر است . از کاربرد های

اختصاصی **specially** این است که می تواند قبل از اسم مفعول فعل بکار رود .

(مخصوصا" استخر برای کودکان طراحی شده است .)

The swimming –pool has been **specially** designed for children.

(مخصوصا" لباسهای که او دارد ساخت پاریس می باشد .)

She had her cloths **specially** made in Paris.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* eve \*\*\*\*\*

**Every other day** به معنی (یکروز در میان) و **even days** به معنی (روزهای زوج) و **odd days** به معنی (روزهای فرد) بشرح زیر در انگلیسی بکار می روند.  
( او یکروز درمیان به اینجا (کلاس انگلیسی) میاید . )

**He comes to English class every other day.**

(شنبه ،دوشنبه و چهارشنبه روزهای زوج هستند . )

**Saturday, Monday and Wednesday are even days.**

(یکشنبه ،سه شنبه و پنجشنبه روزهای فرد هستند . )

**Sunday, Tuesday and Thursday are odd days.**

\*\*\*\*\* eve \*\*\*\*\*

**Everywhere** (هر جـا) **Everything** (هر چیز) **Every body** (هر شخص) **Everyone** (هر کس) با فعل مفرد بکار می روند.  
(هرشخص تفننگی در خانه دارد . )

**Everybody has gone home.**

بنابراین **غلط** است اگر گفته شود.

**Everybody have gone home.**

ولی ضمـایری که بدنبال آنها می آیند معمولاً" به صورت جمع هستند . مانند :  
( Their - Them- They ) مثال:  
(هرشخص میدانند که چه می خواهد ؟)

**Dose everybody know what they want?**

(هرشخص بلیطش همراهش است ؟)

**Has everybody got their tickets?**

(امیدوارم که هرکسی پاسپورتش را همراه آورده باشد . )

**I hope everybody has brought their passports with them.**

\*\*\*\*\* exa \*\*\*\*\*

صورت های اختصاری **e.g.** و **i.e.** در انگلیسی نوشتاری بکار میروند و به همین صورت

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

نیز خوانده می شوند. ولی در گفتار روزمره مردم به جای e.g. میگویند:

(برای مثال for example) و همچنین در گفتار بجای i.e. میگویند :

That is to say. یا That is.

\*\*\*\*\* exc \*\*\*\*\*

Except با apart from به معنی (بجزء- بغير از) برابر هستند. ولی

فقط در ابتدای جمله بکار می رود در حالیکه except با حرف اضافه for در ابتدای جمله

و بدون حرف اضافه for در وسط جمله بکار می رود. مثال:

(بجزء/بغير از/این کتاب ده جلد دیگر در منزل دارم.)

**Apart from this book, I have ten others at home.**

(بجزء/بغير از / آن پیراهن قرمز، تمام آنها را انتخاب کردم.)

**1/I chose all the shirts except the red one.**

**2/Except for the red shirt, I chose all of them.**

\*\*\*\*\* eye \*\*\*\*\*

Eyed (چشم - چشمی - چشمه) اسم مفعول بوده و پسوند صفات است و با صفاتی که

بکار می رود یک **صفت مرکب** را بوجود می آورد که جمعا" نقش صفت را برای **اسم** بازی

می کنند. مثال :

(آن پسر چشم آبی برادر علی است.)

**The blue-eyed boy is Ali's brother.**

که در جمله بالا (blue-eyed) صفت است و (boy) اسم می باشد .

سایر اسم مفعول هایی که بعنوان پسوند با صفات بکار رفته و جمعا" نقش صفت مرکب

را بازی می کنند عبارتند از :

One-eyed man \* absent-minded person آدم فرامشکار

Cold-blooded animal \* Long-heeled shoe حیوان خونسرد کفش پاشنه طلا

White-haired man \* Good-tempered man مرد مو سفید \*مرد خوش اخلاق

Soft-headed fellow \* Soft-hearted person آدم ساده لوح \* آدم زود رنج(نازک دل)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **fac** \*\*\*\*\*

واژه های **Plant , Works , Mill , Factory** , همه را می توان در فارسی (کارخانه) ترجمه کرد ولی کار برد آنها در انگلیسی متفاوت است.  
**Factory** جایی است که در آن چیزی را میسازند یا قطعاتی را به هم متصل میکنند تا محصول تازه ای تولید شود مثلاً":  
 (کارخانه ماشین سازی – کارخانه شکلات سازی .)

**A car factory –a chocolate factory**

ولی **Plant** به مجتمع بزرگی گفته میشود که در آن فرایند صنعتی پیچیده ای انجام میشود.  
**A chemical plant** (کارخانه شیمیایی).  
**A nuclear –weapons plant** (کارخانه تولید سلاح هسته ای).

ولی **Works** کارخانه ای است که مواد لازم را برای صنایع دیگر تولید می کند مثلاً":  
**A steel works** (کارخانه ذوب آهن) ولی **Mill** (به کارخانه ای گفته می شود که عمدتاً" مواد اولیه تولید می کند. مثلاً": **A paper mill** (کارخانه کاغذ سازی)

\*\*\*\*\* **fai** \*\*\*\*\*

واژه های **Fairly** (منصفانه- نسبتاً" درست) **Quite** (صد در صد- کاملاً" درست) ( **rather** (بیشتر –ترجیحاً" ) **Pretty** (قشنگ –تقریباً") وقتی جلوی صفت یا قید بیایند همگی معنی (نسبتاً" ) می دهند. یعنی (نه چندان خوب و نه چندان بد) مثال :  
 (هوا نسبتاً" سرد بود / نه چندان سرد و نه چندان گرم .)

**The weather was fairly /quite/rather/pretty/ cold.**

ولی کلمه **Rather** رسمی تر است و بیشتر در انگلیسی بریتانیایی بکار میرود. مثلاً":  
 (نسبتاً" اطراف دو درجه سانتیگراد حرارت، سرما حس می شود .)

**It feels rather cold with temperatures around 2° C.**

\*\*\*\*\* **fat** \*\*\*\*\*

یکی از معانی **Fat** (فربه - گوشت آلود - چاق) است :  
 (تمامی این لباسها مرا چاق نشان می دهد .)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Those this dress makes me look fat.**

در انگلیسی مودبانه نیست که به کسی بگویند: **You are fat**. معمولاً "به جای Fat از کلمه **Large** (درشت - بزرگ - گنده) استفاده میکنند که چندان زننده نیست. (آیا آن خانم درشت هیکل را با لباس قرمز دیدی؟)

**Do you see the large lady In the red dress?**

ولی کلمه **Plump** به معنی (تپل) است که ضمن اشاره به اندکی چاقی معنی مثبت دارد. (او زن □ خوش صورت تپلی است).

**She is a plump, pleasant faced woman.**

\*\*\*\*\* **fem** \*\*\*\*\*

**Male** و **Female** به جنسیت موجود زنده اشاره می کنند و می توانند به صورت صفت یا اسم به کار روند. مثال :

( a **female** cat گربه ماده)

( a **female** vocalist زن آوازه خوان)

( a **male** university student مرد دانشجو)

(ده تا نر در گله وجود دارد.)

**There are ten males in the herd.**

**Male** و **Female** به عنوان اسم فقط در نوشته های پزشکی و علمی به معنی (زن) و (مرد) بکار می روند و در مواقع و موارد دیگر کاربرد آنها توهین آمیز است و باید به ترتیب از واژه های **Man** و **Woman** استفاده شود.

\*\*\*\*\* **fir** \*\*\*\*\*

یکی از معانی **Fire** (آتش سوزی) است.

(سی نفر در آتش سوزی جان خود را از دست دادند.)

**Thirty people died in the fired.**

واژه **Arson** نیز گاهی (آتش سوزی) ترجمه می شود ولی باید توجه داشت که این کلمه همیشه به معنی (آتش سوزی یا حریق عمدی) است.

(آنها موج تازه ای از شورش، دزدی و آتش سوزی به راه انداخته اند.)

**They have started a new wave of rioting, theft and arson.**



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **fis** \*\*\*\*\*

**Fishes** و **Fish** هر دو صورت جمع **Fish** هستند. وقتی به تعدادی از ماهی ها که در آب هستند اشاره می کنیم **Fish** را به عنوان صورت جمع بکار میبریم (تعداد ماهی ها در رودخانه کاهش یافته.)

The number of **fish** in the river has decreased.

ولی وقتی بخواهیم به انواع ماهی اشاره کنیم صورت جمع **Fishes** را بکار میبریم. (او بیشتر در باره انواع ماهی های اقیانوس هند مطالعه میکند.)

He studies mainly the **fishes** of the Indian Ocean.

\*\*\*\*\* **flo** \*\*\*\*\*

وقتی **Floor** به معنی (طبقه ساختمان) بکار می رود کار برد آن در انگلیسی بریتانیایی و آمریکایی تفاوت دارد. در انگلیسی بریتانیایی (**Ground floor**) به معنی (طبقه همکف) است و طبقه بالای آن **First floor** (طبقه اول) محسوب می شود ولی در انگلیسی آمریکایی طبقه ای که هم سطح خیابان است **First floor** و طبقه بالای آنرا **Second floor** طبقه دوم گویند.

\*\*\*\*\* **foo** \*\*\*\*\*

در انگلیسی اندازه قد شخص را با **Foot** و **Inch** بیان میکنند وقتی کلمه **Inch** در جمله ذکر نشود از **Feet** که صورت جمع **Foot** است استفاده می شود.

He is six **feet** tall. (میزان قد او شش فوت است.)

ولی وقتی **Inch** در جمله ذکر شود **Foot** بصورت مفرد و یا بصورت جمع (**Feet**) بکار می ود: (قد او پنج فوت و سه اینچ است)

She is five **feet/foot** three **inches** tall.

اما در کاربرد، صورت مفرد **Foot** رایج تر است.

She is five **foot** three inches tall.

\*\*\*\*\* **for** \*\*\*\*\*

حرف اضافه **for** بعد از فعل **leave** در معنی (ترک کردن جایی به قصد جایی دیگر) بکار میرود. (نخست وزیر دیشب تهران را به قصد انگلستان ترک کرد.)

The prime Minister **left** Tehran **for** England last night.

\*\*\*\*\* **for** \*\*\*\*\*

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**A forth** به معنای یکچهارم  $\frac{1}{4}$  طبقه است ولی **بجای Forth** بیشتر می گویند:

**A quarter** مثلاً " بجای اینکه بگویند :

( نامه یک صفحه و ربع صفحه است).

**The letter is a page and a forth.**

معمولاً " می گویند : ( نامه یک و یکچهارم صفحه است).

**The letter is a page and a quarter.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* gay \*\*\*\*\*

رایج ترین معنی Gay در انگلیسی امروز بمعنی (همجنس باز) است. معانی دیگر Gay هنوز هم بکار می روند. ولی رفته رفته از کاربرد آنها کاسته می شود. Gayness به عنوان اسم فقط به معنی اول اشاره میکند یعنی همان معنی (همجنس باز) را میدهد برای معانی دیگر از واژه gaiety (شنگول-شوخی و شنگ-بشاش بودن-سبک روحی-نشاط و سرور) استفاده میشود.

(سرور مراسم عروسی .)

The **gaiety** of the wedding ceremony.

\*\*\*\*\* get \*\*\*\*\*

Approach-reach-get هر سه فعل معنی (رسیدن) هم می دهند. بعد از get در معنی رسیدن از حرف اضافه to استفاده می گردد در حالی که بعد از reach و واژه approach از حرف اضافه to استفاده نمی گردد. مثال:

(چه موقع به ایستگاه رسیدید ؟)

When did you **get** to the station?

(چه ساعتی به شهر رسیدید ؟)

What time did you **reach** the town?

(هنگامیکه به چهارراه می رسید، بایستی آهسته رانندگی کنید.)

When you **approach** some crossroad, you should drive slowly.

\*\*\*\*\* go-\*\*\*\*\*

چنانچه فعل **go** جمله ای باشد که فاعل (مسند الیه) آن جمله کلمه bell باشد، معنی (خوردن زنگ) را می دهد. مانند:

(هنوز زنگ نخورده است.)

The **bell** hasn't **gone** yet.

(دیروز زنگ بموقع خورد.)

The **bell** went on time yesterday.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* goo \*\*\*\*\*

Good و Well هر دو در فارسی (خوب) ترجمه می شوند. ولی تفاوت آنها در این است که Good صفت است و Well قید است. بنا براین می توان گفت:

**Our teacher is good.**

همچنین می توان گفت: **He teaches well.**

ولی نمی توان گفت: **He teaches very good.**

زیرا در این جمله good صفت است و نمی تواند جای قید well بکار رود.

\*\*\*\*\* gra \*\*\*\*\*

Grateful و Thankful هر دو در فارسی به معنی (سپاسگزار یا تشکر) است ولی کاربرد آنها در انگلیسی اندکی متفاوت است. وقتی بخواهیم سپاسگزاری خود را از کسی بیان کنیم از اصطلاح grateful to استفاده میکنیم: (بینهایت از شما متشکرم).

**I am extremely grateful to you.**

ولی وقتی بخواهیم به خاطر چیزی سپاسگزاری کنیم میتوانیم از اصطلاح Grateful for یا thankful for استفاده کنیم، می گوئیم: {از کمک شما سپاسگزارم. ( از لطف شما متشکرم )}.

**I am grateful for/thankful for your help.**

اما اگر بخواهیم از شخصی بخاطر چیزی سپاسگزاری کنیم از الگوی grateful to.....for (تشکر..... بخاطر) استفاده میکنیم: (از او بخاطر تعمیر ماشینم سپاسگزارم).

**I am grateful to him for repairing my car.**

\*\*\*\*\* gre \*\*\*\*\*

Big, Large, Great هر سه در فارسی به معنای (بزرگ) هستند. ولی کاربرد آنها اندکی با هم تفاوت دارد. Big و Large بیشتر با اسمهای ذات بکار میروند (یعنی برای چیزهایی که می توانیم ببینیم یا لمس کنیم و غیره). ولی Big در زبان روزمره و غیر رسمی کاربرد بیشتری دارد. (شوهر او مرد بزرگی/با شخصیتی/ است).

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Her husband is a big man.**

یا گفت : (یک فامیلی بزرگ/گسترده/ به یک خانه بزرگ احتیاج دارند .)

**A large family needs a large house.**

ولی Great معمولاً "ولی نه همیشه با اسمهای معنا بکار میرود. (یعنی برای چیزهایی

که نمی توانیم ببینیم یا لمس کنیم و غیره. )

(شما اشتباه بزرگی را مرتکب شدی.)

**You are making a great mistake.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **had** \*\*\*\*\*

در باره **Had better** (باید - بایست - بهتر است) که بگوئیم اولاً این عبارت بطور خلاصه **'d better** نوشته می شود و اینکه از افعال کمکی است و دو زمان دارد :

فعل(مصدر بدون to)+ **had better** + فاعل = زمان اول

(بهتر است/می بایست/ فوراً اینجا را ترک کنیم). **We'd better** leave here at once.

فعل(مصدر بدون to)+ **had better**+not + فاعل=منفی

(بهتر است/می بایست / با او نروید). **You'd better** not go with him.

فعل(اسم مفعول)+ **had better**+have + فاعل=زمان دوم

(بهتر بود/باید / عجله می کردید). **You'd better** have hurried.

فعل(اسم مفعول)+ **had better**+ not +have + فاعل=منفی

(بهتر بود/باید / او را کمک نمی کردید). **You'd better** not have helped him.

\*\*\*\*\* **hai** \*\*\*\*\*

وقتی با **Hair** عدد بکار می رود معنی آن (تار مو) است مثال:

( او سه تار موی سفید دارد )

**She has three white hairs.**

ولی وقتی به کل موهای سر کسی اشاره میکنیم جلوی کلمه **Hair** عدد بکار نمی بریم.

(او موهای بلندی دارد).

**She has a long hair.**

گاهی **hair** را با فعل **wear** (پوشیدن) بکار میبرند. که با این جمله ها هم معنی است.

(موهای بلندی سرش را پوشیده است) (او موهای بلندی روی سرش دارد).

**She wears her hair long. = She has long hair.**

\*\*\*\*\* **har** \*\*\*\*\*

**Hard** هم به عنوان صفت و هم به عنوان قید بکار می رود.

(باران سخت می بارد)

**It's raining hard .**

**بصورت قید :**



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(او بطور سختی کار کرده) **She has been working hard.**

(سنگ سختی است) **This stone is hard.** **بصورت صفت:**

با انکه **Hardly** (به ندرت کم - نه چندان) و **Hard** (سخت - سفت) هر دو کار برد قیدی دارند ولی نباید آن دو را با هم اشتباه کرد. بنابراین کاملاً "غلط" است بگوئیم: (باران با سختی می بارد.)

**It's raining hardly.**

یا گفت: (او با سختی در حال کارکردن می باشد.)

**She has been working hardly.**

معانی و کاربرد های **hardly** و **hard** از هم متفاوت است و باید آنها را از هم باز شناخت. (او به سختی انگلیسی حرف می زند.)

**He can hardly speak English.**

{(او را بدرستی نمی شناسم) = (او را به سختی می شناسم)}

**I hardly know him.**

\*\*\*\*\* **har** \*\*\*\*\*

بعد از کلمه **harmful** به معنی (مضر - زیان آور) و کلمه **useful** (مفید - سودمند) از حرف اضافه **to** به معنی (برای) استفاده میشود ولی هرگز از حرف اضافه **for** استفاده نکنید. (کشیدن سیگار برای تندرستی شما مضر است.)

**Smoking cigarettes is harmful to your health.**

(این کتاب برای ما خیلی مفید است.)

**This book is very useful to us.**

\*\*\*\*\* **hav** \*\*\*\*\*

یکی از معانی **Have** (داشتن یا مالک چیزی بودن) است. در انگلیسی عادی بریتانیایی برای زمان حال بجای **have** بیشتر از **have got** استفاده می کنند. لذا میتوان گفت: (من یک پسر و دو دختر دارم.)

**I/ have/have got/ one son and two daughters.**

درحالی که هر دو صورت، جمله بالا درست و هم معنا هستند. حالت اول رسمی تر است

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

و بیشتر در نوشتار بکار میرود در جمله دوم که **have got** بکار رفته است در گفتار کار برد بیشتری دارد .

نکته دیگر در مورد **have** این است که در انگلیسی بریتانیایی **have** به عنوان فعل اصلی میتواند بمانند فعل معین رفتار نماید.

**Have you any sister?** (شماخواهری دارید؟)

یاگفت: (من خواهری ندارم.)

**I have not any sister.**

ولی امروزه این کاربرد به تدریج کاهش مییابد و برای سئوالی کردن یا منفی کردن از فعل **Do** استفاده میکنند. به عنوان مثال در دو جمله بالا میتوان بصورت زیر که رایج تراند استفاده کرد.

**Do you have any sister?**

**I don't have any sister.**

\*\*\*\*\* **her** \*\*\*\*\*

گاهی برای تاکید **here** (اینجا) را در اول جمله قرار می دهند. در این صورت اگر فاعل جمله **اسم** باشد فعل قبل از فاعل قرار می گیرد. مثال :

**Here comes my husband.** (همسرم اینجا بفرماید.)

**Here comes the bus.** (اتوبوس اینجا می آید.)

ولی اگر فاعل جمله **ضمیر** باشد فعل به دنبال فاعل می آید. مثال :

**Here it comes.** (آن اینجااست.)

**Here we are.** (ما اینجا هستیم.)

\*\*\*\*\* **hid** \*\*\*\*\*

واژه **Hide** به معنی (پنهان کردن - مخفی کردن) است. گذشته آن **hid** و اسم مفعول آن **Hidden** می باشد. مانند :

( او خودش را از ما مخفی کرد.)

**He hid himself from us.**

\*\*\*\*\* **hig** \*\*\*\*\*

**High** برای صحبت کردن در باره بلندی یا ارتفاع چیزها بکار می رود. مثال :  
(بلندترین کوه جهان کدامست؟)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Which is the highest mountain in the world?**

گاهی **High** همچنین برای بیان فاصله چیزی از سطح زمین بکار میرود. مثلا: (اتاق سقف بلندی دارد.)

**The room has high ceiling.**

اما **Tall** عمدتاً برای بیان کردن اندازه قد انسان بکار می رود. مثال: (دختر بلند قدی است.)

**She is a tall girl.**

برای توصیف چیز هایی که بلند و باریک هستند نیز **tall** بکار می رود. (درخت های بلند و سرکشیده خانه را احاطه کرده اند.)

**Tall trees have surrounded the house.**

برای توصیف بلندی یا ارتفاع یک ساختمان میتوان **High** یا **Tall** استفاده کرد. در این مورد تفاوتی در کاربرد آنان نیست. (این ساختمان بلند تر از دیگری / آن ساختمان است.)

**The building is/higher/taller/than the other one.**

\*\*\*\*\* **hir** \*\*\*\*\*  
در انگلیسی بریتانیایی **Hire** را به معنی (کرایه کردن چیزی به مدت کوتاه) بکار میبرند. (اجازه دهید، اتومبیلی برای تعطیلات آخر هفته کرایه کنیم.)

**Let's hire a car for the weekend.**

اگر چیزی را برای مدتی طولانی تر کرایه کنند از واژه **Rent** استفاده می کنند. (دستگاه فاکس مال خودت است یا آنرا اجاره کرده ای؟)

**Is that your own Fax or do you rent it?**

ولی در انگلیسی آمریکایی برای تمام موارد بالا از واژه **Rent** استفاده می شود. (اجازه دهید اتومبیلی برای تعطیلات آخر هفته اجاره کنیم؟)

**Let's rent a car for the weekend.**

\*\*\*\*\* **hit** \*\*\*\*\*  
یکی از معانی **Strike, Beat, Hit** (زدن یا کتک زدن) است ولی کار برد آنها اندکی باهم تفاوت دارد. **Hit** واژه ای است معمولی و بیشتر در گفتار بکار میرود.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(احساس کردم مثل اینکه دارم کتکش می زوم .)

**I felt like hitting him.**

گذشته و اسم مفعول آن همان **Hit** می باشد .

(بچه ها نباید سگها را بزنند .)

**The children shouldn't hit the dog.**

(او توی سر برادرش زد .)

**He hit his brother on the head.**

**Strike** واژه ای است رسمی و نوشتاری و معنای آن از **Hit** بسیار قوی تر است.

(او اعتراف کرد که آن مرد را با میله آهنی زده است .)

**He admitted striking the man with an Iron bar.**

ولی کلمه **Beat** به معنی (زدن عمدی و مکرر) است .

(در روزگاران گذشته ، بچه ها را بیشتر اوقات در مدارس کتک می زدند/تنبیه می کردند).

**In those days children were often beaten at school.**

\*\*\*\*\* **hom** \*\*\*\*\*

قبل از کلمات **there -here -home** هنگامیکه جهت فعل بسوی آنهاست هرگز از حرف اضافه **to** استفاده نمی شود . مثال :

(او دیشب ساعت ۸ به منزل رفت .)

**He went home at 8 o'clock, last night.**

(آنها بموقع به اینجا وارد شدند .)

**They arrived here in time.**

(من قبل از ساعت ۱۰ به آنجا رسیدم .)

**I got there before 10 o'clock.**

\*\*\*\*\* **hop** \*\*\*\*\*

وقتی بدنبال **Hope** و **Wish** یک بند (**Clause**) بیاید، معنی آنها تقریباً عکس میشود.

(امیدوارم بتوانم با آنها بروم .)

**I hope; I can go with them.**

ولی اگر همین جمله را با **Wish** بیان کنیم و بگوئیم:

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**I wish; I could go with them.**

معنی آن چنین میشود: (کاش می توانستم با آنها بروم. ) که در جمله اول **Hope** بیانگر (امیدواری) است درحالیکه در جمله دوم **Wish** بیانگر (تاسف) از عدم امکان کاری است .

\*\*\*\*\* **how** \*\*\*\*\*

کلمه **How** بمعنی ( چه ) با صفات مختلف ترکیب می شود .

**How long** (چه مدت)

**How often** (چند وقت به چند وقت)

**How many** (چند تا)

**How fast** (چه سرعتی)

**How far** (چه فاصله ای)

\*\*\*\*\* **hum** \*\*\*\*\*

امروزه در زبان انگلیسی این حساسیت ایجاد شده که وقتی از (انسان) یا گروهی از مردم بطور عام صحبت شود ساخت جمله به گونه ای باید باشد که زنان و مردان هر دو را شامل شود. مثلاً " **Man, Mankind** از قدیم بمعنی (نوع انسان) یا (همه مردان و زنان) بکار رفته است .

(این کتاب در باره ارزیابی مردان است .)

**This book is about the evaluation of man.**

ولی امروزه ترجیح میدهند بجای **Man** در معنی انسان از واژه هایی مانند : **Humanity, the human race, human beings, People** که زن و مرد را هر دو شامل می شود استفاده کنند:

(۳۰٪ انسانها امروزه در وضعیت فقر زندگی مینمایند. )

**30% of humanity lives in conditions of terrible poverty.**

نکته مهم دیگر اینکه در بسیاری از کلمات انگلیسی **Man** جزء دوم کلمه را تشکیل میدهد مانند : **Spokesman, Chairman, Policeman** و بسیاری دیگر .

ولی امروزه ترجیح میدهند بجای واژه **Man** از واژه خنثی استفاده نمایند که شامل زنان و مردان هر دو باشد. مثلاً " بجای واژه بالا میگویند :

**Spokes Person, Chair Person, Police Officer** یا **Chair** و **Spokes Person**,

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

نکته دیگر اینکه در انگلیسی وقتی از جنسیت شخص مطلع نباشند یا نخواهند آن را مشخص نمایند از ضمیر He و دیگر ضمائر مذکر استفاده میکنند.

(اگر دانش آموزی بیمار است، باید گواهی پزشکی را به دفتر مدرسه ارائه نماید.)

If student is ill, **he** must send his medical certificate to the college office.

ولی امروزه ترجیح می دهند در چنین مواردی از یکی از صورتهای:

He( or) She ,He/she , He(s) استفاده نمایند. مثال

If student is ill (**He or She**)/ (**He(s)**)/ must send (**His or Her**) - certificate medical to the college office.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **if** \*\*\*\*\*

در جمله های سنوالی غیر مستقیم که جواب آنها Yes /No است. واژه های **If** (اگر-آیا) و **Whether** (آیا-که-آیا) می توانند بجای هم دیگر بکار روند. مثال:  
(او از من پرسید، که یک فنجان قهوه می خواهم.)

**She asked/ if/whether/ I wanted a cup of tea.**

یا اینکه (او نمی داند که ما باید تلفن بزنیم یا یادداشت بنویسیم.)

**He didn't know/ if/whether/ we should write or phone.**

ولی باید توجه داشت در جملاتی که قبل از **مصدر حرف To** می آید، حتماً باید از **Whether** استفاده کرد.

(مطمئن نیستم که آیا اتومبیل خریده اند، یا نه)

**I'm not sure whether to buy the car or not.**

بنابراین **غلط** است اگر گفته شود.

(مطمئن نیستم که آیا اتومبیل خریدن یا نه.)

**I'm not sure if to buy the car or not.**

\*\*\*\*\* **ill** \*\*\*\*\*

**Disease, Ailment, Condition, Illness** همه را میتوان در فارسی (بیماری) ترجمه کرد. اما معنی و کاربرد آنها با هم متفاوت است.

**Illness** به حالت یا طول مدت بیماری اشاره میکند.

(او بطور غیر منتظره ای بعد از یک بیماری کوتاه مدت مرد.)

**She died unexpectedly after a short illness.**

اما **Disease** به بیماری هایی گفته می شود که هر یک در پزشکی نامی دارد. مثلاً:

(سرخک یکی از اصلی ترین بیماریهای دوران کودکی است.)

**Measles is one of the major childhood diseases.**

همچنین **Disease** میتواند با نام بعضی از اندام های بدن نیز بکار رود. بطور مثال:



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**A kidney diseases** یا اینکه **Heart disease** ولی **Ailment** (به بیماری های

رایج و معمولی که بیشتر رنجوری را در پی دارد) گفته میشود که خطری بدنبال ندارد. مثال:

(بیماریهای شایع/معمولی زمستانی مانند: سرماخوردگی، سرفه، وگلو درد معمولاً با مراقبت های خانگی میتوانند بهبود/درمان یابند).

Common winter **ailment** such as: cold, coughs and sore throats can usually be treated with home remedies.

(پیرزن جز درباره علیلی و رنجوری خود حرفی نزد.)

**The old woman talked of nothing but her ailment.**

ولی **Condition** به نوعی بیماری اطلاق می شود که قسمتی از بدن را مبتلا می سازد و معمولاً "حالت مزمن دارد".

(بیماری آسم بویژه در کودکان می تواند بسیار ترسناک باشد.)

**Asthma can be a very frightening condition, especially in a child.**

\*\*\*\*\* **in-**\*\*\*\*\*

حرف اضافه **In** با رنگها در مفهوم (پوشیدن لباس ..... ) بکار می رود.

{ آن سروان لباس سبز پوشیده است. (ملبس به لباس سبز است) }.

**That sergeant is in green, suit.**

(دختری که لباس آبی به تن دارد دختر من است.)

**The girl, who is in blue, is my daughter.**

\*\*\*\*\* **int** \*\*\*\*\*

باید توجه داشت که **Interested** و **Interesting** با هم اشتباه نشوند. زیرا معانی آنها بکلی متفاوت است.

**Interested** نشاندهنده تمایل یا علاقه فرد به شخص یا چیزی یا کاریست.

(تازگی ندارد که در این باره به او گفته ام که من خیلی علاقه ای به سیاست ندارم، اما او فقط به آن علاقه مند است).

**I'm not very interested in Politics' tired to tell him about it, but he just want interested.**

(من علاقه مند خواهم شد که/ بدانم/ به ببینم / چه اتفاقی افتاده است.)

**I'll be interested to see what happens.**

ولی **Interesting** بیانگر این است که شخص یا چیز یا پدیده های جالب است و توجه دیگران را به خود جلب می کند.

(او بی گمان یک خانم مورد توجه است.)

**She is quite an interesting woman.**

(من دریافتم که بیان او بسیار مورد توجه است.)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

I found his talk very **interesting**.

(جالب است که همه اطلاعات شما را بشنویم.)

It's **interesting** to hear all your news.

بنابراین **غلط** است اگر گفته شود: (من از داستان او مورد توجه هستم.)

I am **interesting** in his story.

بلکه باید گفت: (من از داستان او متعجب هستم.)

I am **interested** in his story.

\*\*\*\*\* **inv** \*\*\*\*\*

پیشوند (In) و پسوند (Less -) معمولاً صفات را منفی می کنند.

(نامشخص - نامعلوم = Indefinite) یا (بی معنی = meaningless)

اما معهود صفاتی هستند که تابع این قاعده نیستند. یکی از آنها Invaluable است. لذا این کلمه را نمیتوان به (بی ارزش - بی فایده) ترجمه کرد، بلکه بر خلاف انتظار معنی آن را میتوان به (ارزشمند و مفید) ترجمه کرد.

(توصیه شما برای ما بسیار ارزشمند بوده است.)

Your advice has been **invaluable** to us.

اگر بخواهیم Valuable را منفی کنیم باید از پسوند (Less) استفاده کنیم. بنابراین باید از کلمه Valueless (بی ارزش - بی فایده) استفاده نمود. مثال:

(بعضی نگرشها واقعا "بی ارزش هستند.)

Such attitudes are really **valueless**.

\*\*\*\*\* **it** \*\*\*\*\*

وقتی ندانند بچه ای پسر است یا دختر، برای اشاره به او از It و Its استفاده می کنند.  
(او بچه را به بالا پرتاب کرد و گریه اش را متوقف ساخت.)

He threw the baby high in the air and **it** stopped crying.

(بچه در حال مکیدن انگشت شصتش بود.)

The baby was sucking **its** thumb.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **jur** \*\*\*\*\*

Jury (هیئت منصفه) میتواند ، هم با فعل مفرد و هم با فعل جمع بکار رود.  
(هیئت منصفه نتوانسته است به رای قطعی برسد).

**The jury/ has/have/ been unable to return a verdict.**

\*\*\*\*\* **jus** \*\*\*\*\*

قید های: ( Already هم اکنون – همین حالا ) – ( Yet تا کنون - تا بحال – هنوز ) –  
( Just فقط – همین و بس) در انگلیسی آمریکایی اغلب با **زمان گذشته ساده** بکار میروند.  
(حالا غذایت را می خوری ؟)

**Did you eat yet?**

( هم اکنون او را دیدم .)

**I already saw him.**

( زنگ همین حالا به صدا درآمد .)

**The bell just rang.**

این کاربرد تا حدودی در انگلیسی بریتانیایی مرسوم شده است . با وجود این کاربرد ، این  
قید ها با **زمان حال کامل** رایج تر است.  
(تا بحال غذایت را خورده ای ؟)

**Have you eaten yet?**

( هم اکنون او را می بینم .)

**I have already seen him.**

( زنگ همین حالا به صدا درآمده است .)

**The bell has just ringed.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

*K*  
**K**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **kee** \*\*\*\*\*

فعل **keep** به معنی (ادامه دادن) هم با حرف اضافه **On** صحیح است و هم بدون حرف اضافه **On** صحیح است. ولی باید توجه داشت که بعد از آن اسم مصدر بکار می رود. (بعد از چند ثانیه ای مجدداً به صحبت ادامه داد.)

After a few second he (**kept on /kept**) talking again.

همچنین بعد از فعل **keep** چنانچه با مفعول همراه باشد، باید از صفت و یا اسم مفعول استفاده شود. (لطفاً آن بچه را ساکت کنید، می خواهم درس را بخوانم.)

Please keep **that child quiet**; I want to study my lessons

صفت مفعول

(آنها مدرسه را برای مدت سه ماه تعطیل خواهند کرد.)

They will keep **the school closed**; for three month.

مفعول اسم مفعول

\*\*\*\*\* **kill** \*\*\*\*\*

**Kill** و **Murder** هر دو را میتوان در فارسی (کشتن - به قتل رساندن) ترجمه کرد. ولی این دو واژه در انگلیسی کاملاً هم معنا نیستند. **Kill** به معنی (کشتن) است، اعم از این که (عمل کشتن) عمدی یا غیر عمدی باشد. (او با ماشین تصادف کرد و کشته شد.)

The car hit the man and **killed** him.

(او دشمن خود را با کارد به قتل رساند.)

He **killed** his enemy with a knife.

اما کلمه **Murder** فقط به معنی (کشتن عمدی و غیر قانونی یا به قتل رساندن) است. (دزد پیرزن را به خاطر پولش به قتل رساند / کشت.)

The thief **murdered** the old woman for her money.

\*\*\*\*\* **kin** \*\*\*\*\*

بدنبال **Kind of** و **Sort of** (نوع - قسمت - جور) اسم به صورت مفرد می آید.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(آن درخت از کدام نوع است.)

**What/ kind of /sort of/ tree is that?**

در سبک نوشتاری رسمی به دنبال صورت جمع **Kinds of** و **sorts of** نیز اسم به صورت مفرد می آید.

(مار های متفاوتی از انواع مختلف در آمریکای جنوبی وجود دارد.)

**There are different /kinds of/sorts of/ snake in south America.**

ولی در سبک غیر رسمی به صورت جمع می آید.

(من انواع مختلفی را از مارها را در آمریکای جنوبی دیدم.)

**I saw all/ kinds of /sorts of/ snakes in south America.**

همچنین در یک سبک رسمی تر می توان جمله را از ابتدا با اسم شروع کرد.

(مارهای متنوعی در آمریکای جنوبی یافت می شود.)

**Snakes of many/ kinds of /sorts of/ are found in south America.**

\*\*\*\*\* **kno** \*\*\*\*\*

یکی از معانی **Know** (بلد بودن - دانستن) است. در این کاربرد پس از **Know** واژه **How** و **How** و **To** می آید.

(من می دانم که چطور شنا کنم.)

**I know** how to swim.

(او می داند که چطور آشپزی بکند.)

**She knows** how to cook.

باید توجه داشت که در این کاربرد کلمه **How** را نمی توان حذف کرد.

بنابراین جمله های زیر **غلط** هستند.

**I know** to swim.

**She knows** to cook.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی





چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* lan \*\*\*\*\*

قبل از زبانهای زنده دنیا اگر حرف تعریف معین The بکار رود، بعدش حتما" کلمه language لازم است .

In English = in the English language. (بزبان انگلیسی)

In French = in the French language . (بزبان فرانسه)

\*\*\*\*\* lat \*\*\*\*\*

باید توجه داشت که Latest ,Last ,Latter با هم اشتباه نشوند. کلمه های Latest و Last هر دو را میتوان در فارسی ( آخرین ) ترجمه کرد ولی معنی آنها با هم تفاوت دارد. Latest به معنی (آخرین یا جدیدترین ) است. مثال :  
(تا بحال/آخرین /جدید ترین/رمان او را خوانده ای ؟)

Have you read her latest novel?

ولی کلمه Last به معنی (آخرین یا پایانی) است که پس از آن دیگر چیزی یا عملی صورت نمی گیرد. (این آخرین رمانی است که او قبل از مرگش نوشت .)

This is the last novel she wrote before she died.

کلمه بعدی The latter به معنی (دوم یا دومی ) است و در زمانی استفاده می شود که دو چیز بدنبال هم ذکر شده باشند .  
(اگر من شانس مسافرت با کشتی یا هواپیما رزا داشتم ،دومی را انتخاب می کردم) .

If I had the choice of traveling by ship or plane, I would choose the latter.

\*\*\*\*\* lay \*\*\*\*\*

باید توجه داشت که صورت های صرفی دو فعل Lay و Lie با هم اشتباه نشوند .  
Lay فعلی است متعدی به معنی (گذاشتن یا قرار دادن) که صورت گذشته و اسم مفعول آن Laid است.  
(کاغذها را روی میز قرار دادم).

I laid the papers on the table.

(چندین پیشنهاد روی میز کمیته قرار دارد .)

Several proposals have been laid before the committee.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

وقتی ( **ing -** ) به این فعل اضافه شود به صورت **Laying** نوشته می شود.

( او لباسهایش را روی تخت قرارداد بود . )

**She was laying her dress on the bed.**

اما کلمه **Lie** فعلی است لازم و به معنی ( دراز کشیدن ) است . زمان گذشته این فعل **Lay** و اسم مفعول آن **Lain** است .

( بعد از اینکه ساعتی دراز کشیدم سردردم خوب شد . )

**After I had lain for an hour my headache went.**

( او روی تخت دراز کشید و خوابش برد . )

**He lay on bed and went to sleep.**

بنابراین اگر بخواهیم این جمله را که ( من دراز کشیدم و چشمهایم را بستم ) به انگلیسی ترجمه کنیم ، باید بگوئیم که :

**I lay down and closed my eyes.**

لذا اگر این متن را به اینصورت ترجمه کنیم **غلط** است

**I laid down and closed my eyes.**

\*\*\*\*\* **les** \*\*\*\*\*

**Less** و **Fewer** هر دو را می توان در فارسی ( کمتر ) ترجمه کرد . **Fewer** با اسمهای شمار پذیر ( **countable** ) بکار می رود . مثال :

( تعداد ماشین هائی که بیرون پارک کرده اند از دیروز کمتر است . )

**There are fewer cars parked outside than yesterday.**

اما واژه **Less** با اسمهای شمار نا پذیر ( **uncountable** ) بکار می رود . مثال :

( من نسبت به دیگران پول کمتری دریافت کردم . )

**I received less money than the others did.**

ولی در انگلیسی گفتاری روزمره این تمایز کمتر رعایت می شود . **Less** بطور روز افزون به جای **Fewer** با اسمهای شمار پذیر بکار می رود .

( از زمانیکه سرعت در این جاده کاهش یافته تعداد کمتری تصادف بوقوع پیوسته است )

**There have been less accidents on this road since the speed limit was reduced.**

\*\*\*\*\* **lie** \*\*\*\*\*

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

برای کاربرد **To lie** (دروغ گفتن) و **To lie** (دراز کشیدن - قرار داشتن) و **To lay** (نهادن - قرار دادن - تخم گذاشتن) بهتر است ترکیب این سه فعل را بدقت بخاطر بسپارید.

<b>To Lie</b>	Lied	Lied	دروغ گفتن
<b>To Lie</b>	Lay	Lain	دراز کشیدن - قرار داشتن
<b>To Lay</b>	Laid	Laid	نهادن - چیدن - قرار دادن - تخم گذاری کردن (به من دروغ نگو.)

**Don't lie to me.**

(لطفاً "میز را بچین، چون خیلی گرسنه هستم.)

**Please lay the table, I'm very hungry.**

(امروز صبح مرغ دوتا تخم کرد.)

**The hen laid two eggs this morning.**

(فرش روی کف اطاق قرار دارد.)

**The carpet is lying on the floor.**

(ایران بین اتحاد جماهیر شوروی سابق و خلیج فارس قرار دارد.)

**Iran lies between the former Soviet Union and the Persian Gulf.**

\*\*\*\*\* lig \*\*\*\*\*

صورت گذشته و اسم مفعول فعل **Light** (نور-روشنائی) معمولاً **Lit** است.

(او شمع را روشن کرده است.)

**He lit a candle.**

(کبریت روشن پیش او بوده.)

**He has lit a match.**

ولی وقتی اسم مفعول این فعل به عنوان صفت قبل از اسم بکار می رود فقط از صورت

**Lighted** استفاده می شود.

(یک نفر کبریت روشنی روی زمین / کف زمین انداخته است.)

**Someone dropped a light match on the floor.**

(پسر جوانی شمع روشنی در دست نگهداشته بود)

**A young boy was holding a lighted chandelle.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

بنابراین صورت های **A lit candle --- A lit match** غلط هستند.

\*\*\*\*\* **loo** \*\*\*\*\*

واژه **To** در آخر اصطلاح **Look forward to** (با اشتیاق بودن - در انتظار بودن) حرف اضافه است. بنابراین وقتی فعل بدنبال آن بیاید، باید با **ing** - باشد. مثال: (ما مشتاق بودیم خبری از شما بشنویم.)

**We are looking forward to hearing from you.**

(من مشتاق بودم شما را ببینم.)

**I am looking forward to seeing you.**

در این صورت **غلط** است اگر گفته شود:

**We are looking forward to hear from you.**

**I am looking forward to see you.**

\*\*\*\*\* **loo** \*\*\*\*\*

به واژه های **tighten-tight-loosen-loose** دقت کنید. واژه **loose** با تلفظ (لوس) صفت است و معنی (شل- گشاد) را می دهد در حالیکه **loosen** معنی (شل کردن) را میدهد. (یکی از دکمه های شل است.)

**One of your bottoms is loose.**

(لطفاً پیچ را شل کنید.)

**Loosen the screw please.**

ولی **tight** به معنی (سفت- محکم- تنگ) صفت است در حالیکه **Tighten (ed)** به معنی (سفت و محکم کردن) فعل می باشد.

(نمی توانم چوب پنبه را از بطری بیرون بیاورم، چون خیلی سفت و محکم است.)

**I can't get the cork out of the bottle, because it's too tight.**

(لطفاً طنابهای چادر را/ سفت/ محکم/ کنید.)

**Please tighten the ropes of the tent.**

\*\*\*\*\* **lov** \*\*\*\*\*

**Love** از جمله افعالی است که بصورت استمراری بکار نمی رود.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

بنابراین صورت های زیر **غلط** هستند.

**Children are loving to play.**

**He is loves his wife.**

بلکه باید صورت صحیح آنها بکار برد .

**Children love to play.**

**He loves his wife.**

\*\*\*\*\* **lug** \*\*\*\*\*

**Baggage** و **Luggage** هر دو به یک معنی و به (چمدان - ساک ) و دیگر وسایلی که

مسافر با خود حمل می کند گفته می شود. این دو واژه شمار نا پذیر می باشند. یا به عبارت

دیگر جمع بسته نمی شوند. بنابراین **غلط** است اگر گفته شود :

(من سه/ ساکها /چمدانها /را دارم .)

**I have three/baggages / luggages/.**

لذا باید در اینجا گفت : (من سه قطعه /چمدان /ساک /دارم .)

**I have three pieces of/ baggage / luggage/.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* mac \*\*\*\*\*

یکی از معانی Machinery در فارسی (ماشین آلات) است. با آنکه (ماشین آلات) در فارسی جمع است ولی Machinery در انگلیسی شمار نا پذیر است. (یعنی جمع بسته نمیشود.)  
(کارخانه ماشین آلات جدیدی وارد کرده است.)

The Factory has imported new **machinery**.

اگر بخواهیم این کلمه را به معنی مفرد بکار بریم از کلمه Piece استفاده می کنیم.  
(این یکی از ماشینهای بسیار مفید است.)

This is a very useful **piece** of **machinery**.

\*\*\*\*\* man \*\*\*\*\*

کلمه many بمعنی (بسیار) برای اسامی قابل شمارش بکار می رود و کلمات (صفات) دیگر اسامی قابل شمارش عبارتند از:

(کمی-چند تا - اندکی-**few**)

(چندین-**several**)

(چند تایی-شماری **a few**)

(تعداد زیادی- **a large number of**)

اما باید توجه داشت که قبل از **an - a - much - many** که همراه اسم هستند، هرگز

از **no** استفاده نمی گردد، بلکه بجای آن بایستی از **not** استفاده گردد.

زیرا **no** بعنوان صفت همیشه قبل از اسم بکار می رود، در حالیکه **not** بعنوان صفت همراه با صفات فوق قبل از اسم بکار می رود.

(گلهای زیادی باقی نمانده.)

**Not many** flowers are left.

(پول زیادی خرج نکرده.)

**Not much** money he has spent.

(هیچکس به او رای نداد.)

**Not a** person voted for him.

(چتری دست او نبود.)

**Not an** umbrella was his hand.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* mar \*\*\*\*\*

Marry (ازدواج کردن) فعلی است متعدی و بدون حرف اضافه بکار می رود. مثال :  
(او با دوست خواهرش ازدواج کرد .)

He **married** a friend of his sister's.

پس **غلط** است اگر گفته شود : (او با یکی از دوست خواهرش ازدواج کرد .)

He **married with** a friend of his sister's.

پس باید توجه داشت که بعد واژه Marry به معنی (ازدواج کردن) در جملات معلوم هرگز از حرف اضافه to یا with استفاده نکنید. ولی اگر این فعل در حالت مجهول دیده شد نیاز به حرف اضافه to به معنی (با) را دارد. مثال :  
(من سال گذشته با او ازدواج کردم .)

I **married her** last year.

(خواهرش با یک معلم ازدواج کرده است .)

His sister is **married to** a teacher.

در انگلیسی گفتاری روزمره be/get/ married to someone برایش تر است. مثال :  
(او هفته آینده در حال ازدواج با آنیتا است .)

He is **getting married** Anita next week.

اما اگر سوال شود که : (شما چه مدتی است که با آنیتا ازدواج کرده اید ؟)

How long have you **been married** to Anita?

می توان پاسخ داد: (من برای شش سال است که با او ازدواج کرده ام .)

I have **been married** to her, for six years.

یا میتوان گفت : (او بمدت شش سال است که ازدواج کرده و حالا دو دختر دارد.)

She **is married**, for six years and now she has two daughters.

\*\*\*\*\* mea \*\*\*\*\*

اگر واحد های اندازه گیری ( measurement ) در نقش اسم بکار روند جمع، ولی اگر در نقش صفت و قبل از اسم بکار روند بصورت مفرد است. مثال :



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(آن دختر شش سال دارد.)

**That girl is six years old.**

(او یک دختر شش ساله است.)

**She is a six-year-old girl.**

(لطفاً یک اسکناس ده دلاری به من بدهید.)

**Please give me a ten-dollar note.**

**A three bed room.** (یک اتاق سه تخته)

**Two three bed rooms.** (دو تا اتاق سه تخته)

\*\*\*\*\* **med** \*\*\*\*\*

Media صورت جمع Medium است. در فارسی اگر با کلمه The همراه باشد معنی آن (رسانه گروهی- وسایل ارتباط جمعی) است بنابراین قاعدتاً باید با فعل جمع بکار رود. (رسانه های جمعی بسیار موثر هستند).

**The media are very influential.**

ولی امروزه کاربرد آن با فعل مفرد نیز رایج شده است. بنابراین Media را می توان با فعل مفر نیز بکار برد. (رسانه های گروهی در مورد شروع این شایعه مقصر هستند.)

**The media is /are /to blame for starting rumors.**

\*\*\*\*\* **mem** \*\*\*\*\*

وقتی Memory به معنی (حافظه) باشد معمولاً (ولی نه همیشه) به صورت مفرد بکار میرود. (او حافظه اش را در اثر یک تصادف از دست داد.)

**He lost his memory in an accident.**

(هیچکس دقیقاً نمی داند کدام قسمت های مغز مسئولیت بخش حافظه را بعهده دارد.)

**No one knows exactly which parts of brain are responsible for memory.**

ولی وقتی Memory به معنای (خاطره) باشد معمولاً (ولی نه همیشه) به صورت جمع می آید. (او خاطرات خوشی از دوران بچگی اش دارد.)

**He has happy memories of her childhood.**

(این آهنگ خاطرات غم انگیز جنگ را به یاد می آورد.)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**This song brings back the sad memories of the war.**

\*\*\*\*\* mig \*\*\*\*\*

**May** و **Might** هر دو را میتوان در فارسی (ممکن است) ترجمه کرد. ولی تفاوت ظریفی بین این دو وجود دارد که **Might** نسبت به **May** امکان ضعیف تری را بیان میکند. (کسی چه میداند، ممکن است انگلستان جام جهانی را ببرد).

**Who knows, England might win the world cup.**

(من ممکن است دیر کنم، در این صورت بدون من شروع کنید.)

**I may be late, so start without me.**

ولی در انگلیسی روزمره به این تفاوت ظریف معنایی توجه نمی شود و **May** و **Might** را بجای یکدیگر بکار می برند. (اگر هوا خوب باشد ممکن است ما برای تعطیلات آخر هفته بیرون برویم.)

**We/ may / might/ go away for the weekend if the whether is nice.**

\*\*\*\*\* muc \*\*\*\*\*

**Many** و **Much** هر دو را می توان در فارسی (زیاد - خیلی) ترجمه کرد. ولی کاربرد آنها در انگلیسی متفاوت است. **Much** قبل از اسم هایی میآید که **شمار نا پذیرند**. مانند:

**Much sugar** (شکر زیاد)

**much time** (وقت زیاد)

**Much money** (پول زیاد)

**Much water** (آب زیاد)

(این گیاه به آب زیادی احتاج ندارد).

**This plant dose not need much water.**

ولی **many** قبل از اسم هایی میآید که **شمار پذیرند**.

(در راهرو بچه های زیادی بودند).

**There were many children in the corridor.**

البته این تفاوت کاربرد در جمله های منفی هم وجود دارد.

(نان زیادی باقی نمانده است).

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Not much bread is left.**

(در کلاس صندلی زیادی نبود.)

**Not many chairs were in the classroom.**

\*\*\*\*\* mus \*\*\*\*\*

صرف نظر از تفاوت های ظریفی که **must** و **have to** دارند، ولی هر دو را میتوان در فارسی (باید) ترجمه کرد.

(من باید ماشین را امروز بشویم.)

**I must wash the car today.**

(تو باید هرچه پلیس میگوید عمل کنی.)

**You have to do what policeman says.**

باید توجه داشت که **must** صورت گذشته و آینده ندارد و در صورت نیاز برای گذشته آن از **had to** و برای آینده آن از **will have to** استفاده می شود .

(من باید برای اتوبوس نیم ساعت صبر میکردم.)

**I had to wait half an hour for a bus.**

(ما باید پولی را که احتیاج داریم غرض بگیریم)

**We'll have to borrow the money we need.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **nam** \*\*\*\*\*

در کشور های انگلیسی زبان **First Name** به معنی (اسم کوچک یا نام ) است و آن اسمی است که پدر و مادر در هنگام تولد روی شخص می گذارند. در کشورهای مسیحی گاهی به جای **First Name** می گویند **Christian Name**. در پرسشنامه ها و نوشته های رسمی برای **First Name** از **Forename** استفاده می کنند که باید ترجمه شود

(نام). ولی (نام خانوادگی) را در انگلیسی **Surname** یا **Family name** و یا **Last name** می گویند. کلمات **Miss., Ms. Mrs., Mr.,** اغلب با نام خانوادگی افراد بکار می روند و هیچ وقت جلوی اسم کوچک به تنهایی نمی آیند. مثلاً " اگر نام کسی **John Green** باشد میتواند او را **Mr. Green** یا **Mr. John Green** نامید ولی نمیتوان گفت **Mr. John** اما گاهی پدر و مادر نامهایی علاوه بر **First Name** بر روی فرزندان خود می گذارند

که آنها را (نام های میانی) **Middle Name** می گویند. ولی **Full Name** عبارت است از (نام، نام میانی و نام خانوادگی). بنابراین برای **John Fitzgerald Kennedy** میتواند گفت: نام او **John** و نام میانی **Fitzgerald** و نام خانوادگی او **Kennedy** میباشد.

\*\*\*\*\* **nea** \*\*\*\*\*

**Near** و **Close** هر دو را در فارسی می توان (نزدیک) ترجمه کرد. واژه **By** گاهی نیز به همین مفهوم به کار می رود. ولی تفاوت معنایی ظریفی که بین این سه وجود دارد این است که **Close** و **By** فاصله نزدیک تری را نسبت به آنچه که مورد بحث است بیان میکنند. (ما نزدیک دریا زندگی می کنیم.)

We live **near** the sea .

( ما /طرف /جنب/ دریا زندگی می کنیم.)

We live **by** the sea.

( ما/ نزدیک / چسبیده /به دریا زندگی می کنیم.)

We live **close** the sea.

\*\*\*\*\* **nee** \*\*\*\*\*

فعل **need** را می توان به صورت یک فعل با قاعده به کار برد :

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**She needs to know.**

**She doesn't need to know.**

**Dose she need to know?**

و گاهی نیز می توان آن را به صورت یک فعل وجهی یا معین یا کمکی بکار برد .

**She need know.**

**She need not know.**

**Need she know?**

فراموش نکنیم که فعلهای با قاعده آن است که از دستور خاصی برای هر سه زمان استفاده میشود .

\*\*\*\*\* **nei** \*\*\*\*\*

بدنبال **Neither** (هیچکدام - هیچیک-هیچوقت- هیچگاه ) و **Either** (هرکدام- هر یک )

اسم و فعل بصورت مفرد می آیند .

( هیچکدام از کاندیدا برای این پست/شغل مناسب نیستند ) .

**Neither candidate is suitable for the job.**

یا اینکه: ( هرکدام از کاندیدا برای این/ پست / شغل/ مناسب هستند ) .

**Either candidate is suitable for the job.**

بدنبال ترکیبات : **Neither of , Either of , None of , Any of ,**

اسم بصورت جمع و فعل بصورت مفرد یا جمع می آید . ولی در گفتار روزمره فعل بصورت

جمع رایج تر است .

(هیچیک از دوستانم ماشین ندارند .)

**Neither of my friends/ has/have/ a car.**

(هرکدام شما توت فرنگی دوست دارید ؟)

**Dose /Do/ either of you like strawberries?**

(هیچکدام از دختران به یک زبان خارجی نمی توانند صحبت نمایند .)

**None of the girls/ speak/speaks /a foreign language.**

(کدامیک از بچه ها می توانند موزیک بنوازند .)

**Dose/ Do/ any of the children play a musical instrument?**

بدنبال اصطلاح ( **Neither .....nor** ) نیز فعل می تواند به صورت مفرد یا جمع باشد.

(هیچوقت تلویزیون خاصیت ویدیو را ندارد .)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Neither the Television nor the Video works/work properly.**

\*\*\*\*\* new \*\*\*\*\*

کلمه news بمعنی ( خبر – اخبار ) با فعل مفرد بکار می رود .

The **news are** interesting. . پس این جمله غلط است .

The **news is** interesting. . جمله صحیح این است .

\*\*\*\*\* nig \*\*\*\*\*

به کار برد های At night - By night - In the night - During the night و

On a .....night توجه کنید :

**1/ At night** وقتی بکار می رود که چیزی معمولاً شب اتفاق بیافتد و آن را می توان به

فارسی (شب یا شبها) ترجمه کرد.

(خفاشها و جغدها فقط/ شب / شبها بیرون می آیند .)

**Bats and Owls only come out at night.**

**2/ By the night** همان معنی at night را دارد و مخصوصاً در تضاد با (روز) به کار

می رود .

(من دوست ندارم شب / شبها رانندگی کنم .)

**I don't like driving by night.**

**3/ In the night** معمولاً اشاره به شبی دارد که ذکر آن به میان آمده است و می توان آن

را به فارسی ( توی شب یا در طول شب ) ترجمه کرد .

(بچه سه بار توی شب / در طول شب بیدار شد.)

**The baby woke up three times in the night.**

**4/ During the night** همان کار برد In the night را دارد.

(در طول شب سخت بارن می بارید.)

**It was raining hard during the night.**

**5/ On a ...night** وقتی بکار می رود که در باره یک شب خاص صحبت می کنیم .

(شبی در ماه می .)

**On a night in May.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

( در یک شب سرد زمستان . )

**On a cold winter's night.**

\*\*\*\*\* num \*\*\*\*\*

**A number of** همیشه با فعل مفرد بکار می رود، در حالی که **The number of** همیشه با فعل جمع بکار می رود.

(تعداد کتابهایی که از کتابخانه گم شده خیلی زیاد است .)

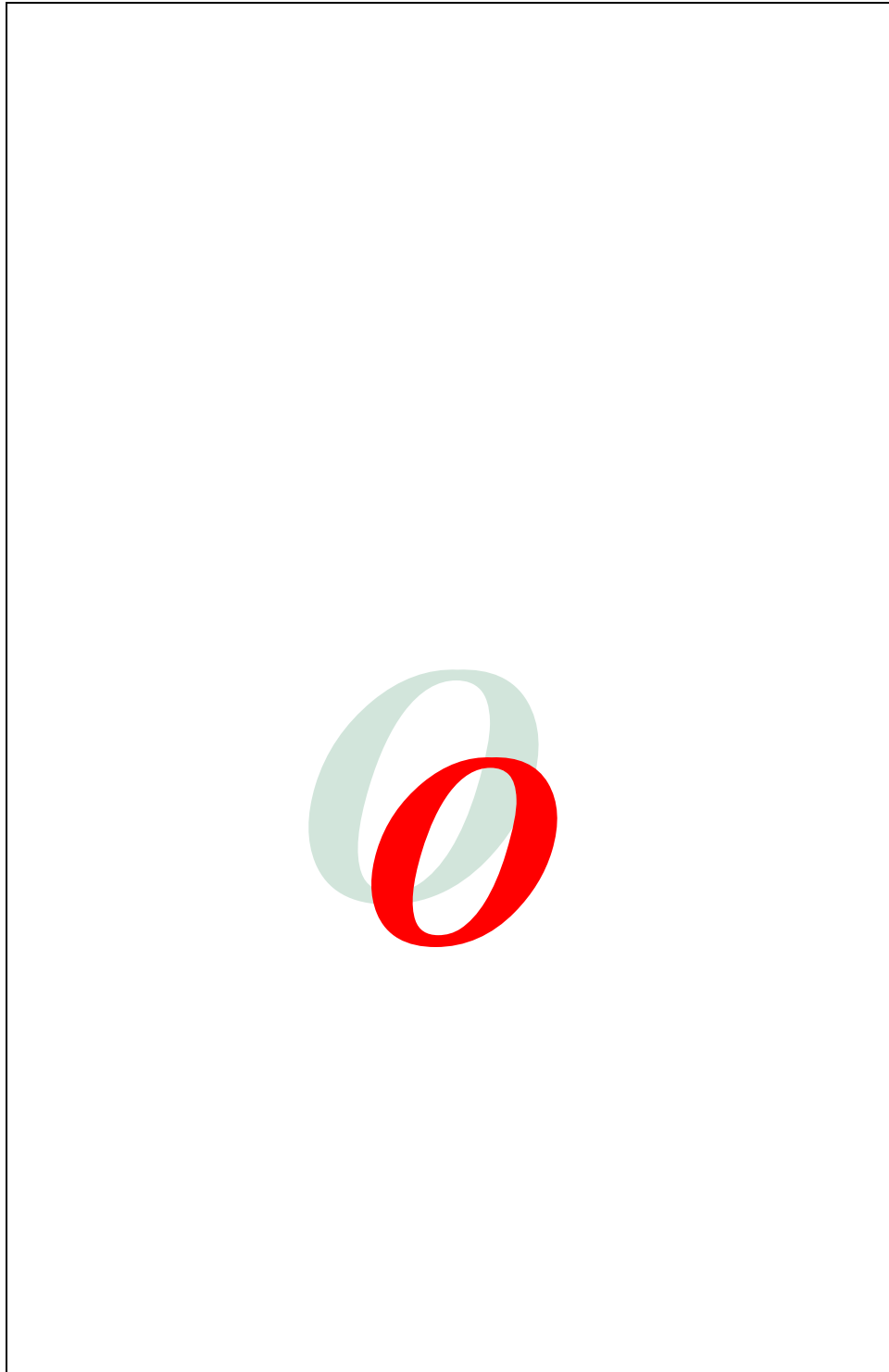
**The number of** books missing from the library **is** large.

(تعدادی کتاب از کتابخانه سرقت شده .)

**A number of** books **are** stolen from the library.



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* of-\*\*\*\*\*

در انگلیسی وقتی بخواهیم بگوئیم (چیزی متعلق به چیز دیگری است یا جزئی از آن است) معمولاً از حرف اضافه Of استفاده می کنند که در فارسی غالباً بصورت (کسره اضافه) ظاهر میشود. (جلد کتاب The cover of the book) (پایان فیلم The end of film) (اول جون The first of June) (در اتاق The door of the room) ولی اگر بخواهیم بگوئیم (چیزی به کسی تعلق دارد) از (S) - یا (S) استفاده می کنیم که در فارسی غالباً به صورت (کسره اضافه) ظاهر می شود.

(نمرات دانش آموزان The students' grade) (حقوق زنان Women's rights) (ماشین دخترم My daughter's car). وقتی در باره یک دوره زمانی صحبت می کنیم می توانیم از (S) و (S) استفاده کنیم. (Three weeks' vacation) (A day's work) (A month's unlimited train travel around Europe) در سبک روزنامه ای و انگلیسی آمریکایی (S) به طور روزافزون با اسم مکان ها بکار می رود. (China's Recent History) (Chicgo's Skyscrapers).

\*\*\*\*\* onc \*\*\*\*\*

Once به معنی (وقتی - یک وقت یا یک روز) است و به زمانی نا معین در گذشته اشاره می کند (من یک وقت او را در ونزونا ملاقات کردم).

I met her **once** in Venezuela.

اگر بخواهیم به زمان نا معلومی در آینده اشاره کنیم از Sometimes یا Once day استفاده می کنیم.

(یک روز/یک وقت انتقام خودم را خواهم گرفت)

**Once day**, I'll get my revenge.

(بعضی اوقات بیا سری به من بزن)

Come up and see me **sometimes**.

باید توجه داشت که Once به معنی (یک بار - یا یک دفعه) نیز بکار می رود.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(لطفاً توجه کنید، من این موضوع را فقط یک بار میگویم)

**Please pay attention; I'm going say this subject only once.**

\*\*\*\*\* one \*\*\*\*\*

One گاهی به معنی (شخص) در معنی عام کلمه بکار می رود، که می توان آن را به فارسی (شخص، انسان، آدم) ترجمه کرد.  
(آنچه را که می خواهی اینجا، می توانی انجام دهی.)

**One can do what one like here.**

ولی در این کار برد بیشتر از You استفاده می شود تا از واژه One لذا در جمله بالا بیشتر رایج است بگوئیم:

**You can do what you like here.**

یکی دیگر از کاربرد های One این است که از تکرار اسم در جمله جلوگیری می کند.  
مثلاً " به جای جمله : (نتیجه، اساساً" یک نتیجه اقتصادی است.)

**The reason is basically an economic reason.**

گفته می شود: (علت ، اساساً" ناشی از اقتصاد است.)

**The reason is basically an economic one.**

وقتی اسم بصورت جمع باشد از Ones استفاده می کنند.  
(او ترجیحاً" ماشین آلمانی بجای انگلیسی خرید.)

**He buys German cars rather than British ones.**

\*\*\*\*\* oug \*\*\*\*\*

should ,Ought to بمعنی (بایستی) دو زمان دارد :

فعل(مصدر بدون to) + ought to + فاعل = زمان اول

I ought go. بایستی بروم. = زمان اول

I should go. بایستی بروم. = زمان اول

I ought to go there tonight. من بایستی امشب آنجا بروم. = زمان اول

I should see him tomorrow. . . بایستی فردا او را ببینم. = زمان اول

فعل(اسم مفعول) + have + ought to + فاعل = زمان دوم

I ought to have gone. بایستی میرفتم. = زمان دوم

I should have gone. بایستی میرفتم. = زمان دوم

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

زمان دوم = **You ought to have** come here yesterday.

بایستی دیروز اینجا می آمدید. (یعنی نیامدید)

زمان دوم = **They should have** finished this book last year.

بایستی این کتاب را سال گذشته تمام می کردند. (یعنی تمام نکردند).

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **pai** \*\*\*\*\*

در زبان انگلیسی کلمه **Pair** را برای بسیاری چیزها که معمولاً "از دو قسمت به هم چسبیده و شبیه هم تشکیل شده اند بکار میبرند. ولی باید توجه داشت که در بعضی کلمات مانند: (عینک - شلوار.....) حکم واحد شمارش و تعداد آنرا دارد. مانند:

(یک جفتی **A pair of Scissor**) (یک دوربین چشمی **A pair of binoculars**)

(یک شلوار **A pair of pants**) (دو تا قیچی **Two pairs of Scissors**)

(یک عینک **A pair of Glasses**) (یک شلوار **A pair of trousers**) .

کلمه **Pair** به معنی (جفت) برای چیزهایی که از دو لنگه تشکیل شده اند نیز بکار میرود.

(دو جفت جوراب **Two pairs of Socks**) (یک جفت گوشواره **A pair of earring**)

(یک جفت کفش **A pair of shoes**). اما باید توجه داشت که اگر لغات فوق با **A pair**

باشند همیشه با فعل مفرد، ولی اگر تنها بکار روند با فعل جمع همراه هستند. مثال:

(یک عینک روی میز است.)

**There is a pair of glasses on the table.**

(آن شلوار مشکی رنگ است.)

**Those trousers are black.**

(یک دوربین (چشمی) وسیله خوبی برای یک مهندس است.)

**A pair of binoculars is a good instrument for an engineer.**

(دوربین من کجاست؟)

**Where are my binoculars?**

(این قیچی مال چه کسی است؟)

**Whose scissors are these?**

اما کلمه **Couple** به معنی (دو یا چند تا) از چیزی است که شبیه هم باشند.

(من دو لنگه جوراب پیدا کردم، اما جفت نیستند)

**I have found a couple of socks, but they are not a pair.**

(می توانی چند دلار به من بدهی؟)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Can you lend me a couple of dollars?**

**Pair** و **Couple** را به معنی (زوج یا زن و شوهر) نیز بکار می برند. ولی کاربرد **Couple** در این معنی رایج تر است.  
( آن زن و شوهر بچه ندارند.)

**The couple has no children.**

(زن و شوهر اذعان کردند که ازدواج آنها با مشکل مواجه شده است.)

The/ **pair/couple/** admitted that their marriage was going through a difficult time.

\*\*\*\*\* **pay** \*\*\*\*\*

**Pay** می تواند بدون حرف اضافه بکار رود و معنی آن (پرداختن) است.  
(من صورت حسابم را پرداختم.)

**I paid my bill.**

(آیا آنها هزینه سفر من را خواهند پرداخت؟)

**Will they pay my traveling expenses?**

همچنین **Pay** می تواند با حرف اضافه **For** بکار رود. (Pay... for). در این صورت معنی آن (پرداختن بابت یا برای) است. مثال:  
(او ۲۰۰ دلار بابت تعمیرات پرداخت.)

**He paid \$200 for the repairs**

همچنین کلمه **Pay** می تواند با حرف اضافه **By** بکار رود (Pay... by) که باید (با - به وسیله) ترجمه شود.  
(اجاره را با چک پرداخت کردم.)

**I paid the rent by cheque.**

(ایا می توانم هزینه را به وسیله کارت اعتباری پرداخت کنم)؟

**Can I pay the cost by credit card?**

\*\*\*\*\* **per** \*\*\*\*\*

وقتی **Person** به معنی (فرد یا شخص) بکار می رود معمولاً "صورت جمع آن **People** است. این دو جمله را مقایسه کنید.  
۱- (فقط یک نفر منزلش را گم کرد.)

**Only one person has lost his home.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

۲- (هزاران نفر منزل شان را از دست دادند.)

**Thousands of people** have lost their home.

وقتی **Person** جمع بسته می شود ( **Persons** ) حالت رسمی پیدا میکند و در نوشته های حقوقی و مانند آن بکار می رود .  
( ورود افراد کمتر از ۱۸ سال ممنوع است . )

**Persons** under the age of 18 are not admitted.

(گنجایش آسانسور فقط برای ۸ نفر است.)

The elevator may only carry 8 **persons**.

**People** معمولاً " جمع بسته نمی شود ولی همیشه با فعل جمع بکار می رود.  
(مردم فکر میکنند شما دیوانه شده ای .)

**People** think you have gone mad.

وقتی **People** جمع بسته میشود (**Peoples**) به معنی ( ملت ، نژاد ، یا قوم ) است .  
(ملتهای /نژادهای/ کشورهای انگلیسی زبان جهان .)

The English –speaking **peoples** of the world.

(مردمان/اقوام/ بومی آمریکایی مرکزی.)

The native **peoples** of central America.

\*\*\*\*\* **pla** \*\*\*\*\*

**Where** و **Position, Location, Spot, Place** همه به معنای (جا یا جایی که) هستند ولی بین آنها تفاوتهایی ظریف معنایی وجود دارد. **Place** از همه واژه های دیگر عادی تر است.  
(آلاسکا یکی از سردترین جاهای /نقاط جهان است .)

Alaska is one of the coldest **places** in the world.

**Position** را موقعی بکار می برند که بخواهند جای چیزی را نسبت به چیز های دیگر بیان کنند.  
( این آئینه ها جاب هر چیزی را در اتاق نشان می دهند . )

These mirrors show the **position** of everything in the room.

**Location** واژه ای است رسمی.

(شرکت جای تازه ای برای دفتر خود یافته است .)

The company has found a new **location** for its office.



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Spot** بیشتر در گفتار بکار می رود.

(این قسمت ساحل جای دلخواه من است.)

**This part of the beach is my favorite spot.**

در گفتار روزمره انگلیسی به جای واژه های بالا از:

Where - anywhere - somewhere - someplace و مانند آن استفاده می کنند.

(من به شما نشان خواهم داد که کجا متولد شده ام.)

**1/I'll show you where I was born.**

(او هر جایی را بررسی کرد، اما هنوز نتوانسته نامه را پیدا نماید.)

**2/She looked anywhere, but still couldn't find the letter.**

(اجازه دارم / میتوانم / تلویزیون را جای دیگری بگذارم.)

**3/Can we put the TV. Somewhere else?**

(بعضی مکانها عسل خوبی دارند.)

**4/Someplace have good honey.**

\*\*\*\*\* pou \*\*\*\*\*

Pour و spill هر دو معنی (ریختن) را می دهند. Pour ریختن با قصد و آگاهی است

در حالیکه spill ریختن بدون قصد و اراده است. مثال :

(آرمیتا با دقت چای را بداخل فنجان ریخت.)

**Armita carefully poured the tea into the cup.**

(او با بی دقتی شیر را روی فرش ریخت.)

**She carefully spilled the milk on the carpet.**

\*\*\*\*\* pre \*\*\*\*\*

کلمه Pretty در این معنا در انگلیسی آمریکایی رایج تر است و بیشتر در گفتار بکار میرود.

(بهتر است که یک کت بپوشی، بیرون تقریباً سرد است.)

**You'd better wear a coat; it's pretty cold out.**

به یک تفاوت دستوری نیز باید توجه داشت. اگر a یا an در جمله نیاز باشد باید گفت :

(آن تقریباً یک جاده طولانی است.)

**It's a /fairly /rather /pretty/ long road.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

یعنی **a** یا **an** قبل از این کلمات قرار می گیرند ولی باید دقت داشت که در استفاده از کلمه **Quite** این حروف بعد از این کلمه قرار می گیرد پس برای جمله بالا باید گفت :

**It's quite a long road.**

\*\*\*\*\* **pre** \*\*\*\*\*

یکی از معانی **Presently** (به زودی) است. در این کاربرد **Presently** معمولاً در آخر جمله می آید. (به زودی بهتر خواهی شد.)

**You'll feel better presently.**

(به زودی او را خواهی دید.)

**You'll meet her presently.**

یکی دیگر از معانی **Presently** (فعلاً" یا در حال حاضر) است. در این کاربرد **Presently** بعد از فعل **To be** و قبل از فعل اصلی می آید. (جزیره در حال حاضر خالی از سکنه است.)

**The Island is presently uninhabited.**

(او فعلاً" سرگرم طرحهای زیادی است)

**She is presently developing many projects.**

(راه آهن در حال حاضر روزانه ۲۰۰۰۰ مسافر جابجا میکند.)

( **The train service presently carries 20000 passenger daily.**

\*\*\*\*\* **pri** \*\*\*\*\*

**Price** به معنی (قیمت) است و اسم می باشد. ولی **cost** به معنی (ارزش - قیمت و ارزش داشتن) بوده و گذشته و اسم مفعول آن همان **cost** می باشد. (قیمتها روز بروز بالا می رود.)

**The price is increasing day after day.**

(او خانه را بدون در نظر گرفتن قیمت ساخت.)

**He built the house without regard to cost.**

{ارزش آن زیاد است. (زیاد ارزش دارد.)}

**It cost too much.**

(ارزش این اتومبیل چقدر است؟)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**How much does this car cost?**

\*\*\*\*\* **pri** \*\*\*\*\*

**Minister** و **Priest** هر دو به معنای (کشیش) است. به کشیش کلیسای کاتولیک **Priest** و به کشیش کلیسای پروتستان **Minister** می گویند.

**The clergy** اسم جمع است و وقتی در باره مسیحیان بکار برده می شود باید (کشیشان یا روحانیون مسیحی) ترجمه شود. ولی وقتی در باره ادیان دیگر بکار رود ترجمه آن معمولاً "روحانیون" است.

(شایع بود که او دشمن روحانیون انگلیس است.)

**He was rumored to be an enemy of the English clergy.**

\*\*\*\*\* **pro** \*\*\*\*\*

در دانشگاه های آمریکا و بسیاری کشورهای دیگر به کسی که در دانشگاه درس می دهد **Professor** می گویند. که باید (استاد) ترجمه شود. ولی در انگلستان **Professor** به کسی می گویند که بالا ترین مقام دانشگاهی را داشته باشد.

(استاد آئینا مسئولیت این واحد/دپارتمان/اداره/کرسی دانشگاهی است.)

**Professor Anita is in charge of the department here.**

درجات دانشگاهی در آمریکا و انگلستان نامهای متفاوت دارند. در انگلستان **Lecture** پائین ترین درجه دانشگاهی و بالاتر از آن **Senior Lecture** و پس از آن **Full lecture** و پس از آن **Reader** و در نهایت **Professor** است.

ولی در آمریکا **Assistant Professor** (استاد یار) پائین ترین درجه دانشگاهی و بالاتر از آن **Associate Professor** یا **Full Professor** است.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **que** \*\*\*\*\*

وقتی **Question** به معنی (تردید) باشد، بصورت شمار نا پذیر ( **uncountable** ) بکار میرود.  
( صداقت / دوستی / او مورد تردید است.)

**There is some question about his honesty.**

(در باره صداقت / دوستی / او جای هیچ تردیدی نیست.)

**Her sincerity is beyond question.**

\*\*\*\*\* **qui** \*\*\*\*\*

**Quick** (تند- سریع- فرز-زنده-.....) و بعضی صفت های دیگر می توانند بدون تغییر صورت به عنوان قید نیز بکار روند. علاوه بر **Quick** رایج ترین این صفت ها عبارتند از :

**Low- high-near- long- hard- late- early- fast**

( **a quick walk** پیاده روی تند )

(She has a **quick mind** فکرش سریع کار میکند)

(A **quick worker** کارگر فرز)

(The **quick** and the dead زندگان و مردگان)

(هوایما از اتوبوس سریع تر است.)

**Planes are quicker than busses.**

\*\*\*\*\* **qui** \*\*\*\*\*

**Quite** دارای دو معنی متفاوت است. یکی به معنی (نسبتاً) و دیگری به معنی (کاملاً" یا واقعا") است. گاهی از معنی جمله میتوان فهمید که کدام یک از این دو معنی مورد نظر بوده است.

دو مثال زیر را مقایسه کنید.

(کار او نسبتاً" خوب است ولی می تواند بهتر باشد) .

**1/His work is quite good, but it can be better.**

( کاملاً" غیر ممکن است که بتوان این کار مشکل را در یک روز انجام داد) .

**2/It's quite impossible to finish this difficult work in one day.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

گاهی اوقات اطلاعات جمله کافی نیست که روشن کند که کدام معنی مورد نظر بوده است .

مثال : ( فیلم نسبتاً " خوب بود.)

The film was **quite** good.

در چنین مواردی اگر **quite** را به معنی (کاملاً" یا واقعاً" ) بکار ببریم برای رفع ابهام بهتر است از واژه **Really** استفاده کنیم .

The film was **really** good.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

*R*  
**R**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **rai** \*\*\*\*\*

وقتی **Rain** به صورت فعل به معنی (باران آمدن یا باریدن) بکار میرود، همیشه فاعل آن **It** است.  
(باران به تندی می بارید و اوچتر نداشت.)

**It was raining hard, and she hadn't umbrella.**

(باران سرتاسر هفته بارید.)

**It rained the whole weekend.**

\*\*\*\*\* **rar** \*\*\*\*\*

اگر **Rarely** (به ندرت - کمتر - ندرتا) در آغاز جمله قرار گیرد، فعل کمی یا معین قبل از فاعل می آید، بدون اینکه جمله سئوالی شود.

(به ندرت/کمتر/ندرتا// میتوان دید که رئیس جمهور غم و غصه دارد.)

**Rarely has the president looked so ill at ease.**

(به ندرت او در انظارمردم با پدرش مخالفت می کند.)

**Rarely dose he publicly disagree with his father.**

\*\*\*\*\* **rat** \*\*\*\*\*

واژه **Rather than** به معنی (تا اینکه - بجای اینکه) قید است و مستقیماً قبل از فعل زمان حال بکار می رود.

در حالیکه **instead of** به معنی (بجای - در عوض) عبارت حرف اضافه ایست که قبل از اسم بکار می رود و **instead** به معنی (در عوض) قید است و اکثراً در انتهای جمله بکار می رود.

(بجای اینکه از او خواهش کنم که آن کار را برایم انجام دهد، خودم آنرا انجام خواهم داد.)

**I will do it myself rather than ask him to do it.**

(بجای تماشای تلویزیون تکالیف را انجام بده.)

**Instead of watching television do your homework.**

(آب اینجا خوب نیست، بنا براین در عوض آن آب یکبار مصرف می خوریم.)

**The water here is not good, so we are drinking mineral water instead.**

\*\*\*\*\* **rea** \*\*\*\*\*



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Read** از جمله افعالی است که میتواند دو مفعول داشته باشد. یکی مفعول مستقیم و دیگری مفعول غیر مستقیم. معمولاً "مفعول غیر مستقیم شخص است و قبل از مفعول مستقیم می آید. (معلم آنها معمولاً داستانی برای آنها می خواند.)

**Their teacher usually reads them a story.**

اگر بخواهیم مفعول مستقیم را قبل از مفعول غیر مستقیم قرار دهیم جمله به صورت زیر در می آید. (معلم آنها معمولاً برای آنها داستان می خواند.)

**Their teacher usually reads a story to them.**

این قاعده در مورد افعال دو مفعولی دیگر نیز صادق است. (من میتوانم پول به شما قرض بدهم.)

**1/ I can lend you the money.**

(من به شما میتوانم پول قرض بدهم.)

**2/ I can lend the money to you.**

\*\*\*\*\* **real** \*\*\*\*\*

وقتی **Really** (واقعا - حقیقتاً - به راستی) قبل از صفت یا قید قرار می گیرد به معنی (بسیار یا خیلی) است. (او آدم بسیار خوبی است.)

**He is a really nice man.**

(من او را خیلی خوب می شناسم.)

**I know her really well.**

در انگلیسی آمریکایی گفتاری اغلب **Real** را در همین معنی بکار می برند. (واقعا اتومبیل زیبایی است.)

**That's real nice car.**

اگر **Really** در جای دیگر از جمله قرار گیرد، معمولاً "به معنی (واقعا)" است. (او وانمود می کند که خیلی با هوش است، اما واقعا احمق است.)

**She pretends she is very smart, but really she is stupid.**

**Really** معمولاً قبل از فعل می آید و هیچ وقت بلافاصله بعد از آن قرار نمی گیرد. مگر در مورد فعل **To be** که بصورت زیر است.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(اینجا واقعا سرد است.)

**1/ It is really cold in here.**

(او واقعا نمی داند که چه می خواهد انجام دهد.)

**2/ She doesn't really know what to do.**

\*\*\*\*\* rec \*\*\*\*\*

Not long ago - lately - Recently - همه بیانگر آن هستند که رویدادی در گذشته نزدیک رخ داده است و آنها را می توان به (اخیرا" یا این اواخر یا چندی پیش) ترجمه کرد ولی کار برد آنها با هم متفاوت است.

Recently کاربردی عام تر از همه دارد و با انواع جمله ها اعم از مثبت یا منفی یا سنوالی و با زمان های مختلف بکار می رود.

(تا همین اواخر آنها دزر لندن زندگی می کردند.)

**1/Until recently they were living in London.**

(اخیرا" او را دیده بودی؟)

**2/Have you seen him recently?**

(اخیرا" او احساس خوبی نداشت.)

**3/She hasn't been feeling well recently.**

Not long ago فقط با جمله های مثبت و با زمان های گذشته بکار می رود.

(خانه خود را همین اواخر تعویض کردند.)

**They moved house not long ago.**

(چندی پیش ما به آمستردام رفتیم.)

**Not long ago we went to Amsterdam.**

Lately بیشتر با جمله های سنوالی و منفی بکار می رود.

(چند مدت پیش با او صحبت کرده بودی.)

**1/Have you talked to her lately?**

(چند مدت پیش پدرم سلامتی خوبی نداشت.)

**2/Dad's health hasn't been too good lately.**

از آنجا که Recently کاربردی عام تر دارد در تمام مواردی که Not long ago و

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Lately** بکار می روند می توان آنرا جانشین آنان نمود .

\*\*\*\*\* **rem** \*\*\*\*\*

**Remember** به معنی (خاطر آوردن) است و بعد از آن اگر زمان جمله به قبل اشاره کند ، اسم مصدر استفاده می گردد در حالیکه **Remind** به معنی (بخاطر کسی انداختن) می باشد یعنی فعلی است متعدی و نیاز به مفعول دارد . بعد از مفعول فعل بصورت مصدر بکار میرود . (بخاطر دارم که شما رادر جایی دیده ام).

**I remember seeing** you somewhere before.

اسم مصدر

( یادش انداختم که به پدرش تلفن کند . )

**I reminded him to telephone** his father.

مصدر مفعول

**توجه:** فعل **remember** به معنی (سلام رساندن ) نیز در یک جمله اصطلاحی بکار میرود . ( سلام مرا به پدرت برسان . )

**Remember me to your father.**

\*\*\*\*\* **rem** \*\*\*\*\*

حرف اضافه ای که بعد از **remind** بکار می رود **of** می باشد . ( اجازه بدهید وظیفه شما را به شما یاد آوری نمایم . )

**Let me remind you of your duty.**

( او مرا یاد برادرش می اندازد . )

**He reminds me of his brother.**

\*\*\*\*\* **res** \*\*\*\*\*

**The reset** به معنی (بقیه ) است و همیشه به صورت مفرد بکار میرود. وقتی **The rest** به اسم مفرد اشاره می کند فعلی که با آن می آید به صورت مفرد است . مثال : (بقیه این شیر کجاست ؟)

**1/wher is the rest of the milk?**

( ما فقط سه اتاق را استفاده می کنیم ،بقیه این خانه خالی است . )

**2/we only use three rooms; the rest of house is empty.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

ولی وقتی **The rest** به اسمی اشاره کند که صورت جمع داشته باشد، فعل آن هم به صورت جمع می آید .

(بقیه بچه ها اینجا هستند .)

**1/Here are the rest of the children.**

(بقیه این کتابها کجا هستند؟)

**2/ where are the rest of the books?**

وقتی بخواهیم در انگلیسی بگوئیم (بقایا ) از صورت جمع **The rest** استفاده نمی کنیم ،

بلکه معمولاً "اصطلاح **The remains of** را بکار می بریم .

(ما از بقایای یک مسجد قدیمی دیدن کردیم.)

**We visited the remains of an ancient Mosque.**

\*\*\*\*\* **ris** \*\*\*\*\*

کاربرد : **arise – raise - rise**

**Rise** به معنی طلوع کردن - بالا آمدن و بلند شدن است و فعلی است لازم یعنی نیاز به

مفعول ندارد. گذشته آن **rose** و اسم مفعول یا قسمت سوم فعل آن **risen** می باشد .

(خورشید در شرق طلوع می کند .)

**The sun rises in the East.**

(او از جای خود بلند شد که به من خوش آمد بگوید .)

**He rose to welcome me.**

(رودخانه بعثت بارندگی ده اینچ بالا آمده است .)

**The river has risen ten inches, because of the rain.**

**Raise** به معنی بلند کردن - بالا آوردن بوده و فعلی است متعدی یعنی نیاز به مفعول دارد.

این فعل با قاعده بوده، گذشته و اسم مفعول آن **Raised** می باشد.

(اگر جواب را نمی دانید دستهایتان را بلند کنید .)

**If you don't know the answer raises your hands.**

در حالیکه **arise** به معنی ( ناشی شدن - ایجاد شدن - رخ دادن ) است . گذشته آن

**arose** و اسم مفعول آن **arisen** می باشد .

(مشکل جدیدی ایجاد شده است .)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**A new difficulty has arisen.**

\*\*\*\*\* **roa** \*\*\*\*\*

**Road** واژه عامی است که باید (راه یا جاده) ترجمه شود و معمولاً "شهر ها و روستا هارا به یکدیگر متصل می کند.  
( این نقشه راه های ایران است . )

**This is a road map of Iran.**

در انگلیسی آمریکایی **Highway** به دو معنی بکار می رود .یکی به معنی (راه ) که با **Road** هم معنی است .  
(پلیس او را به علت مسدود کردن/ راه/جاده/توقیف کرد.)

**The police arrested him for obstructing the highway.**

و معنی دیگر آن (بزرگراه ) است .  
(مصرف ماشین تازه من در شهر ۵۳ مایل و در بزرگراه هر ۵۸ مایل یک گالن بنزین مصرف میکند . )

**My car gets 53 mils per gallon in the city and 58 miles on the highway.**

**Expressway** که باید آنرا (بزرگراه) ترجمه کرد ، به راه هایی گفته می شود که تعداد تقاطع یا چراغ راهنمایی در آن بسار معدود است.

**Freeway** که باید آنرا (آزاد راه یا اتوبان) ترجمه کرد به راه هایی گفته می شود که معمولاً هیچ تقاطع یا چراغ راهنمایی ندارد.

معادل های **High way -Freeway -Expressway** در انگلیسی بریتانیایی **Motorway** است .

\*\*\*\*\* **rob** \*\*\*\*\*

**Steal- Take- Rob** و **Burgle** همه به معنای (دزدیدن یا دزدی کردن) است، ولی هم از نظر نوع دزدی و هم از نظر کاربرد دستوری با هم تفاوت هایی دارند . برای بیان سرقتی که بطور علنی و با اعمال زور و تهدید انجام می شود از فعل **Rob** استفاده می کنند.  
مفعول **Rob** همیشه شخص یا مکان است.

(گانگستر ها سعی کردن با بکارگیری اسلحه از بانک سرقت نمایند .)

**1/The gang tried to rob the bank using a shotgun.**

(پلیس گفت ، یک ساعت پیش او یک خانم مُسن را ربوده است .)

**2/Police said he had robbed woman just hours earlier.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Rob** بیشتر به صورت مجهول و با حرف اضافه **Of** بکار می رود. مثال :

(او همه پولها و لباسهای او را دزدیده است.)

**He was robbed** all his money and clothes.

برای بیان سرقتی که مخفیانه و بدون اطلاع صاحب مال انجام میشود از فعل **Steal** استفاده میکنند. مفعول این کلمه همیشه شینی است.

(هنگامی که او خواب بوده است ، یکنفر پاسپورت او را دزدیده است.)

Someone **stole** his passport while he was asleep.

(موتور سیکلت من دزدیده شده است.)

My bike has been **stolen**.

ولی واژه **Take** هم بمانند **Steal** می تواند بکار رود .

(یک کسی کیف جیبی مرا دزدیده است.)

Someone has **taken** my wallet.

برای بیان سرقتی که دزد با شکستن قفل در و غیره... وارد ساختمان می شود از فعل

**Burgle** و در انگلیسی آمریکایی **Burglarize** استفاده میکنند. بنا براین مفعول

غالباً مکان است. مثال :

(دو نوجوان با شکستن قفل از دفتر کار سرقت نموده اند.)

Two teenagers/ **burgled/burglarized/** the office.

گاهی نیز **burgle** را بصورت زیر بکار می برند.

(در یک سال سه بار خانه آنها را دزد زده است.)

They have been/ **burgled/ burglarized/** three times in year.

\*\*\*\*\* **roo** \*\*\*\*\*

**Room** و **Space** به صورت شمار ناپذیر (uncountable) به معنی (جا) هستند و اغلب

می توانند به جای یکدیگر بکار روند.

(جایی هست که من اینجا بنشینم؟)

**1/Is there any/ room /space/** for me to sit down here?

(جای برای کتابهای بیشتر در این قفسه وجود دارد؟)

**2/Is there /room /space/** for more books on this shelf?

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(جای کافی که به اینجا بیایی وجود ندارد.)

**3/There is not enough/ room /space/ to move in here.**

A space و A place در معنایی نزدیک به هم بکار می روند و اغلب (جایی یا یک جایی) ترجمه می شود.

(من یک جایی برای کارکردن احتیاج دارم. مانند: دفتر - اتاق مطالعه - میز تحریر)

**1/I need a place to work = (an office, a study, or desk).**

(من یک جایی برای کارکردن احتیاج دارم. مانند: بخشی از یک اتاق - یا میز)

**2/I need a space to work = (a part of room, or table, etc.....).**

در بعضی از اصطلاحات Place و در بعضی دیگر Space بکار می رود.

(A public place یک مکان عمومی)

(A parking space جای پارک)

در انگلیسی گفتاری، مردم اغلب می گویند (Somewhere یا Anywhere) مثال:  
(جایی پیدا نمی کنم که پارک کنم!)

**I can't find anywhere to park!**

(دنبال جایی می گردد که پارک کند.)

**He's looking for somewhere to park.**

وقتی Place جمع بسته می شود (Places) به معنی (جاها یا اماکن) است.  
(از جاهای زیادی بازدید کردیم)

**We visited a lot of places.**

(اماکن عمومی. Public places)

\*\*\*\*\* rou \*\*\*\*\*

Round و Around (گرداگرد - پیرامون - دور تا دور - در اطراف) می توانند بعنوان حرف اضافه یا قید بکار روند. Around هم در انگلیسی بریتانیایی و هم در انگلیسی آمریکایی بکار می رود. ولی Round عمدتاً در انگلیسی آمریکایی بکار می رود.  
(زمین گرداگرد خورشید می گردد.)

**1/The earth goes/ round /around/ the sun.**

(آنها در عزلت زندگی می کنند.)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**2/ They live/ round / around/ the corner.**

(ما به اطراف هند سفر کردیم.)

**3/We traveled /round /around/ India.**



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* sam \*\*\*\*\*

قبل از Same (همان-مانند-یکسان-) تقریباً همیشه the , that ,those می آید .  
(من هرگز اشتباه یکسانی را تکرار نمی کنم.)

I'll never make the **same** mistake again.

(چنین روزی آنبتا به او تلفن کرد.)

That very **same** day, Anita phoned him.

(اینها همان افرادی هستند که به دموکراتها رای دادند) .

It is those **same** people who voted for the Democrats.

در انگلیسی گفتاری روزمره ،گاهی Same را بدون the بکار میبرند که بعضی آن را غلط میدانند .  
{ "فکر می کنم بازی بسیار خوبی بود" - " (همینطور است)" ! }

{ " ( same here) " - " ( I think the game was really good) " }

{ " (چی میل دارید) " - " (لطفاً همان قبلی)" }

{ "What would you like"? "same again please" }

\*\*\*\*\* say \*\*\*\*\*

Say و Tell را هر دو در فارسی میتوان (گفتن) ترجمه کرد . اما کاربرد آن یکسان نیست .  
مفعول فعل Say هیچوقت شخص نیست ، بلکه مطلبی است که بیان میشود . می توان مفعول  
شخصی را نیز در جمله ذکر کرد ، ولی در این صورت همیشه قبل از آن To می آید .  
( او حتی یک خداحافظی نگفت .)

1/She didn't even **say** goodbye.

( او حتی یک خداحافظی به ما نگفت .)

2/She didn't even **say** goodbye to us.

(دوست دارم چند کلامی قبل از رفتن بگویم .)

1/I'd like to **say** a few words before I leave.

(دوست دارم چند کلامی قبل از رفتن به او بگویم .)

2/I'd like to **say** a few words to him before I leave.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(آنیتا به آنها گفت: "چه چیزی احتیاج دارید"؟)

**1/Anita said to them "What do you need?"**

(او یکبار به من گفت: "که او از شغلش متنفر است".)

**2/She once said to me "That she hated her job."**

اما مفعول Tell معمولاً شخص است .

(آرمیتا به من گفت: "که او خسته است".)

**1/Armita told me "that she was tired."**

(آرش به بچه ها گفت: "که بروند بخوابند".)

**2/Arash told the children to go to bed.**

اما Tell می تواند دو مفعول داشته باشد.

(آرمیتا حقیقت را به والدینش گفت .)

**1/Armita told her parents the truth.**

(آرمیتا داستان را به آنها گفت .)

**2/Armita told them the story.**

جمله های بالا را می توان به صورت زیر بیان کرد .

**1/Armita told a story to them.**

**2/She told the truth to her parents.**

\*\*\*\*\* sho \*\*\*\*\*

واژه ,beach و bank, coast, Shore, همه را می توان در فارسی (ساحل) ترجمه کرد .

ولی بین آنها تفاوت معنایی وجود دارد . به زمینی که در کناره آب دریا یا دریاچه قرار گیرد

Shore می گویند .

(ما از قایق به طرف ساحل شنا کردیم) . We swam from the boat to the shore .

وقتی به زمین یا زمین های یک کشور که در کنار دریا یا اقیانوس قرار دارد اشاره می کنیم

از واژه Coast استفاده می کنیم .

(جنوا در ساحل ایتالیا در کنار دریای مدیترانه قرار دارد.)

**Genoa is on Italy's Mediterranean coast.**

ولی به زمینی که در دو طرف رودخانه قرار دارد Bank می گویند .

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(آنها در ساحل غربی رودخانه تایمز زندگی میکنند.)

**They live on the west bank of the Thymes.**

ولی واژه **Beach** به قسمت صاف و شنی ساحل دریا یا دریاچه گویند که مردم برای شنا کردن و آفتاب گرفتن و استراحت کردن به آنجا می روند .  
(روز گرمی بود و ساحل بسیار شلوغ بود.)

**It was a hot day, and the beach was very crowded.**

\*\*\*\*\* sic \*\*\*\*\*

در انگلیسی **To be sick** به معنی (بالا آوردن یا استفراغ کردن) است .  
(او توی دستشویی بالا آورد.)

**She was sick in the washbasin.**

(گربه روی فرش بالا آورده است.)

**The cat has been sick on the carpet.**

همچنین **To feel sick** به معنای (حالت تهوع پیدا کردن یا تهوع به کسی دست دادن) است .  
(از دیدن منظره تصادف حالت تهوع به او دست داد.)

**The sight of accident makes him feel sick.**

همچنین واژه **Throw up** هم به معنای (استفراغ کردن) ترجمه می شود و بیشتر در انگلیسی آمریکایی بکار می رود .  
(بچه روی تمام لباسش بالا آورد / استفراغ کرد.)

**The babe threw up all its clothes.**

اما باید توجه داشت که واژه **Vomit** واژه ایست پزشکی و رسمی به معنای (استفراغ کردن) و فقط در نوشته ها و گفتارهای پزشکی بکار می رود .  
(بیمار هرچه خورده بود، استفراغ کرد.)

**The patient vomited up all he had eaten.**

(اسهال و استفراغ ممکن است از علائم مسمومیت غذایی باشد.)

**Symptoms of food poisoning may include diarrhea and vomiting.**

\*\*\*\*\* sle \*\*\*\*\*

کلمه **sleep** هم فعل است و هم اسم است . همچنین صفت آن واژه **asleep** میباشد .

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

او هنوز خواب است . **He is still asleep.**

Asleep (خوابیدن) را نمی توان به صورت صفت قبل از اسم بکار برد بنابراین :

**The asleep cat.** غلط است اگر بگوئیم:

**The sleeping cat.** یا گفت: **The cat is asleep.** باید گفت:

\*\*\*\*\* **som** \*\*\*\*\*

**Somehow** به معنی (بطریقی - یکجوری) قید است و آخر جمله بکار می رود.  
(ما بایستی بطریقی (یکجوری) پول اجاره را پیدا کنیم.)

**We must find money for the rent somehow.**

\*\*\*\*\* **som** \*\*\*\*\*

**Some what** به معنی (تا اندازه ای - قدری) از لحاظ گرامری قید است و هم قبل از صفت و هم قبل از قید دیگری بکار می رود.

**He answered somewhat hastily** (او قدری با شتاب پاسخ داد .)

{او تا اندازه ای نا امید شد (مأیوس شد).}

**He was somewhat disappointed. = He was to some extent disappointed.**

\*\*\*\*\* **som** \*\*\*\*\*

**Sometimes** به معنی (گاهی اوقات) است در حالی که **sometime** به معنی (یک وقتی - مدتی) می باشد.

(او گاهی اوقات اشتباه زیاد می کند.)

**He sometimes makes a lot of mistake.**

(من یک وقتی با او در باره آن مطلب صحبت خواهم کرد.)

**I will speak to him about it sometime.**

\*\*\*\*\* **ste** \*\*\*\*\*

**Steal** به معنی (دزدیدن از کسی) است در حالی که **Rob** به معنی (زدن بانک - زدن پول کسی و یا دزدیدن شخص) بکار می رود.

(آنها بانک را سرقت کردند.)

**They robbed the bank.**

(دزد پول آنها را از منزلشان سرقت کرد.)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**The thief stole their money from their house.**

**Steal** someone's heart. (قلب کسی را ربودن.)

\*\*\*\*\* **sto** \*\*\*\*\*

بعد از **Stop** (ایستادن - متوقف شدن) فعل می تواند به صورت مصدر با **To** یا با پسوند **ing** - بیاید. اما کاربرد ایندو تفاوت معنایی دارد. وقتی منظور متوقف کردن کاری باشد که قبلاً انجام گرفته، فعل با پسوند **ing** - بدنبال **Stop** بکار می رود. (اوسعی میکند سیگار را ترک کند.)

**He is trying to stop smoking.**

( این قدر به من نگو چکار کنم. )

**Stop** telling me what to do.

اما وقتی توقف میکنیم تا کاری را انجام دهیم ف فعل بصورت مصدر با **To** بکار می رود. (من ایستادم تا نامه را پست کنم.)

**I stopped** to mail the letter.

( او ایستاد تا استراحت کند. )

**He stopped** to rest.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **tak** \*\*\*\*\*

**Last- Take** هر دو گاهی به معنی (طول کشیدن) هستند. ولی کاربرد آنها متفاوت است. واژه **Take** را وقتی بکار می بریم که می خواهیم بگوئیم برای انجام دادن کاری چقدر وقت لازم است.

(چهار ساعت طول کشید تا من این مقاله را نوشتم.)

**It took** me for hours to write this article.

(عصر ها رسیدن به خانه خیلی طول میکشد.)

**It takes** a long time to get home in the evening.

واژه **Last** را وقتی بکار می بریم که بخواهیم بگوئیم یک رویداد چه مدت ادامه دارد یا ادامه داشته است.

(فیلم تقریباً سه ساعت طول کشید / نمایش فیلم تقریباً سه ساعت ادامه داشت.)

**The movie lasted** nearly three hours.

(اعتصاب زیاد طول نکشید/اعتصاب خیلی آرام پایان یافت.)

**The strike did not last** very long.

\*\*\*\*\* **tea** \*\*\*\*\*

**Teach** گاهی به معنی (درس دادن) بکار می رود. (آرش در یک دبیرستان تاریخ درس می دهد.)

**Arash teaches** history at a secondary school.

وقتی **Teach** به معنی یاد دادن یک کار عملی باشد اغلب با **How to** بکار می رود. (آرش شنا کردن را به من یاد داد.)

**Arash thought** me how to swim.

(فرهاد رانندگی را به من یاد داد.)

**Farhad thought** me how to drive.

وقتی کسی در سطح دانشگاه درس می دهد به جای **Teach** از واژه **Lecture** استفاده می کنند.



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

( فرهاد روانشناسی تدریس می کند .)

**Farhad lecture in psychology.**

یکی از معانی **Train** (تربیت کردن یا آموزش دادن) است و جنبه عملی دارد. مثال:  
(کارمندان برای استفاده از کامپیوتر به آموزش بیشتری نیاز دارند.)

**The staff needs more training in how to use computer.**

(این سگ تربیت شده است تا از خانه محافظت کند.)

**The dog is training to guard the house.**

**Train** می تواند به معنی (تمرین کردن) نیز باشد.  
(ورزشکاران برجسته چندین ساعت در روز تمرین می کنند.)

**Top athletes train for several hours a day.**

\*\*\*\*\* tel \*\*\*\*\*

بعد از افعال **Telephone** و **Phone** از حرف اضافه **to** استفاده **نکنید**. در حقیقت  
این دو فعل معنی (تلفن کردن به) را می دهند.  
(فردا به شما تلفن خواهم کرد.)

**I will telephone you tomorrow.**

**I will phone you tomorrow.**

\*\*\*\*\* tel \*\*\*\*\*

وقتی **Television** یا به اختصار **TV** به معنی (برنامه های تلویزیونی) بکار رود، حرف  
اضافه ای که قبل از آن می آید **On** است مثال:  
(آیا امشب تلویزیون چیز(برنامه) تازه ای دارد.)

**Is there anything interesting on television /TV/ tonight?**

(سازندگان اسباب بازی شروع کرده اند که بعضی از تولیدات خود را در تلویزیون تبلیغ کنند.)

**Toy manufacturers have begun promoting some of their products on TV.**

وقتی در باره رادیو صحبت می کنیم باید بگوئیم **On the radio** مثال:  
(من این خبر را دیشب از رادیو شنیدم.)

**I heard the news on the radio last night.**

وقتی **television** به معنی کاریا حرفه کسی بکار میرود، حرف اضافه ای که قبل از آن می آید **In** است.  
(آرمیتا در تلویزیون کار می کند.)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**Armita works in Television.**

\*\*\*\*\* tel \*\*\*\*\*

**Say** و **Tell** هر دو معنی یکسان دارند ولی کاربرد آنها در جمله با یکدیگر متفاوت است.

**Say** برای بیان یک جمله خبری چه مستقیم و چه غیر مستقیم بکار می رود. مثال :

{او به من گفت : "من خوشحال هستم." (جمله مستقیم)}

**He said to me, "I am happy."**

{او گفت: که خوشحال است. (جمله غیر مستقیم)}

**He said that he was happy.**

اگر بعد از **say** مفعول بکار رود نیاز به حرف اضافه **to** دارد. (آنها فقط در نقل قول

مستقیم) ولی بعد از **tell** از حرف اضافه فعل استفاده نمی گردد.

(من به او گفتم : " که فردا شب به شما تلفن می کنم. )"

**I said to him, "I will phone you tomorrow night."**

(مطلبی / چیزی / دارم که بشما بگویم .)

**I have something to tell you.**

به اصطلاحات فعلی که با **say** و **tell** بکار می روند با دقت توجه کنید .

**To say good night** (شب بخیر گفتن)

**To say hello=to greet** (سلام دادن)

**To say good by** (خدا حافظی کردن)

**To say something** (چیزی گفتن)

**To say nothing** (چیزی نگفتن)

**To tell a lie** (دروغ گفتن)

**To tell the truth** (راست گفتن - حقیقت گفتن)

**To tell a story** (داستان گفتن)

**To tell something to someone** (مطلبی را به کسی گفتن)

**He told the news to everyone** (او خبر را به همه گفت)

**To tell the time** (گفتن وقت - گفتن ساعت)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(ممکن است به من بگویند: ساعت چند است؟)

Can you **tell** me what time it is?

\*\*\*\*\* **thi** \*\*\*\*\*

در انگلیسی چندین واژه است که همه آن ها را می توان (لاغر) ترجمه کرد . ولی کاربرد آنها با هم متفاوت است . **Thin** عادی ترین واژه ای است که در این معنا بکار می رود.  
(جان پسری است لاغریا موهای مشگی .)

John is a **thin** boy with black hair

**Thin** گاهی معنی منفی دارد و مفهوم (نحیف) از آن استنباط می شود.  
(بعد از این بیماری طولانی ،مادر نحیف و خسته به نظر می رسد .)

Mother looks **thin** and tired after her long illness.

اگر بخواهیم (لاغر) را به عنوان تعریف بکار بریم از واژه **Slim** یا **Slender** استفاده می کنیم .  
(آنیتا اندامی لاغر /ترکه ای/ و زیبا دارد.)

Anita has a beautiful **slim** figure.

(کاش من هم به لاغری تو بودم .)

I wish I were as **slim** as you.

**Bony** برای توصیف اندام های لاغر بدن مانند دست و صورت بکار می رود .مثال:  
(پیر مردی بود با صورت لاغر /استخوانی و موهای سفید .)

He was and old man with a **bony** face and white hair.

**Skinny** (لاغر) در معنای منفی این موضوع بکار می رود.  
(او پسر بچه ای لاغر /لاغر مردنی/ بود .)

He was a **skinny** little boy.

\*\*\*\*\* **thi** \*\*\*\*\*

بعد از افعال **think - suppose - hope - be friend - expect** هرگز از **no** استفاده نمی شود بلکه بایستی از **not** استفاده گردد . **Not** در اینجا نقش قید را دارد.  
(در باره پول، زیاد فکر نکن!) = سنوال

Don't think too much about money!

(فکر نمی کنم!) = پاسخ

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**I think not!**

(این دارو را می توانم بخورم؟) = سوال

Can I eat this medicine?

(پیشنهاد نمی کنم / گمان نمی کنم!) = پاسخ

**I suppose not!**

(آیا امروز بعد از ظهر تهران باران خواهد آمد؟) = سوال

Will it rain this afternoon in Tehran?

(امیدوارم که نیاید!) = پاسخ

**I hop not!**

(آیا می توانید هفته آینده بیایید؟) = سوال

Can you come next week?

(متأسفم خیر / متأسفم نمیتوانم/خیر/ متأسفانه نمی توانم.) = پاسخ

**I am afraid not.**

(می توانی تا ساعت ۸ منتظر باشی؟) = سوال

Can you wait till 8 o'clock?

(صبر نمی کنم.) = پاسخ

**I expect not.**

\*\*\*\*\* thi \*\*\*\*\*

قبل از اسم جمع کلمات **this** و **that** بکار نمی روند و از واژه های **these** و **those** استفاده می شود.

( این گاو ) = **This** box = مفرد

( این گاوها ) = **These** boxes = جمع

( آن مرد ) = **that** man = مفرد

( آن مردها ) = **Those** men = جمع

\*\*\*\*\* tim \*\*\*\*\*

وقتی در باره زمان یا **time** صحبت می کنیم معمولاً " از سه حرف اضافه **at** , **in** , **on**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

استفاده میکنیم . واژه **at** برای ساعت بکار می رود .  
( من معمولاً " کارم را ساعت ۹ شروع می کنم . )

**I usually start my work at nine o'clock.**

وقتی در باره بخشی از روز مانند **morning , afternoon , evening** صحبت می شود  
از حرف اضافه **in** استفاده می کنیم.  
(بهترین کارایی من صبحاست .)

**I work best in the morning.**

(آنها ساعت ۳ بعد از ظهر رسیدند.)

**They arrived at three o'clock in the afternoon.**

(ما معمولاً " عصر ها بیرون می رویم .)

**We usually go out in the evening.**

اما وقتی در باره روزهای هفته بخصوص در انگلیسی آمریکایی صحبت میکنیم از **on**  
استفاده میکنیم.  
(دوشنبه با شما تماس خواهم گرفت .)

**I'll ring you on Monday.**

اما گاهی در گفتار روزمره به خصوص در انگلیسی آمریکایی، گاهی حرف اضافه **on** حذف میشود.  
(من او را یکشنبه صبح دیده ام .)

**I am seeing her Sunday morning.**

وقتی در باره یک روز هفته بطور عام صحبت می کنیم ، آن روز هفته بصورت جمع می آید.  
(آن مغازه/ روز های جمعه/ جمعه ها / تعطیل است .)

**The shop is closed on Fridays.**

\*\*\*\*\* **tir** \*\*\*\*\*

**Tired** به معنی (خسته) پس از فعل **To be** می آید.

(او امشب نمی تواند بیاید ، او خسته است .)

**She can't come tonight; she's tired.**

همچنین **Tired** به معنی (خسته) می تواند قبل از اندام های بدن بیاید .  
(می گویند خیار برای آرم کردن درد چشم های خسته مفید است .)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**It is said that "cucumber is good for soothing tired eyes".**

وقتی بخواهیم بگوئیم از چیزی خسته شده ایم از **Tired of** استفاده می کنیم .  
(اواز شنیدن انتقادهای توخسته شده است.)

**She is tired of listening to your criticisms.**

اصطلاح **Sick and tired of** نیز به معنی **tired of** است ولی تاکید بیشتری دارد .  
(من از دروغ های سیاستمداران بیزارم = از دروغ سیاستمداران بکلی خسته شده ام.)

**I'm sick and tired of politician's lies.**

\*\*\*\*\* tra \*\*\*\*\*

دو واژه **Interpret** و **Translate** ( هر دو به معنی (ترجمه کردن) بکار می روند.  
ولی تفاوت آن ها در این است که **Interpret** ترجمه شفاهی و حضوری است ولی  
**Translate** هم به معنای ترجمه کتبی است و هم به معنای ترجمه شفاهی .

(او انگلیسی نمیدانست، بنا براین با شوهرش آمده بود تا حرفهای او را برای ما ترجمه کند.)

**She didn't speak English, so her husband came with her to interpret her words for us.**

**Translate** اگر به معنی (ترجمه) شفاهی (صحبت کردن) باشد، بدون حرف اضافه می آید.  
(سارا آلمانی نمی داند، بنا براین من مجبورم ترجمه کنم) .

**Sara doesn't speak German, so I'll have to translate.**

وقتی **Translate** به معنی (ترجمه) کتبی (نوشتن) باشد، با حرف های اضافه **From** و  
**Into** با هم بکار می رود .  
(ما متن را از ایتالیایی به انگلیسی ترجمه کردیم .)

**We translated the text from Italian into English.**

اما گاهی ممکن است زبانی که از آن ترجمه شده در جمله ذکر نشود، آنگاه حرف اضافه  
**From** حذف خواهد شد.  
(من باید این مقاله را به فرانسه ترجمه کنم.)

**I have translate this article into France**

\*\*\*\*\* tra \*\*\*\*\*

از فعل های لازم قاعدا تا " صفت ساخته میشود. ولی در بعضی از موارد، این قاعده نقض شده است .  
(دانش آموزان موفق = دانش آموزانی که به درجات بالا می رسند .)

{Advanced students = (students who have advanced to high level)}

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(برگ افتاده = برگی که فرو افتاده است .)

{ A fallen leaf = ( a leaf that has fallen ) }

از جمله ، یکی از این صفت ها واژه Traveled است ، ولی همیشه بصورت Much - traveled بکار می رود.

{ او مردی است که بسیار سفر کرده است = ( او مرد جهانگردی است ) . }

He is a **much -traveled** man.

\*\*\*\*\* try \*\*\*\*\*

بعد از Try فعل می تواند به صورت مصدر با To یا با پسوند -ing بکار رود .  
(من سعی کردم تایر (چرخ) را عوض کنم ، ولی نتوانستم) .

I **tried to change /changing/** the wheel, but I couldn't.

در انگلیسی گفتاری گاهی صورت Try and ..... بکار می رود .  
(سعی کن یک چیزی بخوری ،حالت بهتر می شود.)

**Try and eat something;** you'll feel better.

(من سعی میکنم، فردا صبح به توتلفن کنم .)

I'll **try and phone** you tomorrow morning.

باید توجه داشت که Try در این کاربرد ها صرف نمی شود یعنی صورت های واژه های Tries, Tried و غیرو بکار نمی روند .

بنا براین این جمله **غلط** است . I **tried** ate something.

بلکه باید گفت: I **tried to eat** something.

\*\*\*\*\* twi \*\*\*\*\*

وقتی Twice به معنی (دوبرابر) بکار می رود ، معمولاً " در جملات در الگویی بصورت Twice as.....as قرار میگیرد.

(هفتاد میلیون پوند دوبرابر رقمی است که ما انتظار داریم.)

The figure of seventy-million ponds is **twice as big as** we expected.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(تعداد خانه ها در این منطقه دو برابر تعدادی است که قبلاً بود.)

**There are twice as many houses in this area as there used to be.**

این الگو برای ترجمه (سه برابر- چهاربرابر.....یا نصف) نیز بکار می رود. مثال:

(این طرح سه برابر آنچه پیش بینی کرده بودم طول کشید.)

**The project took three times as long as I had anticipated.**

(هوش تو به اندازه نصف آنچه فکر میکنی هم نیست.)

**You are not half as clever as you think you are.**



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* und \*\*\*\*\*

واژه های **underneath** - **under** - **beneath** هر سه را می توان (زیر یا در زیر) ترجمه کرد.

اما کاربردهای آنها با هم متفاوت است.

**Under** عادی ترین کلمه ای است که در این معنی کاربرد دارد. (نامه را زیر در انداختم.)

I pushed the letter **under** the door.

(من آنرا زیر میز پیدا کردم.)

I found it **under** the table.

(افراد پلیس همه زیر پیراهن خود جلیقه های ضد گلوله می پوشند.)

The police all wear bullet-proof vest **under** their shirts.

در بسیاری از موارد می توان برای تاکید به جای **underneath** استفاده کرد. (نمیدانم در زیر آن سرپوش چیست.)

I wonder what is **underneath** that cover.

(بسیاری از جانوران لانه خود را در زیر زمین می سازند.)

Many creatures make their nests **underneath** the earth.

ولی در بعضی از کاربردها **underneath** نمی تواند به جای **under** بیاید. مثال: (او هنوز هجده سالش نشده است.)

She is still **under** 18.

**Beneath** را می توان به جای **under** بکار برد، اما این واژه کمی قدیمی است و بیشتر کاربرد ادبی دارد.

(او از نشستن در زیر درختان لذت می برد.)

She found pleasure in sitting **beneath** the trees.

\*\*\*\*\* uni \*\*\*\*\*

به کاربرد **The** و حرف اضافه **University** توجه کنید. اگر اسم دانشگاه را قبل از

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**university** بیاوریم حرف تعریف **The** لازم نیست .

(دانشگاه تهران یکی از قیمی ترین دانشگاه های ایران است .)

**Tehran University is the oldest university in Iran.**

اگر اسم دانشگاه پس از **University** بیاید، قبل از آن حرف تعریف **The** می آید .

**The university of Tehran is the oldest university in Iran.**

وقتی بخواهیم بگوئیم کسی دانشگاه می رود، یعنی دانشجو است **university** را بدون

حرف تعریف **The** بکار می بریم .

(او به دانشگاه می رود.)

**.He goes to university**

وقتی بخواهیم بگوئیم کسی در دانشگاه بخصوصی درس می خواند، حرف **at** قبل از اسم

دانشگاه می آید .

(او در دانشگاه تهران پزشکی می خواند .)

**She is studying medicine at Tehran University.**

وقتی بخواهیم بگوئیم کسی از دانشگاه فارغ التحصیل شده است، از حرف اضافه **From**

استفاده می کنیم .

(او فارغ التحصیل رشته مهندسی از دانشگاه تهران است .)

**She graduated in engineering from Tehran University.**

در انگلیسی آمریکایی به جای **at university** معمولاً "می گویند: **at the university**

(او از دانشگاه نا راضی است .)

**She was unhappy at university.**

**She was unhappy at the university.**

که جمله اول انگلیسی بریتانیایی و جمله دوم انگلیسی آمریکایی است .

\*\*\*\*\* **unt** \*\*\*\*\*

**Until** و **Till** هر دو به معنای (تا) هستند و اغلب به جای همدیگر بکار برده می شوند.

**Till** در انگلیسی بریتانیایی گفتاری تر است.

(من صبر میکنم تا تو به من خبر دهی .)

**I'll wait until/till hear from you.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(تا من نرسیده ام شروع نکنید / شروع نکنید تا من نیایم.)

Don't start **until** / **till** I arrive.

گاهی می توان به جای این دو واژه until / till از حرف اضافه To استفاده کرد. در این صورت To با From خواهد آمد.

I usually work **from** nine to twelve.

I usually work **from** nine until/till twelve.

همچنین until میتواند قبل از نام شهر ها به معنای (تا آنجا) بکار رود.  
(تو تا لیور پول ماشین را بپر، بعد من رانندگی می کنم.)

You drive **until** Liverpool and then I'll take car.

(با این قطار تا بیرمنگام برو و بعد قطار پیتربره را سوار شو.)

Stay on the train **until** Birmingham, and then change for Peterborough.

باید توجه داشت که اگر نام شهر ذکر نشود، نمی توان until / till را به معنی (تا آنجا) در مفهوم مکان بکار برد.

بنابراین نمی توان گفت:

(ما تا آنجا حاشیه جنگل پیاده روی کردیم.)

We walked **until/till** the edge of the forest.

بلکه باید گفت: (ما تا حاشیه جنگل پیاده روی کردیم / قدم زدیم.)

We walked as far as edge of the forest.

\*\*\*\*\* use \*\*\*\*\*

به تفاوت های بین - get used to - be used to و used to توجه کنید.

Be used to اغلب به معنی (عادت داشتن) است.

(مردم این جزیره به دیدن توزیست عادت دارند.)

The people of this island are **used to** tourists.

(من عادت ندارم با اتوبوس بروم، معمولاً همه جا با ماشین می روم.)

I am not **used to** catching bus; I usually drive everywhere by car.

(او عادت نداشت کسی با او مخالفت کند.)

He wasn't **used to** people disagreeing with him.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

ولی **get used to** به معنی (عادت کردن) است. مثال :

(گمان نمی کنم هیچ وقت بتوانم به زندگی در یک شهر بزرگ عادت بکنم.)

**I do not think I could ever get used to living a big city.**

(کار در عسلویه اول سخت به نظر می آمد، ولی پس از مدتی به آن عادت کردم.)

The work of Assaloueh seemed very hard first, but I **get used to** it after a while.

**Used to** وقتی بکار می رود که بخواهیم بگوئیم کاری در گذشته انجام گرفته و اکنون متوقف شده است. یا این که چیزی قبلاً وجود داشته و حالا دیگر نیست.

(من قبلاً سیگار می کشیدم، ولی پنج سال پیش آنرا ترک کردم.)

**I used to smoke, but I gave it up five years ago.**

(وقتی بچه بودم در این جا یک مدرسه بود.)

**When I was, a kid there used to be a school over here.**

گاهی **would** می تواند به معنای **used to** بکار رود. مثال :

(زمانیکه ما بچه بودیم، عادت داشتیم به اسکی برویم.)

**When we were children, we would /used to go skiing.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* val \*\*\*\*\*

کلمه value هم اسم است و هم فعل و در معنی (ارزش و ارزش داشتن) بکار می رود.  
(ارزش و بهای ملک دانما" در حال بالا رفتن است.)

The property is going up in **value** all the time.

{او ماشین را پانصد ملیون ریال قیمت گذاری کرد. (تخمین زد.)}

He **valued** the house at five hundred million rials.

درحالیکه کلمه worth به معنی (ارزش) در نقش صفت قبل از اسم مصدر بکار می رود.  
(این فیلم ارزش دیدن را ندارد.)

This film is not **worth** seeing.

\*\*\*\*\* ver \*\*\*\*\*

Very می تواند هم به صورت قید بکار رود و هم به صورت صفت. وقتی قید باشد، معنی آن (خیلی یا بسیار) است.  
( او به موسیقی خیلی علاقه دارد.)

He is **very** interested in music.

(او از بودن با شما خیلی زیاد لذت می برد.)

We enjoyed staying with you **very** much.

(من خیلی گرسنه هستم.)

I am **very** hungry.

وقتی very به صورت صفت بکار می رود، قبل از اسم قرار می گیرد و معنی آن (درست همان - همان - درست مانند.....) است.  
(او درست همان آدمی است که می تواند این کار را انجام دهد.)

He is **very** man who can do the job.

(این درست همان کتابی است که من می خواهم.)

This is the **very** book I want.

(درست همان لحظه تلفن زنگ زد.)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

At that **very** moment the phone rang.

(درست جلوی چشمان ما آن را برداشت.)

Before our **very** eyes he took it.

\*\*\*\*\* **vit** \*\*\*\*\*

صفت **Vital** به معنی (ضروری - بسیار مهم - حیاتی.....) در الگوی متفاوت بکار می رود.

**Vital** می تواند بلافاصله قبل از اسم بکار رود.

(کلیه در تصفیه خون از مواد زائد، نقش حیاتی دارد.)

The kidney plays a **vital** role in the removal of waste products from the blood.

**Vital** می تواند با حرف اضافه **To** یا **For** بکار رود.

(چنین اقدامی برای امنیت ملی بسیار ضروری است.)

Such measures are **vital** to national security.

(ورزش بطور منظم برای سلامت شما بسیار مهم است.)

Regular exercise is **vital** for your health.

**Vital** می تواند با **That** نیز بکار رود.

(بسیار مهم است که معلم بتواند با شاگردانش روابط خوبی برقرار کند.)

It is **vital** that the teacher could get on well with her students.

اصطلاح **Be of vital importance** می تواند به صورت زیر بکار رود.

(حضور او اهمیت فوق العاده ای داشت.)

His presence was of **vital** importance.

(صنعت برای اقتصاد ملی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.)

The industry is of **vital** importance to the nation economy.

(رساندن ملزومات پزشکی به منطقه در اسرع وقت اهمیت حیاتی دارد.)

It is of **vital** importance to get medical supplies to the area as soon as possible.

\*\*\*\*\* **voi** \*\*\*\*\*

اغلب **voice** و **Sound** (صدا) ترجمه می شود. ولی آنها با هم تفاوت دارند. **Voice** به صدای انسان گفته می شود.

(صدای او را بلافاصله شناخت.)



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**He recognizes her voice instantly.**

(صدایش خوب است / خوب آواز می خواند.)

**She has a good singing voice.**

(صدای دلنشینی دارد.)

**She has a sweet voice.**

(از صدایش معلوم بود که راضی نیست.)

**You could tell from her voice that she wasn't pleased.**

Voice را می توان در الگوی (In a .....voice) بکار برد.

(آنیتا آهسته گفت: "من منظور ترانمی فهمم".)

**I don't know what you mean "said Anita in a quiet voice".**

(این قدر بلند با من حرف نزن.)

**. Stop talking to me in such a loud voice.**

ولی Sound به هر نوع صدایی گفته می شود که به گوش می رسد .

(صدای زنگی از فاصله دور به گوش میرسید.)

**We could hear the sound of bell in the distance.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* **wea** \*\*\*\*\*

Wear را میتوان به معنی (پوشیدن لباس- دست کردن دستکش -زدن عینک - و بسیاری چیزهای دیگر) بکار برد.  
(پیراهن آبی رنگی پوشیده بود.)

She was **wearing** a blue dress.

(من ده سال است که عینک می زنم.)

I have been **wearing** glasses for ten years.

(یک انگشتر طلا دستش بود.)

She **wore** a gold ring.

می توان به جای wear از . Have .....on استفاده کرد .  
(گوشواره قشنگی گوشش کرده بود .)

She **had** a pair of pretty earrings **on**.

(امروز کراوات زده است .)

He **has** a tie **on** today.

( او بدون پوشیدن کفش، بیرون می دوید .)

He ran outside without **having** any shoes **on**.

\*\*\*\*\* **we** \*\*\*\*\*

Wheel وقتی به معنی (فرمان اتومبیل) باشد، همیشه با The بکار می رود.  
(لطفاً فرمان رادر دستهایت بگیر.)

Keep your hands the **wheel**, please.

وقتی بخواهند بگویند (پشت فرمان) از ترکیب At the wheel یا Behind the wheel استفاده می کنند .

{وقتی فرهاد پشت فرمان است من هیچ احساس ایمنی نمی کنم .} یا  
{وقتی فرهاد رانندگی می کند، من هیچ احساس ایمنی نمی کنم.}

I never feel safe with Farhad at/behind the **wheel**.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(وقتی تصادف شد چه کسی پشت فرمان بود؟=چه کسی رانندگی می کرد؟)

**Who was at the wheel when the accident happened?**

Take the wheel به معنی (رانندگی کردن) است.

(می خواهی یک دوساعت تو رانندگی کنی؟= می خواهی یک دوساعت تو پشت رل باشی؟)

**Do you like to take the wheel for one or two hours?**

\*\*\*\*\* **whi** \*\*\*\*\*

کلمه **While** به معنی (هنگامیکه) قبل از اسم به جمله مفهوم استمراری می دهد، بدون اینکه جمله بصورت زمان استمراری بکار رود. مثال:

{چه موقع خبر را شنیدید؟ "هنگام شام (هنگامیکه شام می خوردم)".}

**When you did hear the news? "While dinner".**

هنگامیکه او در لندن بود، رشته موسیقی را فرا گرفت.

**While in London, he studied music.**

\*\*\*\*\* **who** \*\*\*\*\*

**Whom** به عنوان ضمیر مفعولی پرسشی در آغاز جمله قرار دارد. معنی آن (که را؟ که ها را؟ که او را - که آنها را) می باشد. (چه کسانی را به مهمانی دعوت کرد؟)

**Whom did he invite to the party?**

استفاده می کنند. **Who** کمتر به صورت بالا بکار میرود و بیشتر از **whom** در گفتار روزمره

**Who did he invite to the party?**

در انگلیسی نوشتاری بعد از حرف اضافه، کلمه **Whom** می آید. (نامه را به عنوان چه کسی بنویسم؟)

**To whom should I address the letter?**

ولی در انگلیسی گفتاری جمله بالا بصورت زیرتغییر میکنند.

**Who should I address the letter to?**

توجه داشته باشید که حرف اضافه **To** به آخر جمله منتقل شده است. در جمله های موصولی **Whom** معمولاً به **Who** یا **That** تبدیل می شود و یا به کلی حذف می گردد. (خانواده ای که ما پیش آنها بودیم بسیار مهربان بودند.)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

The family (**whom/who/that**) we stayed with were very kind.

در جمله موصولی که به صورت جمله معترضه بکار می روند ودو ویرگول از متن جدا می شوند فقط Whom یا Who (ونه That) بکار می روند و ضمیر موصولی نیز نمیتواند حذف شود.

(آن دکتر که ما همه او را دوست داشتیم، هفته گذشته بازنشسته شد.)

The doctor, **whom/who** we liked very much, retired last week.

\*\*\*\*\* **wid** \*\*\*\*\*

Wide و Broad هر دو را می توان (پهن) ترجمه کرد. ولی کاربرد آنها با هم کاملاً یکسان نیست. Wide واژه ای است عام و پرکاربرد.

(کلاهی با لبه پهن بر سر داشت.)

He was wearing a hat with a **wide**.

Wide در معانی مجازی نیز بکار می رود.

(بین دو طرف اختلافات عمیقی وجود دارد.)

There are **wide** differences between the two parties.

Broad اغلب برای توصیف اندام های بدن بکار می رود.

( **A broad nose** بینی پهن)

( **A broad forehead** پیشانی پهن)

( **Broad shoulders** شانه های پهن)

علاوه بر این Broad بیشتر کار برد ادبی دارد.

(تپه سر سبز و بلندی بالای آن رودخانه پهن قامت کشیده بود.)

The hills rise green and sheer above the **broad** river.

(چمن سبز پهن وسیعی به نظر می رسید.)

A **broad** expanse of green lawn was in sight.

\*\*\*\*\* **win** \*\*\*\*\*

کلمه win به معنی (برنده شدن - بردن) است و گذشته و اسم مفعول آن won میباشد، در حالیکه beat به معنی (شکست دادن در مسابقات و کتک زدن - زدن) می باشد و گذشته همان beat و اسم مفعول آن beaten می باشد. نکته مهمی که باید بدانید این است که

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

بعد از win کلماتی مانند The prize (جایزه) و یا (مسابقه) The mach بکار میرود.  
(ما مسابقه را بردیم.)

We **won** the mach

(ما جایزه را بردیم.)

We **won** the prize.

در حالیکه بعد از beat علاوه بر نام مسابقه، نام شخص یا گروهی که شکست خورده اند نیز بکار می رود. مثال:

{ما آنها را در مسابقه فوتبال شکست دادیم. (در مسابقه فوتبال از آنها بردیم.)}

We **beat** them in football match

\*\*\*\*\* **wis** \*\*\*\*\*

بعد از Wish فعل می تواند به صورت مصدر با To بکار رود. کاربرد Wish به این صورت رسمی است و معمولاً به معنی (مایل بودن- میل داشتن - آرزو داشتن-خواستن) است.  
(اگر مایلید بلیت رزرو کنید، لطفاً قبل از ساعت پنج تلفن کنید.)

If wish to reserve ticket, please telephone before five o'clock.

در گفتار روز مره به جای Wish از فعل Want استفاده می شود.  
(می خواهم برای او نامه بنویسم، ولی آدرسش را نمی دانم.)

I **want** to write to him but I don't know his address.

Wish می تواند با That بصورت جمله های دستور زبان، بدین معنی (مجموعه ای از چند واژه که دارای فاعل و فعل باشد) بکار رود. ولی در اینگونه جمله ها زمان فعلی که بدنبال Wish می آید، همیشه گذشته است و That نیز اغلب حذف می شود.  
(ایکاش آن حرف را نزده بودی.)

I **wish** you hadn't said that.

(حالا آرزو می کند، کاش با آنها رفته بود.)

Now she **wishes** she had gone with them.

(کاش می دانستم، چه اتفاقی خواهد افتاد.)

I **wish** I knew what was going to happen.

نکته دیگر که در باره Wish باید دانست این است که Wish از فعل های دو مفعولی است.  
(مایلم تیریکات عید نوروز را به شما بگویم.)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**I wish you a merry/happy Norooz.**

(آرزو می کنیم سریعاً بهبود بیابید.)

**We wish you a speedy recovery.**

با عبارت **I wish** (ای کاش) معمولاً سه زمان می آید.

۱ - آینده (مصدر بدون **to**) ۲ - حال (گذشته ساده) ۳ - گذشته (ماضی بعید)

آینده = **I wish I would see them tomorrow.**

حال = **I wish I saw them now.**

گذشته = **I wish I had seen them yesterday.**

\*\*\*\*\* **wit** \*\*\*\*\*

حرف اضافه **With** بمعنی (با) برای مشخص کردن نوع و رنگ و اندازه اجزاء بدن بکار میرود.

{(آن مرد باموهای سیاه دوست من است.)} = (مردی که موی سیاه دارد دوست من است.)

{The man **with** black hair is my friend = The man **who has** black hair is my friend.}

{(آن پسریا چشمان آبی جلوی کلاس نشسته است.)} = (پسری که چشمان آبی دارد جلوی کلاس نشسته است.)

{The boy **with** blue eyes is sitting in front of class = The boy, **who has** blue eyes, is sitting in front of class.}

(آن مرد با موی بلند شاعر است.) = (مردی که موی بلند دارد شاعر است.)

{The man **with** long hair is a poet = The man **who has** long hair is a poet.}

\*\*\*\*\* **wou** \*\*\*\*\*

عبارت **would rather** بمعنی (ترجیح دادن) بدو طریق زیر مورد استفاده قرار میگیرد.

فعل (مصدر بدون **to**) + **than** + فعل (مصدر بدون **to**) + **would rather** + فاعل = زمان اول

go + than + stay. = I + **would rather**

{(رفتن را به ماندن ترجیح می دهم.)} = (ترجیح می دادم بجای ماندن می رفتم.)

فعل (اسم مفعول) + **than** + فعل (اسم مفعول) + **would rather** + فاعل = زمان دوم

gone than stayed. = I **would rather** have

\*\*\*\*\* **wou** \*\*\*\*\*

**Would you like ....?** عبارتی است مودبانه و عادی برای سنوال کردن یا دعوت

کردن و آن را میتوان (میل داشتن) ترجمه کرد.

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(آیا شما قهوه میل دارید؟)

**Would you like a cup of coffee?**

(مایلید برای ناهار بیایید؟) (میل دارید با هم ناهار بخوریم؟)

**Would you like to come to lunch?**

عبارت **Would you care....?** نیز همان معنا را دارد ولی بسیار رسمی تر و کم کاربرد تر است .

(یک تکه دیگر کیک میل دارید؟)

**Would you care for another slice of cake?**

(میل دارید با من بیایید؟)

**Would you care to come with me?**

عبارت **Do you want ?** خیلی خودماتی است و معمولاً در موقعیت های رسمی بکار نمی رود.

(یک تکه کیک دیگر می خواهی؟)

**Do you want another slice of cake?**

(می خواهی با من بیایی؟)

**Do you want to com with me?**



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* yet \*\*\*\*\*

**Yet و Still** هر دو را میتوان (هنوز) ترجمه کرد. ولی بین آنها تفاوت معنایی و کار بردی وجود دارد.  
**Still** معمولا" برای عملی بکار می رود که ظاهرا" باید پایان یافته باشد. ولی همچنان ادامه دارد.  
(ساعت از ده گذشته و قطار ۹:۳۰ هنوز نرسیده است.)

**It is past ten o'clock and the 9:30 train still hasn't arrived.**

(هنوز برای او کار می کنی؟)

**Do you still work for him?**

(هنوز هم تنیس بازی می کنی؟)

**Do you still play tennis?**

(من هنوز صبحانه نخورده ام!)

**I haven't had breakfast yet!**

(کنل جپ هنوز نیامده است!)

**Jap colonel hasn't arrived yet!**

در جمله های سنوالی **Yet** گاهی به معنی (حالا - تا حالا) است. مثال:  
(بعد از سی جلسه تمرین، حالا دیگر میتوانی رانندگی کنی؟)

**After thirty lessons, can you drive yet?**

در بعضی جمله های سنوالی، **Yet** به فارسی ترجمه **نمی شود**. مثال:  
(آرش رسیده است؟)

**Has Arash arrived yet?**

(ناهارت را خورده ای؟)

**Have you had lunch yet?**

**Yet** یا بلافاصله بعد از واژه منفی می آید. مثال:  
(ما هنوز پاسخ را نمی دانیم.)

**We do not yet know the answer.**

یا در پایان بند دستور زبان، بدین معنی (مجموعه ای از چند واژه که دارای فاعل و فعل باشد) می آید. مانند مثال زیر:

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

(ما هنوز پاسخ را نمی دانیم .)

**We don't know the answer yet.**

بنا براین **غلط** است اگر گفته شود:

**We don't know yet the answer.**

کلمه yet در جملات منفی (آخر جمله- در ماضی نقلی بعد از not) قرار می گیرد .

(هنوز حاضر نیستم.)

**I am not ready yet.**

(هنوز تصمیم نگرفته ام .)

**I have not yet decided.**

کلمه still در جملات منفی بعد از فاعل - و همچنین همراه فعل to be بعد از فعل بجای

yet بکار برده می شود .

(هنوز او را ندیده ام.)

**I still haven't seen him.**

(هنوز حاضر نیست .)

**He is not still ready.**

Still در جملات مثبت معنی (ادامه کار) را می دهد.

(هنوز خواب هستند.)

**They are still asleep.**

Still همچنین به معنی (آرام - ساکت - خاموش - هنوز) بلافاصله قبل از کلمه منفی می آید.

**1/She still isn't ready.**

**2/They still don't know.**

**3/A solution still haven't been found.**

**4/A solution have still not been found.**

همچنین Still معمولاً بلافاصله بعد از فعل وجهی مثبت و قبل از فعل اصلی می آید .

**I can still remember.**

**He may still be there.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

اگر فعل **To be** به صورت مثبت بکار رفته باشد **Still** بعد از آن می آید. مثال :

**She's still asleep.**

**He's still eating.**

**Is it still raining?**

در غیر از موارد بالا ، **Still** قبل از فعل اصلی می آید .

(من هنوز عاشق او هستم.)

**I still love her.**

(هنوز وقت داریم .)

**We still have time.**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

\*\*\*\*\* zer \*\*\*\*\*

عد صفر در انگلیسی نامهای مختلف دارد . , Zero , nil - 0 , Nought  
اما واژه Zero بیشتر در نوشته های علمی و نیز در اشاره به درجه حرارت بکار می رود  
(دولت می خواهد تورم را به صفر برساند .)

**The government wants to achieve zero inflation.**

(اینجا درجه حرارت به ندرت به زیر صفر می رسد .)

**The temperature here rarely falls below zero.**

Nought بیشتر در انگلیسی بریتانیایی به معنی (صفر) بکار می رود.

**A million is 1 followed by six noughts (1000000).**

وقتی بخواهند شماره تلفن یا شماره حساب بانکی و مانند آنرا بخوانند یا بگویند معمولاً  
( صفر ) را مانند (O- او ) تلفظ می کنند .

**The code is four, seven, double O, five(47005)**

وقتی در باره نتیجه مسابقات تیمی مانند فوتبال صحبت میکنند عدد ( صفر ) را nil میگویند.  
( ۳ بر صفر ) یا ( سه به صفر ) یا ( سه - هیچ ) یا ( 0-3 ) را مینویسند ( Three- nil ) .  
Nil علاوه بر کاربرد در جاهای دیگر نیز ممکن است به معنای (صفر) بکار رود.  
(احتمال پیدا کردن کار صفر بود.)

**The prospect of getting work was nil.**

در انگلیسی آمریکایی از Zero می توان در همه موارد بالا استفاده کرد .

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

**قواعد افعال بی قاعده Irregular Verbs**

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

در ابتدا برای آشنایی بیشتر شما افعال با قاعده و بی قاعده را در زمانهای متفاوت صرف می نمایم و سپس به کلیات افعال بی قاعده می پردازیم .

### فعل اصلی Main Verb

(گذاشتن) to Put

### زمان حال Present Tense

(put) می گذارم- می گذاری- {با S سوم شخص} می گذارد - می گذاریم - می گذارید - می گذارند.

### قسمت دوم فعل \* گذشته - ماضی ( Past

(Put) گذاشتم- گذاشتی- گذاشت - گذاشتیم - گذاشتید - گذاشتند.

### قسمت سوم فعل یا اسم مفعول Past Participle

(Put) گذاشته ام- گذاشته ای- گذاشته است - گذاشته ایم - گذاشته اید - گذاشته اند.

### فعل اصلی Main Verb

(خوردن) To Eat

### زمان حال Present Tense

(Eat) می خورم- می خوری - {با S سوم شخص} می خورد - می خوریم - می خورید - می خورند.

### قسمت دوم فعل \* گذشته - ماضی ( Past

(ate) خوردم - خوردی- خورد - خوردیم - خوردید - خوردند.

### قسمت سوم فعل یا اسم مفعول Past Participle

(Eaten) خورده ام- خورده ای- خورده است - خورده ایم - خورده اید - خورده اند.



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

۱- افعالی که در مصدر به d ختم شوند، در ماضی (قسمت دوم فعل) و اسم مفعول (قسمت سوم فعل) حرف d به t ختم می شود .

**فعل (Verb) ماضی (Past) قسمت سوم یا اسم مفعول (Past Participle)**

Sent (فرستاده شده)	Sent (فرستاد)	to Send (فرستادن)
Bent	Bent	to Bend (خم شدن)
Mended	Mended	to Mend (تعمیر کردن)
Lent	Lent	to Lend (قرض کردن)
Built	Built	to Build (ساختن)
Spent	Spent	to Spend (خرج کردن)

۲- اگر در مصدر صدای (آی) ai داشته باشند، در اسم مفعول به n ختم می شوند و در اکثر مواقع در قسمت ماضی حرف I مصدر به حرف O تغییر می کند .

**فعل (Verb) ماضی (Past) قسمت سوم یا اسم مفعول (Past Participle)**

Written	Wrote	to Write (نوشتن)
Ridden	Rode	to Ride (سوار شدن)
Driven	Drove	to Drive (رانندگی)
Risen	Rose	to Rise (طلوع کردن)
Arisen	Arose	to Arise (برخاستن)
Striven	Strove	to Strive (کوشیدن)
risen	rose	to rise (طلوع کردن)

۳- اگر در مصدر صدای (ای-ئی) (I) داشته باشند، در ماضی صدای (ا) (a) و در اسم مفعول صدای (آ) (A) دارند.

**فعل (Verb) ماضی (Past) قسمت سوم یا اسم مفعول (Past Participle)**

Begun	Began	to Begin (شروع کردن)
Swum	Swam	to Swim (شنا کردن)
Rung	Rang	to Ring (زنگ زدن)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

Drunk	Drank	( نوشیدن ) to Drink
Sprung	Sprang	( جهیدن ) to Spring
Sung	Sang	( آواز خواندن ) to Sing
Shrunk	shrank	( چروک شدن ) to Shrink
Sank	Sunk	( فرورفتن ) to Sink

۴- اگر در مصدر (ای) (i) دارند، در ماضی و اسم مفعول صدای (آ) (A) پیدا می کنند و معمولاً قسمت دوم وسوم یعنی ماضی و اسم مفعول مشابه هستند .

**فعل (Verb) ماضی (Past) قسمت سوم یا اسم مفعول (Past Participle)**

Clung	Clung	( چسبیدن ) to Cling
Stuck	Stuck	( چسباندن ) to Stick
Won	Won	( بردن ) to Win
Swung	Swung	( تاب خوردن ) to Swing
Dug	Dug	( حفر کردن ) to Dig
Spun	Spun	( بافتن ) to Spin
Wrung	Wrung	( فشردن ) to Wring
Stung	Stung	( نیش زدن ) to Sting

۵- در این قسمت هر سه قسمت (یعنی مصدر - ماضی - و اسم مفعول) باهم برابرند .

**فعل (Verb) ماضی (Past) قسمت سوم یا اسم مفعول (Past Participle)**

Put	Put	( گذاشتن ) to Put
Shut	Shut	( بستن ) to Shut
Cut	Cut	( بریدن ) to Cut
Hit	Hit	( زدن ) to Hit
Set	Set	( غروب کردن ) to Set
Let	Let	( اجازه دادن ) to Let
Burst	Burst	( ترکیدن ) to Burst
Bet	Bet	( شرط بستن ) to Bet
Cost	Cost	( ارزیدن ) to Cost

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

Hurt	Hurt	(صدمه زدن) to Hurt
Spread	Spread	(پخش کردن) to Spread
۶- بعضی از افعال در مصدر و اسم مفعول یکصدا دارند و در اسم مفعول به n ختم میشوند .		
<b>فعل (Verb) ماضی (Past) قسمت سوم یا اسم مفعول (Past Participle)</b>		
Blown	Blew	(وزیدن) to Blow
Drawn	Drew	(کشیدن) to Draw
Fallen	Fell	(افتادن) to Fall
Given	Gave	(دادن) to Give
Forgiven	Forgave	(بخشیدن) to Forgive
Grown	Grew	(روئیدن) to Grow
Known	Knew	(دانستن) to Know
Mistaken	Mistook	(اشتباه کردن) to Mistake
Shaken	Shook	(تکان دادن) to Shake
Shown	Showed	(نشان دادن) to Show
Taken	Took	(بردن) to Take
Thrown	Threw	(پرتاب کردن) to Throw
۷- این دسته در ماضی و اسم مفعول یکصدا دارند ولی اسم مفعول آنها به n ختم میشود .		
<b>فعل (Verb) ماضی (Past) قسمت سوم یا اسم مفعول (Past Participle)</b>		
Born	Bore	(تحمل کردن) to Bear
Bitten	Bit	(گاز گرفتن) to Bite
Broken	Broke	(شکستن) to Break
Chosen	Chose	(انتخاب کردن) to Choose
Forgotten	Forget	(فراموش کردن) to Forget
Hidden	Hid	(پنهان کردن) to Hide
Spoken	Spoke	(صحبت کردن) to Speak
Stolen	Stole	(دزدیدن) to Steal
Sworn	Swore	(سوگند خوردن) to Swear

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

<b>Torn</b>	<b>Tore</b>	<b>(پاره کردن) to Tear</b>
<b>Woken</b>	<b>Woke</b>	<b>(بیدار شدن) to Wake</b>
<b>Worn</b>	<b>Wore</b>	<b>(پوشیدن) to Wear</b>
<b>Woven</b>	<b>Wove</b>	<b>(بافتن) to Weave</b>
۸- این دسته در ماضی و اسم مفعول au یا ou دارند و مشابه هستند ولی gh آنها تلفظ نمیشود.		
<b>فعل (Verb) ماضی (Past) قسمت سوم یا اسم مفعول (Past Participle)</b>		
<b>Taught</b>	<b>Taught</b>	<b>(درس دادن) to Teach</b>
<b>Caught</b>	<b>Caught</b>	<b>(گرفتن) to Catch</b>
<b>Bought</b>	<b>Bought</b>	<b>(خریدن) to Buy</b>
<b>Brought</b>	<b>Brought</b>	<b>(آوردن) to Bring</b>
<b>Sought</b>	<b>Sought</b>	<b>(جستجو کردن) to Seek</b>
<b>Thought</b>	<b>Thought</b>	<b>(فکر کردن) to Think</b>
۹- مصدر صدای (انی) (I:) و ماضی و اسم مفعول یکی است و صدای (e) دارند.		
<b>فعل (Verb) ماضی (Past) قسمت سوم یا اسم مفعول (Past Participle)</b>		
<b>Fed</b>	<b>Fed</b>	<b>(غذا دادن) to Feed</b>
<b>Led</b>	<b>Led</b>	<b>(راهنمایی کردن) to Lead</b>
<b>Bled</b>	<b>Bled</b>	<b>(خون آمدن) to Bleed</b>
<b>Read</b>	<b>Read</b>	<b>(خواندن) to Read</b>
<b>Found</b>	<b>Found</b>	<b>(پیدا کردن) to Find</b>
<b>Wound</b>	<b>Wound</b>	<b>(کوک کردن) to Wind</b>
<b>Ground</b>	<b>Ground</b>	<b>(خرد کردن) to Grind</b>
۱۰- مصدر صدای (نی) ماضی و اسم مفعول صدای (ا) دارند و با هم مشابه هستند.		
<b>فعل (Verb) ماضی (Past) قسمت سوم یا اسم مفعول (Past Participle)</b>		
<b>Slept</b>	<b>Slept</b>	<b>(خوابیدن) To Sleep</b>
<b>Felt</b>	<b>Felt</b>	<b>(احساس کردن) To Feel</b>
<b>Kept</b>	<b>Kept</b>	<b>(نگهداشتن) To keep</b>
<b>Wept</b>	<b>wept</b>	<b>(گریه کردن) To weep</b>

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

<b>Knelt</b>	<b>Knelt</b>	<b>(زانو زدن) To kneel</b>
<b>Dealt</b>	<b>Dealt</b>	<b>(بکار پرداختن) To Deal</b>
<b>Meant</b>	<b>Meant</b>	<b>(معنی دادن) To Mean</b>
<b>Dreamt</b>	<b>Dreamt</b>	<b>(خواب دیدن) To Dream</b>
<b>Crept</b>	<b>Crept</b>	<b>(خزیدن) To Creep</b>
<b>ضمناً" تعدادی از افعال بیقاعده در زیر آورده شده تا کمکی به فراگیری بیشتر گردد.</b>		
<b>اسم مفعول</b>	<b>گذشته</b>	<b>معنی</b>
<b>arisen</b>	<b>arose</b>	<b>(برخاستن - رخ دادن) To Arise</b>
<b>awoke-awaked</b>	<b>awoke</b>	<b>(بیدار شدن - بیدار کردن) To Awake</b>
<b>been</b>	<b>was - were</b>	<b>(بودن) (am-is-are) To Be</b>
<b>born</b>	<b>bore</b>	<b>(تحمل کردن) To Bear</b>
<b>beaten</b>	<b>beat</b>	<b>(زدن - شکست دادن در مسابقه) To Beat</b>
<b>become</b>	<b>became</b>	<b>(شدن) To Become</b>
<b>befallen</b>	<b>befell</b>	<b>(اتفاق افتادن - رخ دادن) To Befall</b>
<b>begun</b>	<b>began</b>	<b>(شروع کردن - شروع شدن) To Begin</b>
<b>bent</b>	<b>bent</b>	<b>(خم شدن - تعظیم کردن) To Bend</b>
<b>besought</b>	<b>besought</b>	<b>(التماس کردن) To Besech</b>
<b>bet</b>	<b>bet</b>	<b>(شرط بستن) To Bet</b>
<b>betaken</b>	<b>betook</b>	<b>(متوسل شدن - به کسی روی آوردن) To Betake</b>
<b>bound</b>	<b>bound</b>	<b>(بستن - صحافی کردن) To Bind</b>
<b>bitten</b>	<b>bit</b>	<b>(گاز گرفتن - گزیدن) To Bite</b>
<b>bled</b>	<b>bled</b>	<b>(خون آمدن) To Bleed</b>
<b>blown</b>	<b>blew</b>	<b>(ورزیدن - دمیدن - فوت کردن) To Blow</b>
<b>broken</b>	<b>broke</b>	<b>(شکستن - پاره کردن) To Break</b>
<b>bred</b>	<b>bred</b>	<b>(پروراندن - تولید کردن) To Breed</b>
<b>brought</b>	<b>brought</b>	<b>(آوردن) To Bring</b>
<b>broadcast(ed)</b>	<b>broadcast (ed)</b>	<b>(پخش کردن) از رادیو و تلویزیون To Broadcast</b>

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

built	built	(ساختن)	To Build
burn(burned)	burnt(burned)	(سوختن - سوزاندن)	To Burn
burst	burst	(ترکیدن - منفجر شدن)	To Burst
bought	bought	(خریدن)	To Buy
caught	caught	(گرفتن - دستگیر کردن)	To Catch
chosen	chose	(برگزیدن - انتخاب کردن)	To Choose
<u>اسم مفعول</u>	<u>گذشته</u>	<u>معنی</u>	<u>فعل</u>
clung	clung	(چسبیدن)	To Cling
come	came	(آمدن)	To Come
cost	cost	(ارزش داشتن)	To Cost
crept	crept	(خزیدن)	To Creep
cut	cut	(بریدن - چیدن)	To Cut
dealt	dealt	(معامله کردن - اقدام کردن)	To Deal
dug	dug	(حفر کردن - کندن - کاوش کردن)	To Dig
done	did	(انجام دادن)	To Do
drawn	drew	(کشیدن - رسم کردن)	To Draw
dreamt	dreamt	(خواب دیدن)	To Dream(ed)
drunk(en)	drank	(نوشیدن - آشامیدن)	To Drink
driven	drove	(رانندگی کردن)	To Drive
eaten	ate	(خوردن)	To Eat
fallen	fell	(افتادن)	To Fall
fed	fed	(غذا دادن - شیر دادن)	To Feed
felt	felt	(احساس کردن)	To Feel
fought	fought	(جنگیدن - نزاع کردن)	To Fight
found	found	(پیدا کردن - یافتن)	To Find
fled	fled	(فرار کردن)	To Flee
forbidden	forbade	(قدغن کردن - ممنوع کردن)	To Forbid

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

forecast(ed)	forecast(ed)	(پیش بینی کردن)	To Forecast
foretold	foretold	(پیش گویی کردن)	To Foretell
forgotten	forgot	(فراموش کردن)	To Forget
forgiven	forgave	(بخشیدن)	To Forgive
frozen	froze	(یخ بستن-منجمد شدن)	To Freeze
got- gotten	got	(رسیدن - خریدن - بدست آوردن - شدن)	To Get
<b>اسم مفعول</b>	<b>گذشته</b>	<b>معنی</b>	<b>فعل</b>
given	gave	(دادن)	To Give
gone	went	(رفتن)	To Go
ground	ground	(خرد کردن- آسیاب کردن - تیز کردن)	To Grind
grown	grew	(رویندن- رشد کردن - بزرگ شدن)	To Grow
hung	hung	(آویزان کردن)	To Hang
hanged	hanged	(دار زدن)	To Hang
had	had	(داشتن - خوردن - نوشیدن)	To Have
heard	heard	(شنیدن)	To Hear
hidden	hid	(پنهان کردن - مخفی کردن)	To Hide
hit	hit	(زدن - کتک زدن)	To Hit
held	held	(نگاه داشتن - برگزار کردن)	To Hold
hurt	hurt	(مجروح کردن - صدمه زدن)	To Hurt
kept	kept	(نگهداری کردن - محافظت کردن)	To keep
knelt	knelt	(زانو زدن)	To kneel
known	knew	(دانستن - شناختن)	To Know
laid	laid	(گذاشتن - قرار دادن - تخم گذاری کردن)	To Lay
led	led	(رهبری کردن - راهنمایی کردن)	To Lead
leant	leant	(تکیه زدن - تکیه کردن)	To Lean (ed)
learnt	learnt	(یاد گرفتن - آموختن)	To Learn(ed)
left	left	(ترک کردن محل - جا گذاشتن)	To Leave

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

lent	lent	(قرض دادن – وام دادن)	To Lend
let	let	(اجازه دادن)	To Let
lain	lay	(دراز کشیدن – قرار داشتن)	To Lie
lit	lit	(روشن کردن) سیگار - پیپ	To Light(ed)
lost	lost	(از دست دادن – گم کردن)	To Lose
made	made	(ساختن – درست کردن)	To Make
<b>اسم مفعول</b>	<b>گذشته</b>	<b>معنی</b>	<b>فعل</b>
meant	meant	(معنی دادن – منظور داشتن)	To Mean
met	met	(ملاقات کردن – مواجه شدن با)	To Meet
ment	ment	(تعمیر کردن)	To Mend
misled	misled	(گمراه کردن)	To Mislead
mistaken	mistook	(اشتباه کردن)	To Mistake
misunderstood	misunderstood	(درست نفهمیدن)	To Misunderstand
mown	mowed	(چیدن – درو کردن)	To Mow
outdone	outdid	(پیش افتادن از – بهتر انجام دادن)	To Outdo
outshone	outshone	(تحت شعاع قرار دادن)	To Outshine
overcome	overcame	(غلبه کردن – مغلوب ساختن – پیروز شدن)	To Overcome
overeaten	overate	(برخوردن)	To Overeat
overseen	oversaw	(سرکشی کردن – نظارت کردن)	To Oversee
overset	overset	(واژگون کردن – مغلوب کردن)	To Overset
paid	paid	(پرداخت کردن – دادن پول)	To Pay
Put	Put	(قرار دادن – گذاشتن)	To Put
read	read	(خواندن – قرائت کردن)	To Read
rebuilt	rebuilt	(دوباره ساختن – باز سازی کردن)	To Rebuild
retold	retold	(دوباره گفتن)	To Retell
ridden	rode	(سوار شدن)	To Ride
rung	rang	(تلفن کردن – زنگ زدن)	To Ring



چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

risen	rose	(برخاستن - بلند شدن - طلوع کردن)	To Rise
run	ran	(دویدن - جاری شدن)	To Run
sawed-sawn	sawed	(اره کردن)	To Saw
said	said	(گفتن)	To Say
seen	saw	(دیدن)	To See
sought	sought	(جستجو کردن - طلب کردن)	To Seek
<b>اسم مفعول</b>	<b>گذشته</b>	<b>معنی</b>	<b>فعل</b>
sold	sold	(فروختن)	To Sell
sent	sent	(فرستادن)	To Send
Set	Set	(غروب کردن - قرار دادن)	To Set
sewed - sewn	sewed	(دوختن - خیاطی کردن)	To Sew
shaken	shook	(تکان دادن)	To Shake
Shed	Shed	(ریختن اشک - افشاندن)	To Shed
shone	shone	(درخشیدن - تابیدن)	To Shine
shod	shod	(نعل کردن)	To Shoe
shot	shot	(تیر اندازی کردن)	To Shoot
showed	showed	(نشان دادن)	To Show
shrunk -shrunken	shrank	(چروک شدن)	To Shrink
shut	shut	(بستن)	To Shut
sung	sang	(آواز خواندن - خواندن)	To Sing
sunk	sank	(فرورفتن - غرق شدن)	To Sink
sat	sat	(نشستن)	To Sit
slain	slew	(بقتل رساندن - کشتن)	To Slay
slept	slept	(خوابیدن)	To Sleep
slid	slid	(سر خوردن - لیز خوردن)	To Slide
slit	slit	(شکافتن - بدو نیم کردن)	To Slit
smelt	smelt	(بوئیدن - بو دادن)	To Smell(ed)

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

sowed - sown	sowed	(کاشتن - افشاندن)	To Sow
spoken	spoke	(صحبت کردن - حرف زدن)	To Speak
sped	sped	(سرعت گرفتن - تند کردن)	To Speed
spelt	spelt	(هجی کردن)	To Spell(ed)
spent	spent	(خرج کردن)	To Spend
spilt	spilt	(ریختن) غیر ارادی	To Spill(ed)
<b>اسم مفعول</b>	<b>گذشته</b>	<b>معنی</b>	<b>فعل</b>
spun	span	(ریستن - بافتن)	To Spin
split	split	(شکافتن - دو نیم کردن)	To Split
spoilt	spoilt	(ضایع کردن - خراب کردن)	To Spoil
spread	spread	(پهن کردن - پخش کردن)	To Spread
sprung	sprang	(پریدن - جستن)	To Spring
stood	stood	(ایستادن)	To Stand
stolen	stole	(سرقت کردن - دزدیدن)	To Steal
stuck	stuck	(چسبیدن - چسباندن)	To Stick
stunk	stank	(گندیدن - فاسد شدن - بوی بد دادن)	To Stink
stung	stung	(نیش زدن)	To Sting
struck - stricken	struck	(زدن - برخورد کردن)	To Strike
striven	strove	(سخت کوشیدن - بسیار سعی کردن)	To Strive
sworn	swore	(سوگند یاد کردن - قسم خوردن)	To Swear
sweat	sweat	(عرق کردن)	To Sweat(ed)
swelled - swollen	swelled	(ورم کردن)	To Swell
swum	swam	(شنا کردن)	To Swim
swung	swung	(تاب خوردن - تاب دادن)	To Swing
taken	took	(برداشتن - بردن)	To Take
taught	taught	(درس دادن - آموختن)	To Teach
torn	tore	(پاره کردن)	To Tear

چکیده ای از نکته ها و گرامر زبان انگلیسی در زبان شیرین فارسی

<b>told</b>	<b>told</b>	<b>(گفتن)</b>	<b>To Tell</b>
<b>thought</b>	<b>thought</b>	<b>(فکر کردن - تصور کردن)</b>	<b>To Think</b>
<b>thrown</b>	<b>threw</b>	<b>(پرتاب کردن - انداختن)</b>	<b>To Throw</b>
<b>trod - trodden</b>	<b>trod</b>	<b>(لگد کردن)</b>	<b>To Tread</b>
<b>undertaken</b>	<b>undertook</b>	<b>(بعهد گرفتن - تعهد کردن)</b>	<b>To Undertake</b>
<b>undone</b>	<b>undid</b>	<b>(باطل کردن - باز کردن گره)</b>	<b>To Undo</b>
<b>اسم مفعول</b>	<b>گذشته</b>	<b>معنی</b>	<b>فعل</b>
<b>upset</b>	<b>upset</b>	<b>(منقلب کردن - واژگون شدن)</b>	<b>To Upset</b>
<b>waken</b>	<b>woke</b>	<b>(بیدار شدن - بیدار کردن)</b>	<b>To Wake</b>
<b>worn</b>	<b>wore</b>	<b>(پوشیدن - تن کردن)</b>	<b>To Wear</b>
<b>woven</b>	<b>wove</b>	<b>(بافتن - پیچیدن)</b>	<b>To Weave</b>
<b>wept</b>	<b>wept</b>	<b>(گریه کردن - چکیدن)</b>	<b>To Weep</b>
<b>won</b>	<b>won</b>	<b>(بردن - برنده شدن)</b>	<b>To win</b>
<b>wound</b>	<b>wound</b>	<b>(پیچیدن - کوک کردن ساعت)</b>	<b>To Wind</b>
<b>wrung</b>	<b>wrung</b>	<b>(فشردن)</b>	<b>To Wring</b>
<b>written</b>	<b>wrote</b>	<b>(نوشتن - یادداشت کردن)</b>	<b>To write</b>



در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

